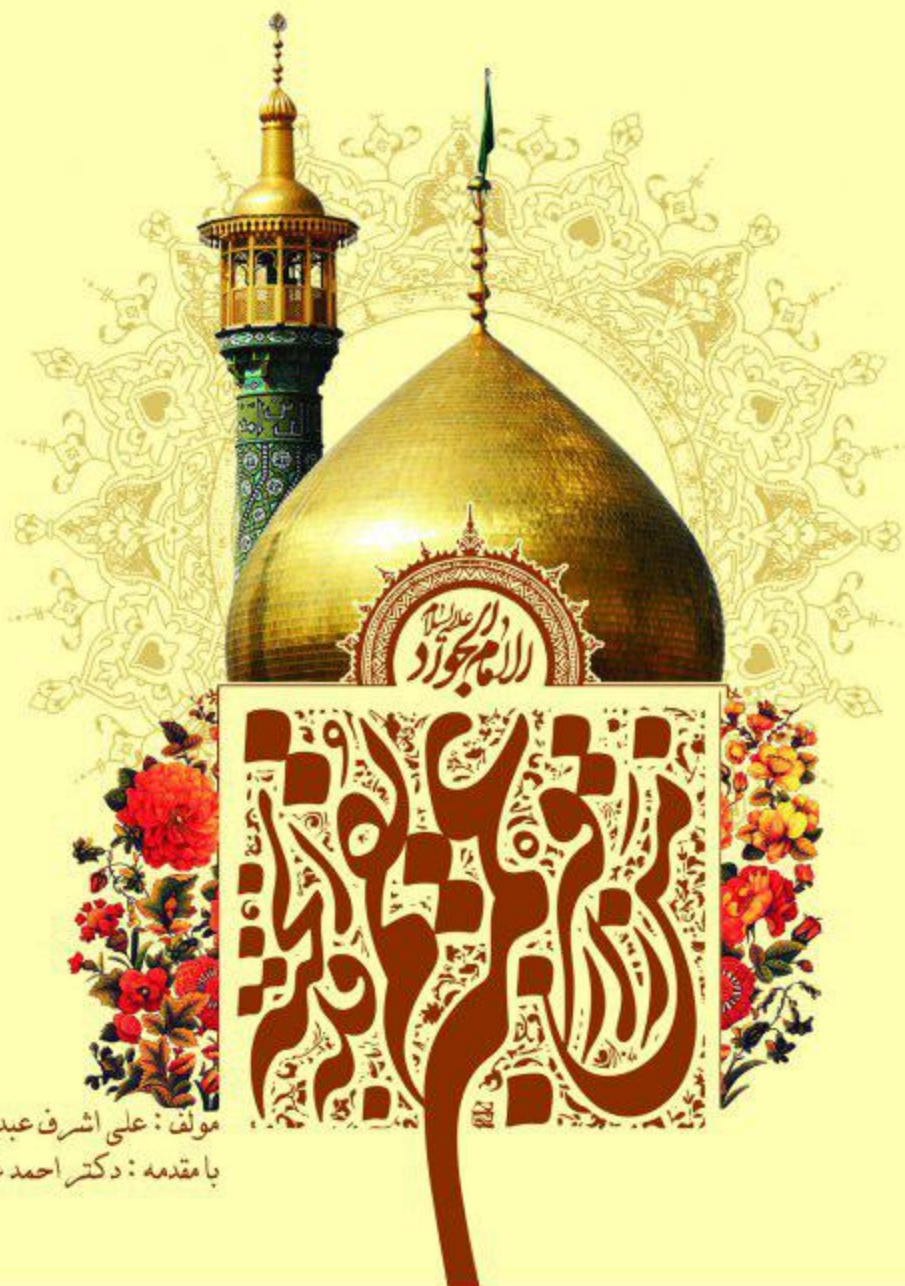


در عصمت

مروری بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)



در عصمت (مروری بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام))

علی اشرف عابدی

قم، حرم اهل بیت علیهم السلام است و فرهنگ و تاریخ تشیع با فرهنگ و تاریخ این شهر و زندگانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ارتباطی مستمر دارد؛ به طوری که پژوهش و مطالعه در موضوع تشیع و قم توأمان بوده و هر کدام بدون دیگری کامل نخواهد بود.

اثری که پیش روی شماست برای آشنایی با زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و شرح برخی از فضائل آن حضرت نگاشته شده است.



انتشارات آستان قدس رضوی

آستان قدس رضوی - مشهد

انتشارات آستان قدس رضوی

دفتر مرکزی: قم، میدان شهید مفتح
مؤسسه فرهنگی اقتصادی زائر کریمه
نمایشگاه دائمی کتاب: حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س)

محل صاحب الزمان (عج)

۳۲۶۴۰۸۵۱-۳ / ۳۷۱۷۵۳۶۱

ISBN 9789641800644



9 789641 800644

نهمین جشنواره
کتابخوانی رضوی

www.iranpl.ir



در عصمت

«نکاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام»

علی اشرف عبدی

بامقدمه آیت الله احمد عابدی دامت برکاته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: عبدی، علی اشرف
عنوان و نام پدیدآور: در عصمت «نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها»
علی اشرف عبدی؛ با مقدمه آیت الله احمد عابدی.
مشخصات نشر: قم: آستان مقدس قم، انتشارات زائر، ۱۳۹۳.
فروست: انتشارات زائر آستان مقدس؛ ۴۷۸. مدیریت پژوهشی آستان مقدس قم.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۰-۰۶۴-۴
موضوع: معصومه (س) بنت موسی کاظم (ع)، ۱۸۳-۴۲۰۱ ق. - سرگذشتنامه - فضایل
شناسه افزوده: عابدی، احمد، ۱۳۳۹ - مقدمه نویسنده
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ د ۲۴ / ۲ / ۲۷ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۳۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۷۸۳۶۳

انتشارات آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه



۴۷۸

شماره اثر در مدیریت پژوهشی آستان مقدس قم / ۱۰۳



در عصمت «نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها»

مؤلف: علی اشرف عبدی

ناشر: زائر آستان مقدس

چاپخانه: زائر آستان مقدس

حروفچینی و صفحه آرایی: هوایی، زند

نوبت و سال چاپ: هفتم ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۰-۰۶۴-۴

نهمین جشنواره
کتابخوانی رضوی
www.iranpl.ir



دفتر مرکزی: قم / میدان شهداء / انتشارات زائر
نمایشگاه دائمی کتاب: حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
صحن صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

تلفن: ۳-۳۲۹۴۰۸۵۱ فاکس: ۳۲۹۳۱۹۴۲

*** حق چاپ محفوظ است ***



۳۵..... راز و نیاز.....

۳۶..... کسب معارف.....

۳۶..... نجمه خاتون الگوی ادب و احترام.....

۳۷..... وفات و مدفن.....

۳۷..... حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و خلفای معاصر.....

۳۹..... هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام.....

۴۱..... دلیل هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم.....

۴۵..... چگونگی رحلت حضرت معصومه علیها السلام.....

۴۷..... مراسم دفن.....

۴۹..... سه نکته درباره دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام.....

۵۰..... تاریخ وفات.....

۵۱..... بحثی درباره ازدواج حضرت فاطمه معصومه علیها السلام.....

بخش دوم:

جایگاه علمی و فرهنگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

۶۲..... نقل حدیث.....

۶۳..... حدیث اول: یاد کرد غدیر خم.....

۶۴..... حدیث دوم: حماسه غدیر.....

۶۴..... حدیث سوم: دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله.....

۶۵..... حدیث چهارم: فضائل شیعه.....

۶۷..... حدیث پنجم: طهارت امام حسین علیه السلام.....

۶۷..... عظمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام.....



فهرست مطالب

۹..... سفن ما.....

۱۱..... مقدمه آیت الله احمد عابدی دامت برکاته.....

۱۵..... مقدمه مؤلف.....

بخش اول:

گذری بر زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

۲۱..... ولادت فاطمه معصومه علیها السلام.....

۲۶..... ذی قعدة ماه ولایت.....

۲۹..... تربیت در سایه پدری معصوم.....

۳۲..... فضایل نجمه خاتون مادر حضرت معصومه علیها السلام.....

۳۵..... نامهای مادر حضرت معصومه علیها السلام.....



بخش سوم:

مدح قم، وصف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

خاک قم، آمیخته با ولایت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۷۷
تقدیس خاک قم و آمرزش اهل آن.....	۷۸
قم دارالمؤمنین.....	۷۹
قم باب الجنه.....	۸۰
حجت بودن قم و اهل آن بر مردم.....	۸۱
قم معدن علم.....	۸۲
اهل قم یاران ما (اهل بیت <small>علیهم السلام</small>) و قم کاشانه آل محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>	۸۳
اهل قم یاران امام زمان <small>علیه السلام</small> و خواستگاه انقلاب.....	۸۵
قم حرم اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و سلام خدا بر اهل قم.....	۸۶

بخش چهارم:

عصمت، شفاعت و کرامت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

معصومه <small>علیها السلام</small>	۹۶
مقدمه‌ای بر بحث شفاعت.....	۱۰۲
مقام شفاعت حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>	۱۰۵
کریمه اهل البیت <small>علیهم السلام</small>	۱۱۲
مصادیقی از کرامات حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>	۱۱۷
۱. کرامات حضرت معصومه در تفسیر آیه تطهیر.....	۱۱۷
۲. کرامتی درباره تعویض گنبد مطهر.....	۱۲۱



۳. برکت قم به واسطه کرامت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	۱۲۴
۴. پرداخت شهریه به واسطه حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	۱۲۸
۵. حوزه علمیه مورد عنایت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۱۳۱

بخش پنجم:

زیارت، سنتی اسلامی

زیارت در منابع و نگاه اهل سنت.....	۱۴۰
فایده‌های زیارت قبور.....	۱۴۲
زیارت در نظم شعرای اهل سنت.....	۱۴۴
زیارت، ابتغای وسیله نزد خداوند متعال.....	۱۵۴
ائمه <small>علیهم السلام</small> وسیله خدا.....	۱۵۷
روایاتی درباره زیارت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	۱۶۰
نگاهی به مضمون احادیث.....	۱۶۳
آداب سفر زیارت.....	۱۶۵
۱. آداب ظاهری زیارت.....	۱۶۶
۲. آداب معنوی زیارت.....	۱۷۰
آداب حین تشرف.....	۱۷۷
آموزه‌هایی از زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>	۱۷۸
فهرست منابع.....	۱۸۱

اثر حاضر در پنج بخش به شرح ذیل تنظیم گردیده است:

بخش اول: گذری بر زندگی نامه حضرت معصومه علیها السلام

بخش دوم: جایگاه علمی و فرهنگی حضرت معصومه علیها السلام

بخش سوم: مدح قم، وصف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

بخش چهارم: عصمت، شفاعت و کرامت حضرت معصومه علیها السلام

بخش پنجم: زیارت، سنتی اسلامی

در پایان با سپاس از درگاه الهی به خاطر توفیق این خدمت، از حمایت‌های حضرت آیت الله سید محمد سعیدی دامت افاضاته تولیت محترم آستان مقدس کریمه اهل بیت علیهم السلام و همه محققان و پژوهشگران محترم که با این مدیریت همکاری دارند و نیز کلیه دست اندرکاران امور چاپ قدردانی می‌نماییم.

رییس پژوهشکده علامه طباطبایی رحمته

آستان مقدس

احمد عابدی

سخن ما

قم، حرم اهل بیت علیهم السلام است و فرهنگ و تاریخ تشیع با فرهنگ و تاریخ این شهر و زندگانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ارتباطی مستمر دارد؛ به طوری که پژوهش و مطالعه در موضوع تشیع و قم توأمان بوده و هر کدام بدون دیگری کامل نخواهد بود.

در فرهنگ تشیع، واژه‌هایی مانند زیارت، توسل، شفاعت، عصمت و... جایگاه والایی دارد، چرا که این مفاهیم از سازنده ترین برنامه های تربیتی به شمار می‌آیند. زیارت و احترام و بزرگداشت به انسان‌های پاک و با فضیلت و الهام گرفتن از آنان، موجبات تطهیر روح انسان را فراهم می‌آورد و راه تقرب به خدا و رسیدن به کمالات والای انسانی را هموار می‌کند.

اثری که پیش روی شماست برای آشنایی با زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و شرح برخی از فضائل آن حضرت نگاشته شده است. این مجموعه ارزشمند، حاصل تلاش علمی و پژوهشی جناب آقای علی اشرف عابدی است که از درگاه الهی برای ایشان سلامت و توفیق بیشتر مسئلت داریم .

ساختن مسجد و محل پرستش خداوند بر محل قبر اصحاب کهف که انسان‌هایی موحد و الهی بودند مورد تأیید خدای متعال و قرآن کریم است؛ هرچند که این مسئله همچون بسیاری دیگر از معارف عرشی و بلند توحیدی دین به مذاق وهابیان و سلفی‌های تکفیری خوش نیامده و با تخریب مساجد و حرم‌های مطهر و قبور اولیای دین، خوش خدمتی و سرسپردگی خود را به یهود و صهیونیست‌ها و دشمنان اسلام و قرآن به اثبات می‌رسانند.

حرم‌های مطهری که در مکه مکرمه و مدینه منوره بر قبر حضرت خدیجه، حضرت عبدالمطلب، شهدای بدر، ائمه مظلوم بقیع و... وجود داشته توسط مسلمانان اهل سنت ساخته شده و مورد تأیید و زیارت تمام مسلمانان بوده است، اما پیروان نابخرد محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه تنها گروهی هستند که با زیارت و آثار عظیم معنوی و الهی مخالفت ورزیده، به تخریب و اهانت به این مراقد مطهر و منور روی آورده و بیشترین خدمت را به دشمنان اسلام و قرآن نموده اند. اینان در واقع پیروان بنی امیه‌اند و عقاید و افکار خود را از شجره خبیثه یا شجره ملعونه معاویه و ابوسفیان گرفته‌اند که تا آخرین سال‌های عمر مبارک رسول خدا با آن حضرت می‌جنگیدند و هرگز حتی چشم بر هم زدنی به رسول خدا ایمان نیاوردند.

علی رغم نظر نادرست وهابیت، نماز و ذکر و عبادت خداوند در کنار جسم و روح اولیای الهی علاوه بر اجر و ثواب معنوی آن، در بردارنده هزاران درس عبرت و آموزش اخلاق و مکارم و آداب دینی و شرعی است.

زیارت و توسل جزء شعائر دینی و تعظیم و بزرگداشت آن مورد اهتمام و توجه قرآن کریم است. البته زیارتگاه‌هایی که اکنون وجود دارند از جهت اعتبار

مقدمه آیت الله احمد عابدی دامت برکاته

تاریخ تشیع با تاریخ قم، پیوندی ناگسستنی دارد و تحقیق و پژوهش در هر کدام بدون دیگری ابتر و ناقص است؛ همچنانکه نیز تاریخ قم با تاریخ حضرت سنی گوهر و صدف ولایت حضرت فاطمه بنت باب الحوائج الی الله حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام عجین شده و غیر قابل تفکیک هستند.

در سرتاسر دنیای اسلام و حتی در فراتر از آن، مراقد مبارک و نورانی امامزادگان و اولاد و نوادگان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و نیز مقابر اولیا و علما و صالحان، هر کدام چون هاله‌ای از نور پرتو افشانی نموده، خرمنی از نور و معنویت و صفا در اطراف آنها احساس می‌شود. زیارتگاه‌هایی که مسلمانان گرداگرد این قبور ساخته و مساجدی که بر آنها برافراشته و در آنها به عبادت و پرستش خدای متعال پرداخته اند همه الهام گرفته از آیه کریمه **قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا** ﴿۲۱﴾ است.

در یک سطح نیستند، بلکه برخی از آنها به صورت قطعی و یقینی است و برخی از آنها وثوق کمتری دارند.

قبر مطهر رسول خدا ﷺ و یازده امام جانشین آن حضرت ﷺ و نیز مرقد بزرگانی در قبرستان‌هایی همچون بقیع، بدر، احد و کربلا همه به صورت قطعی است و هیچ تردیدی در محل آنها وجود ندارد.

برخی از امام زادگان نیز این‌گونه هستند که در رأس آنان باید از حضرت فاطمه مصعومه علیها السلام در قم یاد کرد. اگر هم اندکی اختلاف یا تردید در سال ولادت یا برخی جزئیات زندگی آن بانوی کرامت وجود داشته باشد، اما در اینکه مدفن آن فرزند رسول الله در «باغ بابلان» و حرم مطهر کنونی بوده تردیدی وجود ندارد. همچنین در اینکه آن بزرگوار از بزرگ‌ترین اولیای الهی است و با بانوانی چون حضرت زهرا، حضرت خدیجه، حضرت زینب، حضرت مریم و حضرت آسیه و حضرت هاجر علیهن افضل الصلوات قابل مقایسه بوده تردیدی نیست. این بانوان افضل زنان عالم و سیده النساء و برگزیدگان خدای متعال و مطهر از هرگونه عیب و قذراتی هستند و این افتخار بسیار بزرگی است که قم، میزبان و صدف چنین درّی و انگشتری چنین نگینی است.

تاکنون در خصوص معرفی این بانوی کرامت و ترسیم و تبیین قطره‌ای از فضائل و مناقب ایشان، آثار گرانبها و ارزنده‌ای تدوین شده که یکی از جدیدترین و بهترین آنها اثری است که اکنون پیش روی شماست و به قلم وزین جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای علی اشرف عبدی زید عزه نگارش و سامان یافته است.

جامعیت این اثر در موضوع خود، استناد به منابع قوی و معتبر و نیز گستردگی اطاعات آن از جمله امتیازات این اثر است که مطالعه آن را به همه علاقه مندان به آستان حضرتش سفارش می‌کنیم.

احمد عابدی

بِزَوَالِ النُّعْمَةِ؛^۱ خداوند در هر نعمتی حقی دارد و کسی که حقش را ادا کند نعمت او را افزون کند و کسی که کوتاهی کند نعمت را در خطر زوال قرار می‌دهد.

ادب اقتضا می‌کرد که از باب تشکر و تسبیح و تقدیس در برابر عنایت خداوند حکیم و دانا و مهربان و سپاس در برابر کرامات کریمه اهل بیت علیهم‌السلام ادای دین و تلاشی ناقص کرده، به فرمایش امام هادی علیه‌السلام جامه عمل بیوشانیم که فرمود: «برای نعمت‌ها پیش از آنکه از شما جدا شوند همدمی نیکو باشید».^۲

از این رو عذر تقصیر به پیشگاه رفیع آن بانوی عظیم الشان آورده‌ایم تا شاید جرعه نوشی «اللهم انی اسئلك ان تختم لی بالسعادة فلا تسلب منی ما انا فیه»^۳ برای همیشه شامل حالمان گردد.

امیدوارم نوشتار حاضر مورد عنایت پروردگار عالمیان و ارواح طیبه معصومین علیهم‌السلام قرار گیرد.

همچنین انتظار می‌رود محققین و اهل قلم و خوانندگان عزیز از راهنمایی‌های دلسوزانه خود دریغ نفرمایند تا نواقص احتمالی کتاب برطرف گردد.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۴۴.

۲. منتخب میزان الحکمه، ص ۷۶۱.

۳. بخشی از زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵.

مقدمه مؤلف

خدمت در بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام عنایتی الهی است و بهره‌مندی از آن، به هر کس بی‌گمان نشانه توفیقی خدایی است که باید آن را پاس داشت.

خادم حریم کریمه اهل بیت باید این فرصت بی‌نظیر و بهره‌مندی از حضور در چنین جایگاهی را که آشکارا نشان از فردوس برین دارد، قدر بداند چرا که این بارگاه، تجلی‌گاه وادی عشق و تمثیلی از مرقد مبارک و مزار پنهان زهرای اطهر و زیارت ضریح دخترش فاطمه معصومه علیها‌السلام معادل بهشت برین است.

نگارنده حدود بیست سال است که جیره‌خوار سفره این بانوی آسمانی و شفیع آخرت، در عصمت، مریم آل طه، محدثه غدیر و تجلی کوثر بوده، از نعمات بارگاه عشق آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ملجأ و مأمن عشاق اهل ولاء متنعم و از سفره کریمانه‌اش بهره‌ها جسته و کرامات دیده است.

امیرالمومنین علی علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا فَمَنْ أَدَّاهُ زَادَهُ وَ مَنْ قَصَّرَ عَنْهُ خَاطَرَ

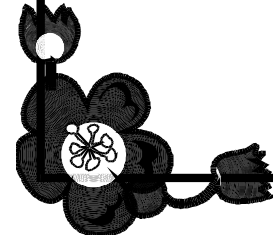
در اینجا فرصت را غنیمت شمرده از ریاست محترم پژوهشکده علوم و معارف قرآنی آستان مقدس، استاد ارجمند حضرت آیت الله عابدی دام توفیقاته و حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید حسن نقیبی و آقایان محمدرضا هوایی و محسن زند و همچنین ویراستار محترم جناب آقای محمد سعید رضایی که ما را یاری نمودند صمیمانه سپاس‌گزاری می‌نمایم.

علی اشرف عبدی

۹۳/۵/۲۰

بخش اول:

گذری بر زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام



اما به عقیده بیشتر محققان و نویسندگان ولادت آن حضرت در ابتدای ذی قعدة است.^۱

مرحوم عمادزاده اصفهانی می گوید:

«حضرت معصومه علیها السلام در مدینه در ماه ذی قعدة سال ۱۷۳ق. متولد شد و در ربیع الثانی ۲۰۱ دیده از جهان فروبست.»^۲

۲. برخی، میلاد دخت گرامی موسی بن جعفر علیه السلام را سال ۱۸۳ق. مصادف با سال شهادت پدر بزرگوارش می دانند؛ از جمله؛ مرحوم فیض در کتاب انجم فروزان^۳ و گنجینه آثار قم.^۴ وی به نقل از کتاب «لواقح الانوار فی طبقات الاخبار»^۵ و «نزهة الابرار فی نسب اولاد الائمة الاطهار علیهم السلام»^۶ چنین می آورد:

تاریخ تولد و وفات حضرت معصومه علیها السلام تا این زمان بر عامه خلق مکتوم و غیر معلوم بود، ولی جناب حجت الاسلام آقای شیخ جواد مجتهد در مسافرت خود به مکه معظمه زادهای شرفا و تعظیماً در مدینه طیبه در کتابخانه مبارکه به زحمت زیادی به دست آورده اند. در کتاب نزهة الابرار فی نسب اولاد ائمه

ولادت فاطمه معصومه علیها السلام

به واسطه محدودیتی که محبین اهل بیت علیهم السلام در برخی از اعصار و قرون داشته اند، تاریخ آن دوره ها به خصوص دوره امام هفتم علیه السلام به صورت کامل تدوین نشده یا اینکه آثار پیشینیان و تألیفات آنان در پی حوادث و رویدادها از بین رفته است. این موضوع در مورد تاریخ تولد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نیز مطرح است و حتی در آن اختلاف نیز وجود دارد. در این باره حداقل سه قول بیان شده است:

۱. اول ذی قعدة ۱۷۳ ق، قول مشهوری که آن را دانشور متبحر و متبّع، شیخ علی نمازی^۱ بیان کرده،^۲ ولی دلیلی بر اثبات تولد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بیان نکرده است؛ گرچه این تاریخ با شواهد و قرائن، هماهنگی و تطبیق دارد.

۱. متوفای ۱۴۰۵ق. مرقد ایشان در یکی از حجره های صحن رضوی در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام قرار دارد.

۲. مستدرک سفینة البحار، ج ۸، ص ۲۵۷.

۱. شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۲۸؛ مهدی منصوری، حیاة السّنة، ص ۱۰؛ محمد هادی امینی، فاطمه بنت الامام موسی الکاظم علیه السلام، ص ۲۱.

۲. زندگانی حضرت موسی بن جعفر، ج ۲، ص ۳۷۵.

۳. انجم فروزان، ص ۵۸.

۴. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۸۶.

۵. تألیف عبدالوهاب شعرانی شافعی، متوفای ۹۳۷هـ.ق.

۶. تألیف سید موسی برزنجی شافعی مدنی.

الاطهار و کتاب لواقح الانوار فی طبقات الاخبار که کتاب مفصلی است چنین ضبط شده است: «ولادة فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام فی المدینة المنورة غرة ذی القعدة الحرام سنة ثلاث و ثمانین و مائة بعد الهجرة النبوية و توفیت فی العاشر من ربیع الثانی فی سنة احدى و مائین فی بلدة قم»، بنابراین سن مبارک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام هجده سال بوده است.

در جای دیگری نیز آورده:

هر چند که سن بی بی و میلاد باسعادتش ضبط نگردیده، در شمار مجهولات است، اما با استفاده از بعضی قرائن باید گفت که از سی سال افزون بوده چه که فاطمه مدفون به قم فاطمه کبری و بزرگترین دختران امام موسی علیه السلام است و... تعیین سن مبارک فاطمه بین هیجده تا بیست و یک سال مولود از اشتباه فاطمه کبری به فاطمه صغری بوده است.^۱ با توجه به این بیانات، خود مرحوم فیض تاریخ خاصی را مشخص نمی کنند و تنها سن مبارک آن حضرت را در زمان هجرت به قم بیش از ۳۰ سال بوده تخمین می زنند. از طرفی به نقل از دو کتابی که ذکرشان گذشت سال ۱۸۳ را نقل می نماید. پس بنا به این نقل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در مدینه منوره و در آغاز ماه ذی قعدة سال ۱۸۳ ق. دیده به جهان گشود و در دهم ماه ربیع الاول ۲۰۱ ق. در قم وفات یافت.^۲

۱. گنجینه آثار قم، ج ۱، صص ۳۸۵-۳۸۶.

۲. مؤلف کتاب وسیلة المعصومیه، ص ۶۵ این چنین نقل می کند: «... و از کتاب نزهة الابرار فی نسب اولاد الائمة الاطهار نقل شده در روز دوشنبه اول ماه ذی قعدة از سال یکصد و

۳. بعضی قول سومی را نیز می آورده اند؛ مثلاً جناب آقای شیخ مهدی منصوری در تألیف خودش می نویسد:

با تحلیل و تجزیه تاریخی، سال تولد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در سال صد و هفتاد و نه (۱۷۹) ق. کم تر تصور ندارد؛ زیرا مطابق گفته ارشاد مفید حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را به دستور هارون الرشید در سال صد و هفتاد و نه (۱۷۹)، هفتم ماه ذیحجه در بصره زندانی کردند مدتی قریب یکسال در زندان بصره بود بعداً به بغداد فرستادند سه سال هم در حبس فضل بن ربیع و سندی بن شاهک بود. چهار سال تمام در زندان به سر برد بعد از گذشتن این مدت به سال صد و هشتاد و سه مسموماً از دنیا رفت و ... پس با شواهد مذکوره فاطمه معصومه علیها السلام بنت موسی بن جعفر علیه السلام در سال یک صد و هفتاد و نه (۱۷۹) در مدینه منوره متولد شده با تقریبی که ذکر کردم، اما نسبت به روز و ماه تولد آن بی بی اظهار عقیده نمی کنم، زیرا مأخذ صحیح به دست نیامده ممکن است همان روز اول ماه ذی القعدة بوده.^۱

به هر حال آنچه که در تاریخ ولادت آن حضرت مسلم است، اول ذی القعدة خواهد بود، اما ولادت آن حضرت در سال ۱۸۳ به دلایل ذیل مخدوش به نظر می رسد:

→

هفتاده و سه متولد شده و در روز دهم ماه ربیع الثانی سال دویست و یک در قم وفات کرد.^۱ این نشان می دهد که همان احتمال ضبط اشتباهی سال ۱۷۳ به ۱۸۳ در کتب دیگر است؛ یعنی برای سال ۱۸۳ مدرک و حتی قرینه ای وجود ندارد.

۱. حیاة الست، صص ۶-۷.



۱. سال ۱۸۳ق سال شهادت امام هفتم علیه السلام می‌باشد و آن حضرت حداقل ۴ سال در زندان به سر برده‌اند،^۱ چون در منابع تاریخی تصریح شده که آن حضرت در سال ۱۷۹ دستگیر شده‌اند.^۲ بنابراین نمی‌توان آن سال را سال ولادت حضرت معصومه علیها السلام دانست.

۲. برخی سال ۱۷۳ را به اشتباه سال ۱۸۳ ضبط کرده‌اند که نمونه آن در پاورقی صفحه بیست و چهارم این کتاب گذشت.

۳. آنچه مسلم است حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بیش از یک دختر به نام فاطمه داشته‌اند.^۳ مطابق نظر برخی از مورخان، آن حضرت چهار دختر به نام فاطمه^۴ به این شرح داشته‌اند:

الف) فاطمه کبری ملقب به «حضرت معصومه علیها السلام» که در قم مدفون است.

ب) فاطمه صغری ملقب به «بی بی هیبت» و «حکیمه خاتون» که در کشور آذربایجان و ورودی شهر باکو مدفون است.^۵

۱. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۱۵؛ شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۸۱.
۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۲؛ حسن بن محمد قمی، تاریخ قم، ص ۲۸۷، چاپ آستان مقدس.
۳. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۲۴۴؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۳۰۱؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۶.
۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷.
۵. جهت آشنایی بیشتر ر.ک: مجموعه آثار کنگره حضرت معصومه، مجموعه مقالات، ج ۱.



ج) فاطمه وسطی، ملقب به «ستی فاطمه» در اصفهان مدفون است.

د) فاطمه اخری، مشهور به «خواهر امام» که در رشت مدفون است.

با این بیان، حضرت معصومه علیها السلام در میان فواطم اربعه (چهار دختر به نام فاطمه) از همه فاطمه‌ها بزرگتر است و اقتضا می‌کند که چند سالی قبل از دستگیری امام کاظم علیه السلام (سال ۱۷۹) متولد شده باشد.

با توجه به این جهت، تولد آن حضرت در سال ۱۸۳ و ۱۷۹ق. غیرممکن می‌باشد و سال ۱۷۳ق. را که مرحوم نمازی در مستدرک سفینه البحار آورده‌اند تقویت می‌شود.

ذی قعدة ماه ولایت

آغاز ماه ذی قعدة برای دودمان نبوت، پیام‌آور شادی و سرور است؛ زیرا حضرت نجمه خاتون، همسر گرامی امام در یازدهم این ماه و در سال ۱۴۸ق. صاحب فرزندی می‌شود که از ستارگان آسمان امامت است. در اول ذی قعدة سال ۱۷۳ق نیز از این بانوی بزرگوار دختری به نام معصومه علیها السلام دیده به جهان می‌گشاید که از ایام الله است. در این تاریخ دختری از آسمان ولایت و امامت طلوع کرد؛ که قلب‌ها را سرشار از صفا و چشم‌ها را روشن کرد و کانون مقدس اهل بیت علیهم السلام را گرم نمود؛ امام رضا علیه السلام دارای خواهری شده که سال‌ها قبل جد بزرگوارش به ولادت او بشارت داده بود.

براساس آنچه که ذکر شد نتیجه می‌گیریم که سن مبارک خورشید ستارگان قم ۲۸ سال بوده و برای ۱۸ یا ۲۲ ساله بودن مدرک و سندی وجود ندارد. نکته دیگر اینکه در عصر مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله علیه تحقیقی از سوی آستان مقدس فاطمه معصومه علیها السلام صورت گرفته که مکاتبات آن موجود



است و نمونه آن مکاتبه دیگری است که تولیت وقت با جناب ابوالقاسم صحاب^۱، تاریخ ولادت و وفات آن حضرت را به زبان شعر چنین سروده است:

اول ذی القعدة هفتاد و سه از بعد صد

دفتر موسی بن جعفر را ولادت شد پدید

آخر عشر اول بعد از ربیع دومین

دو صد و یک مضرّت معصومه را رحلت رسید

بر این اساس، مدّت زندگانی آن حضرت ۲۸ سال و پنج ماه و ده روز بوده است.^۲

در سال ۱۳۷۴ از طرف آستان مقدس، مستندی درباره ولادت و رحلت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام خدمت مرجع عظیم الشان آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته الله عرضه شد که ایشان در جواب مرقوم فرمود:

باسمه تعالی

بعد الحمد و الصلاة، تخصیص دادن روزی از ایام سال به عنوان ولادت کریمه اهل بیت، حضرت معصومه سلام الله علیها و روز دگری به عنوان وفات و رحلت آن حضرت، نیاز به مدرک و مستند ندارد،

۱. برای آشنایی بیشتر ر.ک: ستارگان حرم، ج ۱۵.
۲. برگگی از تاریخ قم، ص ۳۸، چاپ آستان مقدس.

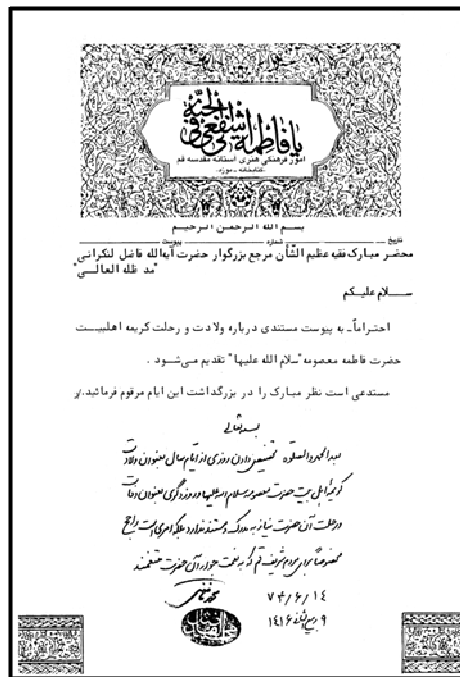


بلکه امری است راجح، مخصوصاً برای مردم شریف قم که به نعمت جوار آن حضرت متنعم اند.^۱

محمد فاضل

۱۳۷۴/۶/۱۴

۹ ربیع الثانی ۱۴۱۶



۱. پیام آستان مقدسه (هفته نامه داخلی آستان مقدس) پیش شماره ۳، ص ۴. دوشنبه ۱۳۷۹/۴/۲۰.



بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رسم تجلیل از خاندان موسوی در جمهوری اسلامی ایران با ورود ماه ذی القعدة مجالس جشن و سرور از قم آغاز می‌شود و در مشهد به پایان می‌رسد و آن ایام را با عنوان «دهه کرامت» نام‌گذاری کرده‌اند. ابتدای این دهه از اول ماه ذی القعدة و مصادف با ولادت حضرت معصومه علیها السلام است. در ششم این ماه نیز ولادت احمد بن موسی (شاه چراغ) واقع شده و پایانش نیز با ولادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نورانی شده است.

این دهه یادآور بسیاری از مفاهیم بلند و سازنده ارزشهای اسلام و انسانیت و نیز یادآور مهر و وفا و علائق کم نظیر خواهر نسبت به مقام ارزشمند معنوی برادر است. دهه کرامت تداعی کننده عزم و قاطعیت و ارده آهنین زنان بزرگ و بانوان والامقام و گرانقدر و یادآور تحول آفرینی بانوان آسمانی است که می‌توانند رهبری دل‌های میلیون‌ها مسلمان را در طی اعصار و قرون عهده‌دار شوند. این دهه، یادآور وجود مبارک حضرت زهرا و زینب علیهما السلام و تمام خوبی‌ها و جمال انسانی است.

تربیت در سایه پدری معصوم

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در محیطی پرورش یافت که پدر و مادر و فرزندان، همه به فضایل اخلاقی آراسته بودند. عبادت و زهد، پارسایی و تقوا، راستگویی و بردباری، استقامت در برابر ناملازمات، بخشندگی و پاکدامنی و یاد خدا از صفات تبار پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.^۱

۱. برگرفته از آیه ۳۵ سوره احزاب.



پدران این خاندان همه از برگزیدگان و پیشوایان هدایت بودند و هر یک در انتخاب همسر و تربیت فرزند توجه کافی داشته‌اند.

پدر بزرگوارشان امام موسی بن جعفر علیه السلام روز یکشنبه ۷ صفر ۱۲۸ ق. در ابواء، محلی بین مکه و مدینه به دنیا آمدند و مشهورترین القاب آن حضرت کاظم، باب الحوائج، امین، صابر و عبد صالح و مشهورترین کنیه آن امام همام ابوالحسن^۱ است.

دوران زندگی امام کاظم را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

بخش اول: دوران قبل از امامت، یعنی از سال ۱۲۸ تا ۱۴۸ ق؛ یعنی سال شهادت امام صادق علیه السلام (۲۰ سال).

بخش دوم: دوران بعد از امامت، یعنی از سال ۱۴۸ تا سال ۱۸۳ ق. (۳۵ سال) امام کاظم علیه السلام ۴ سال داشت که حکومت ظالمانه بنی امیه سقوط کرد و بنی عباس به سرکردگی ابوالعباس سفاح به حکومت رسید. در بیست سالگی حضرت بود که منصور دوانیقی، پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام را به شهادت رساند و امام هفتم علیه السلام به امامت رسید. دوران امامت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مصادف با زمامداری غاصبانه چهار تن از خلفای عباسی بود. عباسیان که به صورت خزنده، حیات سیاسی خود را در دوره خلافت امویان شروع کرده بودند با دو پشتوانه دینی و دنیایی، حکومت را به دست گرفته، احزاب مدعی را یکی پس از دیگری از سر راه خود کنار زدند.

۱. در کتب اخبار، امام کاظم علیه السلام را به «ابوالحسن الاول» و از امام رضا علیه السلام به «ابوالحسن الثانی» و از امام هادی علیه السلام به «ابوالحسن الثالث» تعبیر می‌کنند، گرچه به امیرالمومنین علی علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام نیز ابوالحسن می‌گویند.



سابقه دنیایی آنها اتکا به سابقه اشرافیت قریشی بود که ریشه در پیمان سیاسی و تجاری یک قرن گذشته اعراب داشت. سابقه دینی آنها نیز اتصال به خاندان نبوت و وراثت فاطمی و علوی بود که در دل مردم مؤمن حجاز و عراق و یمن و ایران ریشه دوانده بود.

عباسیان از خاندان عموی پیامبر صلی الله علیه و آله «عباس» بودند و از خاندان مکی «هاشم» به شمار می آمدند و به همین سبب، ادعای حقانیت خود را برای خلافت در چشم مؤمنان می آراستند. با این همه، پس از استقرار حکومتشان، با علویان همان رفتاری را کردند که پیش از آنها خاندان اموی کرده بودند.

عباسیان در مقابل مقام الهی اهل بیت علیهم السلام که شایستگی آنها را برای امامت و خلافت به اثبات می رساند، خود را بنی اعمام رسول اکرم صلی الله علیه و آله دانسته، این گونه استدلال می کردند که در زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله عباس، عموی او زنده بود و با وجود او حقی برای فرزندان عموهای دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله باقی نمی ماند؛ حال آنکه شیعه برای اثبات امامت هرگز به قانون وراثت توجهی نداشت، بلکه نصوص وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام سابق علیه السلام را در رابطه با تعیین امام بعدی شرط امامت ائمه اثنی عشری می داند.

ده سال از دوران امامت امام کاظم علیه السلام در عصر منصور گذشت؛ کسی که در حسادت و کینه نسبت به خاندان وحی بی مانند بود. ده سال از عمر شریف امام هفتم علیه السلام نیز در عصر مهدی عباسی گذشت و پس از آن یک سال را در عصر هادی عباسی گذراندند که هر کدام از آنها نیز سخت گیری هایی را داشته اند.

چهارده سال پایانی امامت آن حضرت در عصر هارون الرشید سپری شد که دورانی بسیار سخت و جانکاه بود و اغلب امام علیه السلام در حبس و زنجیر و شکنجه به سر بردند.



ابن اثیر سبب زندانی شدن امام کاظم علیه السلام را این چنین نقل می کند:

هارون الرشید در رمضان ۱۷۵ق. به قصد حج عمره به مکه می رفت که در سر راه خود به مدینه آمد و وارد روضه رسول خدا صلی الله علیه و آله شد. پس از زیارت مرقد مطهر برای جلب توجه مردم در رابطه با نسب خویش به رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین سلام داد: «السلام علیک یا رسول الله یا بن عم؛ سلام بر تو ای رسول خدا، ای پسر عمو.» در این هنگام، موسی بن جعفر که در آن مجلس بود، پیش آمد و خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «السلام علیک یا ابه؛ سلام بر تو ای پدر.»

با شنیدن این سخن رنگ از رخسار هارون پرید و خطاب به امام کاظم علیه السلام گفت: «هذا الفخر یا ابالحسن جداً؛ به واقع این مایه افتخار است یا ابالحسن.»^۱

سپس هارون دستور دستگیری امام علیه السلام را صادر و آن حضرت را روانه زندان کرد. سرانجام امام کاظم علیه السلام در ۵۵ سالگی در زندان هارون مسموم شدند و به شهادت رسیدند.

فضایل نجمه خاتون مادر حضرت معصومه علیها السلام

نجمه خاتون، انسانی با فضیلت، استثنایی و مورد توجه امام معصوم علیه السلام بوده است. حضرت امام موسی کاظم علیه السلام با بهره گیری از معرفت غیبی برای خرید او اقدام کردند و دست تقدیر الهی او را از نقطه های دور مغرب زمین به

۱. الصواعق المحرقة، ص ۲۰۴.

مدینه منوره آورد تا از این رهگذر، مدال افتخار خدمت به ولایت و امامت و همسری امام هفتم به ایشان اعطا شود.

در روایتی درباره این بانوی گرامی چنین آمده است:

حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام وقتی که نجمه را خرید به گروهی از اصحابش فرمود: «سوگند به خدا این کنیز را جز به امر خداوند نخریدم»^۱
اصحاب پرسیدند چگونه؟ در پاسخ فرمود: خواب دیدم جدم و پدرم نزد من آمدند و پارچه حریری با خود آوردند و آن پارچه را گشودند، دیدم پیراهنی است که در آن عکس این کنیز نقش بسته است و فرمودند: ای موسی! بهترین شخص روی زمین از صاحب این عکس برای تو به دنیا خواهد آمد.^۱

همچنین هشام بن احمر می گوید:

روزی امام موسی بن جعفر علیه السلام من را خواست و پرسید آیا می دانی قافله ای از مغرب آمده است؟ گفتم: نه. حضرت فرمود: آری مردی قافله ای را از مغرب آورده است، برخیز برویم که می خواهیم کنیزی بخرم. هشام می گوید: چون بیرون آمدیم مردی را دیدم که از مغرب آمده و کنیزانی دارد. حضرت فرمود: آنان (کنیزان) را بر من عرضه کن. او هفت کنیز را به حضرت نشان داد و هر بار آن حضرت فرمودند: نیازی به آن ندارم. سپس حضرت فرمود: کنیز دیگری داری، او را عرضه کن، آن مرد پاسخ داد: جاریه بیماری دارم. حضرت فرمود: مانعی ندارد، آن را بیاور. مرد مغربی امتناع کرد و آن حضرت برگشت.

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۵۹.

فردای آن روز حضرت دوباره مرا طلبید و فرمود: نزد مرد کنیز فروش برو و به او بگو آخرین قیمت کنیز بیمار چقدر است و هر قیمتی که گفت به او بده و آن کنیز را بخر.

هشام می گوید: نزد برده فروش رفتم و به او گفتم آخرین قیمت کنیز را چقدر در نظر داری؟ گفت حقیقت این است که این برده را کمتر از فلان مبلغ نمی فروشم. هشام می گوید: کنیز را به همان قیمت خریدم. وقتی تحویل گرفتم، برده فروش گفت: کسی که دیروز همراه تو به اینجا آمد، چه کسی بود؟ گفتم: مردی از بنی هاشم، پرسید: از کدام قبیله؟ گفتم: بیش از این نمی دانم، چرا درباره ایشان می پرسی؟ گفت: این کنیز را از یکی از شهرهای مغرب خریدم، در راه با زنی از اهل کتاب برخورد کردم، پرسید این کنیز که همراه توست، کیست؟ گفتم: او را برای خودم خریده ام. آن زن گفت: امکان ندارد این کنیز نزد امثال او بماند، بلکه او نزد بهترین شخص روی زمین خواهد رفت و پس از اندکی فرزندی از او به دنیا خواهد آمد که در شرق و غرب جهان بهتر از او نیست.^۱

به همین جهت، لقب «طاهره» نشان اعطایی امام موسی بن جعفر علیه السلام به این بانوی بزرگوار است. پس از آنکه علی بن موسی الرضا علیه السلام به دنیا آمد، امام کاظم علیه السلام او را «طاهره» نامید، زیرا مهد پرورش حجت خداست.^۲

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۱، صص ۱۷-۱۸؛ مرآة العقول، ج ۶، ص ۷۴.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰.

نام‌های مادر حضرت معصومه علیها السلام

مردان و زنان عرب، علاوه بر اسم و لقب، دارای کنیه نیز می‌باشند. در روایات برای نجمه خاتون نام‌های متعددی نقل شده؛ از جمله: نجمه،^۱ تُكْتَم،^۲ طاهره، اروی، سمان و سکن النوبیه.^۳ کنیه ایشان «ام البنین» است و القابی مانند: صقر، شقراء النوبیه، خیزران المرسیه^۴ نیز دارد.

راز و نیاز

آن بانو بعد از بهبودی از بیماری، با راهنمایی های امام موسی بن جعفر علیه السلام برای زندگی خود برنامه ریزی دقیق و سازنده ای تنظیم کرد؛ به طوری که قسمتی را به عبادت و راز و نیاز با خداوند، قسمتی را برای انجام امور داخلی خانه و شوهرداری و قسمتی دیگر را برای فراگیری معارف و احکام دینی اختصاص داد. این بانوی بزرگوار خود را در راهی قرار داد که نهایت و مقصد آن رسیدن به کمال معنوی و انجام مسئولیتی بزرگ، یعنی همان پرورش فرزندان بزرگوار خود بود و در این راه به قله معرفت نائل گردید.

۱. همان؛ كشف الغمّه، ج ۳، ص ۱۴۹.
۲. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰.
۳. همان؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۵.
۴. مسند الرضا، ص ۱۴.

کسب معارف

نجمه خاتون، علاوه بر کسب علم و معرفت و آشنایی با اصول و فروع دین نزد امام هفتم علیه السلام هر روز در ساعت‌های مشخص، نزد حمیده خاتون مادر گرامی امام کاظم علیه السلام رفته، از محضر آن بانوی بزرگوار معارف و احکام دین را فرا می‌گرفت. استاد بزرگوارش (حمیده خاتون) بانویی آگاه و حدیث‌شناس بود و از اساتید مجامع علمی بانوان عصر امام صادق علیه السلام به شمار می‌آمد. از آن سو نجمه خاتون نیز با اشتیاق کامل، مسائل مربوط به مبدأ و معاد و هر آنچه را که در سعادت انسان نقش داشت و او را در انجام وظائف شرعی کمک می‌کرد از محضر مادر گرامی امام کاظم علیه السلام می‌آموخت.

استعداد فراوان و علاقه زیاد به علم‌آموزی در نجمه خاتون باعث شد تا ایشان در اندک مدتی به پیشرفت چشم‌گیری دست یابد و از نظر علم و کمال به درجات عالی برسد.

نجمه خاتون الگوی ادب و احترام

این بانوی عظیم الشان بسیار مؤدب بود؛ چنانکه در این باره آمده است: آن حضرت به مولایش حمیده مادر امام کاظم علیه السلام احترام خاصی می‌گذاشت تا آنجا که از زمانی که کنیز حمیده شده بود برای احترام و تعظیم به ایشان هرگز جلوی حمیده نمی‌نشست و در مقابل ایشان فقط می‌ایستاد.^۱

۱. عیون اخبار الرضا، ص ۴۷.



حتی منزلتش به جایی رسید که حمیده در توصیف ایشان فرمود: «من هرگز جاریه‌ای با فضیلت‌تر و بهتر از او ندیده‌ام.»^۱

وفات و مدفن

در مورد سال وفات، محل دفن و مزار نجمه خاتون در منابع تاریخی و روایی مطلبی یافت نمی‌شود، ولی به احتمال قوی چند روز بعد از ولادت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دار فانی را وداع گفته است.

براساس آنچه که نزد گروهی از مردم مدینه شهرت پیدا کرده، احتمال می‌رود قبر آن بانو همراه قبر حمیده خاتون در مشربه «ام ابراهیم» باشد؛ به طوری که تا چند دهه قبل، سه سنگ قبر وجود داشته که یکی از آنها را متعلق به نجمه خاتون دانسته اند. البته تاکنون مشربه ام ابراهیم با دیواری بلند محاصره شده است. از طرفی این مکان، همواره مورد توجه شیعیان به خصوص ایرانیان قرار داشته و دارد و زائران پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله معمولاً بعد از استقرار و خارج از زیارت دوره به این مکان مقدس شتافته، در پشت در بسته می‌ایستند و به دعا و راز و نیاز می‌پردازند.^۲

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و خلفای معاصر

دولت عباسی از سال ۱۳۲ق. با به خلافت رسیدن ابوالعباس سفاح تأسیس

۱. همان، ص ۴۹.

۲. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۱۲.



شد و تا سال ۶۵۶ق. ادامه داشت. خلفای معاصر حضرت معصومه عبارتند از: هارون الرشید، امین و مأمون.

سید جعفر مرتضی عاملی می‌گوید:

عباسیان ناگزیر بودند که میان انقلاب خود و اهل بیت علیهم السلام خط ربطی ترسیم کنند؛ به چند دلیل:

اول اینکه بدین وسیله توجه فرمانروایان را از خویشتن به جای دیگر منصرف می‌کردند.

دوم اینکه مردم بیشتر به آنان اعتماد می‌کردند و از پشتیبانی‌شان برخوردار می‌گردیدند.

سوم آنکه دعوت خود را بدین وسیله از ابتدال و برانگیختن شگفتی مردم می‌رهانیدند.

چون در سرزمین‌های اسلامی از شهرت آنچنانی برخوردار نبودند و مردم نیز برای هیچ یک از آنان بر خلاف علویان، حق دعوت و حکومت را نمی‌شناختند. به این جهت، با وجود علویان، دعوت عباسیان اگر به سود خودشان آغاز می‌شد امری فریب کارانه و به اصطلاح امروزی عوام فریبی وانمود می‌کرد.

چهارم اینکه می‌خواستند اعتبار علویان را به خود جلب کنند و این از همه مهم تر بود. در واقع این گونه جلوه می‌دادند که مبلغ علویان هستند و آنها را بدین وسیله خانه‌نشین می‌کردند و از تحرک باز می‌داشتند.^۱

۱. سید جعفر مرتضی عاملی، الحیاة السیاسیة للامام الرضا علیه السلام، ص ۳۵.



هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

اسلام با صراحت دستور می‌دهد که اگر در محیطی، به خاطر عواملی نتوانستید به وظیفه خود عمل کنید، به منطقه و محیط دیگری هجرت نمایید. از طرفی روشن است که این حکم مخصوص پیامبران یا پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نبوده است، بلکه قرآن، هجرت را مایه پیدایش آزادی و آسایش می‌داند:

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَنُؤْتَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ لَآخِرَةٍ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^۱

(کسانی که پس از ستم دیدن، در راه خدا هجرت کردند، در این دنیا جایگاه و مقام خوبی به آنها می‌دهیم و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می‌دانستند).

منظور از جایگاه خوب و مناسب، جامعه اسلامی و پاکی است که در آن جز خدا پرستش نشود و عدالت و نیکوکاری در آن حکم فرما باشد. در حقیقت، علت مهاجرت مؤمنان، تشکیل چنین جامعه‌ای بوده است.

هجرت، آثار و برکاتی دارد که اگر در راه خدا باشد حتی اگر مرگ، آن فرد را فرا گیرد اجرش با خداوند منان است:

﴿وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرْعَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۲

۱. سوره نحل، آیه ۴۱.

۲. سوره نساء، آیه ۱۰۰.



(و کسی که در راه خدا هجرت کند تقاطع امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد، و کسی که از خانه اش به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او بیرون رود سپس مرگش فرا رسد پاداش او بر خداست و خداوند آمرزنده و مهربان است).

هجرت در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که هجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مبدأ تاریخ اسلام انتخاب شده است، در حالی که ولادت، بعثت، رحلت و ابلاغ ولایت و سایر مناسبت‌های دیگری هم در اسلام اتفاق افتاده، ولی به عنوان مبدأ تاریخ اسلام به شمار نیامده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در فضیلت هجرت فرموده‌اند:

کسی که برای حفظ آیین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر، حتی به اندازه یک وجب، مهاجرت کند، استحقاق بهشت می‌یابد و یار و همنشین محمد صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیه السلام خواهد بود.

توسعه موضوع هجرت در آیات قرآن، شامل هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نیز می‌باشد و از آنجا که فضای ظالمانه حکومت عباسی در مدینه عرصه را بر همه محبین اهل بیت تنگ کرده بود، حضرت معصومه علیها السلام از باب ترویج احکام و علوم اسلامی و امتثال آن احکام، از یک طرف و برخورداری از هوش سیاسی از طرف دیگر بر آن شدند تا مدینه را به سوی قم ترک نمایند.

شاید بتوان گفت که آن فرهیخته بانو، هوشمندانه، رابطه امام رضا علیه السلام و مأمون را زیر نظر داشت و تحلیل می‌کرد. در واقع، اطلاعات روابط و تحلیل آنها، حکایت از آن داشت که حکومت عباسی نقشه‌ای برای شهادت امام علی بن موسی الرضا دارد. از طرفی مأمون به خوبی می‌دانست محبین اهل بیت علیهم السلام با قیام علیه او زندگی را بر او تباه خواهند کرد و می‌دانست که بعد از کشتن امین برادرش، خشم بنی عباس علیه او برانگیخته شده است، لذا در پی



این نیرنگ بود که با ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام نظر شیعیان و در حد توان، علویان را به خود جلب کند و از خیزش آنها جلوگیری کند. از سوی دیگر، مأمون هنگامی که بر حکومت مسلط شد، در صدد شهادت امام رضا علیه السلام برآمد تا بدین‌وسیله نگرانی بنی عباس را برطرف کند و با خشونت شدید اهل بیت علیهم السلام را تحت فشار قرار دهد، لذا هوشیاری و خردورزی حکم می‌کرد تا فاطمه معصومه علیها السلام و برادرانش مدینه را ترک کرده، به سوی ایران هجرت کنند.

تقدیر الهی بر آن امر تعلق گرفت که بعد از هجرت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۰ هجری و پذیرش ظاهری ولایت‌عهدی، حضرت معصومه علیها السلام یک سال بعد از آن نامه ای را از برادرش دریافت کرد. امام رضا علیه السلام آن نامه را به یک غلام سپرد و دستور داد که در هیچ مکانی توقف نکند تا در کمترین زمان این نامه را به مدینه منوره برسد. آنگاه نشانه خانه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را نیز به او داد تا از کسی در مورد آن سؤالی نپرسد. آن غلام نیز خود را به مدینه رسانید و نامه را به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام داد. آن حضرت نیز به محض رسیدن نامه امام هشتم علیه السلام خود را برای سفر آماده کرد،^۱ گرچه متأسفانه از مضمون نامه هیچ خبری به ما نرسیده است.

دلیل هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم

هجرت ایشان را به قم به دو گونه می‌توان تحلیل کرد:

۱. کریمه اهل بیت علیها السلام، ص ۴۹۳، به نقل از من لا یحضره الخطیب، ج ۴، ص ۴۶۱.



۱. قمی‌ها از پیروان راستین اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند و آن حضرت نیز قمی‌ها را می‌شناخت و سال‌ها قبل، پاسخ پرسش‌های شرعی آنان را نگاشته بود. از طرفی روایات متعددی در فضیلت قم و قمی‌ها از اجداد طاهرینش شنیده بود و می‌دانست که مبارزه قمی‌ها با دستگاه جبار خلافت عباسی، شهره آفاق اسلامی است.

قم، پایگاه ستم ستیزان و آشیانه شیفتگان و عاشقان اهل بیت علیهم السلام بود، از این رو، آن حضرت راهی قم شد تا از مشکلات و سختی‌های بیشتری که مخالفان اهل بیت علیهم السلام و دست‌نشانندگان خلافت عباسی برای ایشان پدید می‌آوردند، برهد و آنجا را به عنوان پایگاهی مناسب و زمینه‌ای آماده برای اقدامات خود قرار داد.

از مدینه به قصد فطه طوس

رهروی فستق پاست معصومه

گرچه نشکسته سینه و پهلو

در دلش داغهاست معصومه

داغ زهرا و داغ اجدادش

وارث کربلاست معصومه^۱

۲. علت ورود آن حضرت را به قم باید فراتر از عوامل مادی دانست. بر پایه برخی از روایات آن حضرت پس از احساس ناامنی و مریضی در ساوه فرمود:

۱. چشمه جوشان کوثر، ج ۱، ص ۴۴.

«مرا به شهر قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که شهر قم مرکز شیعیان ماست.»^۱

این حدیث نشانگر آن است که روایات نقل شده از ائمه علیهم السلام در انتخاب مقصد هجرت ایشان تأثیر داشته است، بلکه حضرت معصومه علیها السلام در اندیشه آینده تشیع و آینده قم به عنوان یکی از بزرگترین کانون های تولید اندیشه و معنویت اسلام بودند.

به هر حال وقتی که آن حضرت در ساوه بیمار شدند، در این هنگام از قم و فاصله آن با ساوه پرسیدند و دستور دادند او را به قم بیاورند، بدین گونه خود را به قم رساندند و در این سرزمین مدفون گشتند.

این جریان به خوبی روشن می کند که آن بانوی الهی به آینده اسلام و موقعیت این سرزمین توجه داشته اند، از این رو خود را با شتاب به این سرزمین رساندند و محوریت و مرکزیت آن را با مدفن خود پایه ریزی کردند.

حتی بررسی سطحی فضیلت ها و زندگی و شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به آدمی اطمینان می بخشد که ایشان نسبت به این دست از مسائل کاملاً آگاه بوده اند. لقب «معصومه» را که حضرت رضا علیه السلام به ایشان داده از شواهد این ادعاست. در واقع از این زاویه حضرت معصومه علیها السلام را می توان به حضرت زینب علیها السلام تشبیه کرد که به امام سجاده علیه السلام فرمود: «نگران مباش در آینده کربلا و قتلگاه سرور شهیدان، حسین بن علی علیه السلام مزار و مطاف حق طلبان و مردمان فراوان و مرکز خیر و برکت خواهد شد.»^۲

۱. تاریخ قم، ص ۳۰۸.

۲. ترجمه نفس المهموم، ص ۴۹۴.

از نگاه دیگر می توان گفت حضرت رضا علیه السلام می خواستند قم را به پایگاهی عظیم و جاودان برای تشیع تبدیل کنند، از این رو هم خواهر بزرگوارش فاطمه معصومه علیها السلام را به قم رهنمون ساخت هم از زکریا بن آدم که از دانشوران بزرگ جهان اسلام و از رجال عظیم الشأن شیعه بود خواست در قم بماند و در رشد و بالندگی معنوی و علمی مردم آن دیار بکوشد. خلاصه اینکه آن حضرت با ورودشان به قم، آینده قم را رقم زدند و محوریت این شهر را برای تشیع ماندگار ساختند.

نباید از نظر دور داشت که زندگی به ظاهر کوتاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مشحون از دردها و رنج ها و حوادث اندوهگینی است که کمتر بانویی با این سن و سال تاب و تحمل آن را دارد.

اسارت و دوری از پدر و شهادت آن حضرت به دستور هارون الرشید در زندان در سال ۱۸۳ ق و بعد از آن، دوری از برادر و امام و ولی و صاحب امرش امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که به دستور مأمون در سال ۲۰۰ سفری تبعیدگونه را به آن امام همام تحمیل کرد مزید بر علت بود.

این بانوی عظیم الشان پس از تحمل غم و اندوه فراوان، نامه ای از محبوب خود دریافت نمود و تحمل رنج سفر به دیار غربت را بر خود هموار ساخت و به همراه تنی چند از برادران و برادرزادگان و غلامان و کنیزان، راه مرو را در پیش گرفت.

در این سفر طولانی، وقتی به شهر ساوه رسیدند، بنا به نقلی دشمنان اهل بیت علیهم السلام به همراه مأموران حکومتی به کاروان آل رسول حمله کردند و تعدادی از همراهان و برادران آن حضرت را به شهادت رساندند.



سرانجام غم هجران علی بن موسی الرضا علیه السلام و سنگینی این واقعه و فشار و اندوه از دست دادن همراهان، ایشان را به سختی بیمار کرد، از این رو به خادم خود فرمود: «مرا به شهر قم ببرید.»^۱

در واقع هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم و دفن ایشان در این شهر مقدس یک حادثه تصادفی نبود، بلکه از پدیده‌های مهم آن دوران بود که با دقت بسیار برنامه ریزی شده بود، از این رو می‌توان هجرت ایشان را مهاجرت حضرت رضا علیه السلام به مرو و از پاره‌ای زوایا به هجرت امیر مؤمنان از مدینه به کوفه و حتی هجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه تشبیه کرد.

چگونگی رحلت حضرت معصومه علیها السلام

حضرت معصومه علیها السلام پس از هفده روز عبادت و انس با معبود در شهر شیعه نشین قم و در منزل موسی بن خزرج، بزرگ خاندان اشعری، در اثر شدت بیماری و به مصداق فرموده قرآن کریم ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ۖ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾^۲ در حالی که راضی به قضای ربوبی و مرضی الهی بود با نفسی مطمئننه به دیدار رب خویش شتافت.

بعد از وفات آن حضرت، شهر قم غرق در ماتم و غم شد. مردم بعد از غسل و کفن ایشان، پیکر مقدس آن بانوی الهی را به سوی باغ بابلان که متعلق به موسی بن خزرج بود تشییع کردند.

۱. تاریخ قم، ص ۳۰۸.

۲. سوره فجر، آیات ۲۷-۲۸.



البته مؤلف بحرالانساب، علت بیماری آن حضرت را مسموم شدن ایشان در ساوه در اثر سمی که به بانوان کاروان داده شد می‌داند.^۱

مؤلف تاریخ قم نیز از حضور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در شهر ساوه خبر داده است که با کاروانی جهت ملاقات برادرش، از مدینه راهی مرو بود و در ساوه بیمار شد و سپس به قم آمد.^۲

صاحب ریاض الانساب هم می‌گوید:

اما ستی فاطمه، ملقب به معصومه خاتون دختر امام کاظم علیه السلام در علو مرتبه زیاده از حد بیان است، در سال دویست و یک هجری زمان ولایت عهدی حضرت امام رضا علیه السلام با برادران خود فضل و علی و جعفر و هادی و قاسم و زید با بعضی از برادرزادگان و چند خدمه از بغداد به عزم دیدار برادر، عازم خراسان شد. بعد از طی طریق، چون به شهر ساوه - که یک منزلی قم است - رسیدند ملحدان ساوه خیر شدند؛ درصدد برآمده با امام زادگان محاربه کردند. آخر الامر، تمامی امامزادگان که ۲۳ نفر بودند شهید شدند. چون اهالی قم خبر یافتند، بشتافتند، [اما] وقتی رسیدند که امامزادگان شهید شده بودند، [پس] آنها را دفن نموده، ستی فاطمه را با خدم و حشم به شهر قم بردند.^۳

همچنین جعفر مرتضی عاملی بر این عقیده است که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در این تهاجم به دست عباسیان مسموم شده است.^۴

۱. بحرالانساب، ص ۸۳.

۲. تاریخ قم، ص ۳۰۹.

۳. ریاض الانساب و مجمع الالقاب، ج ۲، صص ۱۵۹-۱۶۰.

۴. الحیة السیاسیة للامام الرضا علیه السلام، ص ۴۲۸.



در کتاب «جغرافیای تاریخی سرزمین‌های شرقی» نیز به مسمومیت کریمه اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است.^۱

به هر حال، آن حضرت به جهت دیدار امام زمان خود، عزم سفر نمود و سختی راه را به جان خرید و با پیمودن مسافتی طولانی از بیابان‌های گرم و سوزان سرزمین‌های حجاز گذشت و شهیده راه ولایت گردید، زیرا «الا من مات علی حب آل محمد صلی الله علیه و آله مات شهیداً».^۲

مراسم دفن

هنگام دفن حضرت معصومه علیها السلام آل سعد بر سر کسب افتخار تدفین ودیعه آل طه علیهم السلام به گفت و گو پرداختند و بالاخره تصمیم گرفتند، این کار را به پیرمرد صالحی به نام «قادر» بسپارند و چون او حاضر نبود، مردم در انتظار آمدن آن پیرمرد مؤمن بودند که ناگاه دو سوار را دیدند که با روی پوشیده از جانب ریگزار به سوی آنان می‌آیند، آنگاه چون به نزدیک جنازه رسیدند، پیاده شدند و بر جنازه حضرت معصومه علیها السلام نماز خواندند و پیکر مطهرش را داخل سردابی که مهیا شده بود به خاک سپردند و رفتند و کسی هم آنها را نشناخت.

۱. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های شرقی، ص ۲۲۶.

۲. این حدیث از جمله احادیث نقل شده حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که مشهور به حدیث فاطمیات است. (این روایت را زمخشری در تفسیر کشاف خود ذیل آیه شریفه

﴿قُلْ لَا أَنْتُمْ عَلَىٰ أَعْرَابٍ إِلَّا أَلَمَّةٌ فِي الْقُرْآنِ﴾ آورده است.)



در این رابطه، صاحب تاریخ قم چنین می‌نویسد:

و روایت کرد مرا «حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه» از «محمد بن حسن بن احمد بن الولید» که او را روایت کردند که چون «فاطمه» را وفات رسید، بعد از غسل و تکفین او را به مقبره «بابلان» بر کنار سردابی که از برای او ترتیب کرده بودند، حاضر آوردند. آل سعد با یکدیگر خلاف کردند در باب آنک سزاوار است که در سرداب رود؟ و «فاطمه» را بر زمین بنهد و دفن کند.^۱

در میان این گفت و گوی، از جانب رمله^۲ دو سوار برآمدند، دهن بسته و روی بدین مردم نهادند. چون به نزدیک جنازه «فاطمه» رسیدند، از اسب فرود آمدند و بر «فاطمه» نماز گزارند و در سرداب رفتند و «فاطمه» را دفن کردند، پس از سرداب بیرون آمدند و برنشستند و برفتند و هیچ کس معلوم نشد که آن دو سوار که بودند.^۳

به قول مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته الله هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار، امامان معصوم بوده‌اند که برای این امر مهم به قم آمده بودند.^۴

۱. «ط»: سزاوار است که محرمی در سرداب رود و فاطمه را در قبر بگذارد.

۲. «ط»: جانب قبله.

۳. بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲۹۰.

۴. فروغی از کوثر، ص ۳۵.



سه نکته درباره دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

نکته اول: دفن حضرت به طور خاص؛ یعنی آمدن ناگهانی دو شخصیت ناشناخته برای دفن آن بزرگوار است که در منبع معتبری چون تاریخ قم آمده است؛ همان طور که امام موسی بن جعفر علیه السلام به نیشابور آمدند و در مراسم بانو شطیبه شرکت کردند.^۱

به تعبیر دیگر، همان طور که امیر مؤمنان علیه السلام خودشان عهده‌دار مراسم غسل و کفن فاطمه زهرا علیها السلام شدند^۲ و مریم صدیق را خود عیسی بن مریم غسل داد،^۳ دو سوار نقابدار ناشناخته برای اهل قم که برخی احتمال داده‌اند آن دو، حضرت رضا و حضرت جواد علیهما السلام بوده‌اند برای دفن حضرت معصومه علیها السلام حاضر شدند و این از فضیلت‌های بزرگ آن حضرت به شمار می‌آید.

نکته دوم: گفت وگو و اختلاف میان شیعیان قم درباره کسی که می‌خواهد فاطمه معصومه علیها السلام را دفن کند، نشانگر آن است که اهل قم برای ایشان بسیار احترام قائل بوده‌اند و مقام و منزلت‌ش را ارج می‌نهادند، وگرنه یک زن غریب مسافر چه اهمیتی دارد که بحث شود چه کسی او را دفن کند. بلکه این گفت‌وگو و اختلاف نظر میان شیعیان، نشانگر آن است که مردم قم، حق آن حضرت را تا حدودی می‌شناخته و از مصادیق «عارفاً بحقها» بوده‌اند.

۱. الخرائج و الجرائح، ص ۲۹۵.

۲. اصول کافی، ج ۱، صص ۴۵۷-۴۵۸.

۳. همان.



نکته سوم: در آن زمان در قم چند قبرستان بوده است و زنان و مردان شیعه نیز در همان قبرستان‌ها مدفون می‌شده‌اند، پس دفن آن حضرت در محلی خاص و نه در سایر قبرستان‌ها نشانگر اهمیت خاصی است که مردم قم به ایشان می‌داده‌اند.

تاریخ وفات

سال وفات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ۲۰۱ هجری قمری است و قول دیگری نقل نشده، بلکه حتی بر کاشی مرقد مطهر نیز همان ثبت شده است. ولی در مورد روز وفات سه قول مطرح بوده است: دهم ربیع الثانی،^۱ دوازدهم ربیع الثانی^۲ و هشتم شعبان.^۳ البته در تحقیقی که آستان مقدس در ابتدای قرن چهاردهم (مجموعه مکاتبات تولیت از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۷ شمسی) انجام داده و در کتاب «برگی از تاریخ» مربوط به اسناد و مکاتبات تولیت در تاریخ مذکور است، از ۱۷ شعبان سال ۲۰۱ بنا به نقلی از کتاب «ریاض» شیخ حر عاملی سخن به میان آمده است.

در این مورد، حتی با مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله مکاتبه‌ای جهت صحت و سقم مطلب انجام گرفته،^۴ ولی ظاهراً جوابی از ایشان دریافت نشده یا اگر جوابی آمده در دسترس ما نیست.

۱. وسیلة المعصومیه، ص ۶۵؛ منتخب دریای سخن، ص ۳۴.

۲. مستدرک سفینة البحار، ج ۸، ص ۲۵۷؛ کریمه اهل بیت، ص ۱۰۶.

۳. حیاة السّت، ص ۸.

۴. ر. ک: الیاس محمدیگی، برگی از تاریخ قم، صص ۳۷-۴۲.



در سال های اخیر نیز آستان مقدس بین دهم و دوازدهم ربیع الثانی را جمع کرده و سه روز متوالی مجالس سوگواری با عنوان «ایام معصومیه» برگزار می کند.

بحثی درباره ازدواج حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

نکته اصلی در این باره این است که یقیناً حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ازدواج نکرده اند که علت آن را در چند احتمال می توان جست و جو نمود:

۱. احتمال اول: اینکه حکام بنی عباس به خصوص هارون الرشید برای حفظ خلافت و حاکمیت خویش در جامعه، چنان خفقان و اختناق ایجاد کرده بودند که به قول معروف شمشیر را از رو بسته بودند و با برخوردهای ستمگرانه و بی رحمانه و خشن، جامعه ای وحشتناک و رعب آور ساخته بودند و این مسئله می توانست در روابط اجتماعی بین مردم تأثیر به سزایی بگذارد. با این اوصاف و اوضاع، کسی جرأت نداشت به در خانه امام کاظم علیه السلام مراجعه کند و مردم از اینکه با یکی از دختران آن حضرت ازدواج کنند می ترسیدند. از طرف دیگر در ازدواج فرزندان، پدر، نقش به سزایی دارد، ولی با توجه به اینکه امام هفتم همیشه تحت مراقبت یا بازداشت بود، این عدم حضور پدر در خانه، مشکلی به مشکلات اضافه می نمود.

خلاصه اینکه سرکوبی بی رحمانه حکومت عباسی یکی از موانع ازدواج حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بوده است و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بر این بوده که پیروانشان را به امر ازدواج تشویق می کردند و قاعده هم آن است



حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ازدواج کند، ولی به خاطر ستم هایی که بر خانواده و ایشان از ناحیه حکومت روا می شد زمینه ازدواج برای حضرتش فراهم نشد. مگر قاعده این گونه نبوده و نیست که فاطمه زهرا علیها السلام روزانه و آشکارا غسل و کفن می شد و قبر مطهرش آشکارا می گردید، ولی ستم ها چه کرد؟ به این پرسش هم تاریخ باید جواب دهد که چرا فاطمه معصومه علیها السلام با آن که ازدواج، مستحب و یکی از سنت های مؤکد شریعت مقدس بوده است ازدواج نکرد؟

۲. احتمال دوم: در بحث عدم ازدواج آن بانوی بزرگوار این است که ایشان در دوران حیات خود «هم کفو» نداشته و به این جهت ازدواج نکرده است. این مطلب را عده ای از صاحبان قلم و پژوهش از کتاب تاریخ قم گرفته و پسندیده اند؛ آنجا که گفته است: «همچنین به من رسیده است که رضائیه دختران خود را به شوهر نمی دادند، زیرا کسی که همسر و هم کفو ایشان باشد نمی یافتند»^۱.

مرحوم آیت الله ثقفی تهرانی در شعری به موضوع اشاره کرده است:

کفو تو را چون نکرده خلق خداوند ز آن ننمودی به عمر خویش شوهر

البته عده ای هم این احتمال و نقل را صحیح نمی دانند، بلکه می گویند: اولاً، سیره ائمه اطهار چنین نبوده که پیدا نشدن «هم کفو و هم سنگ» مانع ازدواج باشد.

۱. تاریخ قم، ص ۳۲۰، چاپ آستان مقدس.



ثانیاً در عصر حیات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام جوانان شایسته ای از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام هم کفو آن حضرت وجود داشتند.

۳. احتمال سوم: نیز وجود دارد که یعقوبی آن را چنین بیان کرده است:

«موسی بن جعفر وصیت کرد که دخترانش شوهر نکنند و هیچ یک از آنان شوهر نکرد، مگر ام سلمه و...»^۱

به اجماع، همه معتقدند که این کلام یعقوبی دارای خدشه است، چون خلاف سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است.

از طرفی متن کامل وصیت نامه آن حضرت موجود است که فرموده اند:

و تنها در صورتی که فرزندم علی اجازه دهد هر یک از پسرانم مأذون اند خواهرانشان را شوهر دهند، زیرا او به چند و چون ازدواج خویشان خود آگاه تر است و... نه برادران خواهری و نه عموهای دخترانم و نه صاحب منصبی مجاز نیست دخترانم را به ازدواج کسی درآورد، مگر به اذن و دستور فرزندم علی و او از همه به ازدواج بستگان خود آشناتر است. از این رو اگر او خواست و مصلحت دید که یکی از آنان را شوهر دهد، می تواند چنین کند و اگر خواست شوهر ندهد، می تواند چنین کند...^۲

۱. ترجمه تاریخ یعقوبی، آیتی، ج ۲، ص ۴۲۱.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۱۵؛ بحار، ج ۴۸، ص ۲۸۰ و ج ۴۹، ص ۲۲۵.



در این باره چند نکته قابل ذکر است:

۱. امام کاظم علیه السلام در این وصیت نامه، حجت را بر فرزندان و سایرین تمام می کند و علی بن موسی الرضا را با قاطعیت، وصی و جانشین خود قرار می دهد و به امام رضا علیه السلام اختیار تام می دهد تا جایی که حتی امر ازدواج خواهران را به ایشان واگذار می کند و تبعیت از امام هشتم را برهمگان لازم می داند.
۲. احتمال دارد نسخه ای از وصیت نامه حضرت که در دسترس یعقوبی بوده، جمله «إلا یاذنه و امره» افتاده باشد یا از روی سهو جمله را نیاورده یا در نسخه ای از روی تقیه مطالب دیگری آمده باشد و سپس در دسترس یعقوبی قرار گرفته است، پس این احتمال، دارای چندین اشکال اساسی است.
- حتی برخی بحث خواستگاری مأمون از حضرت را علت ترک ازدواج یا هجرت بیان کرده اند^۱ که این هم مدرک و سندی ندارد.
- در پایان بحث ذکر چند نکته ضرورت دارد:

۱. موضوع بسیار مهم، این است که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در دوران حیات پدرش کودکی ۶ ساله بوده که پدر روانه زندان شد و ۴ سال بعد که پدر به شهادت رسید، لباس عزا به تن حضرت بود. از طرف دیگر جو بسیار سنگین سیاسی و اجتماعی علیه خاندان نبوت و امامت، و آنگاه تبعید برادر به طوس، مجالی را برای ازدواج باقی نگذاشت و حتی شرایط بسیار عادی و ساده ای هم برای آنها فراهم نشد.

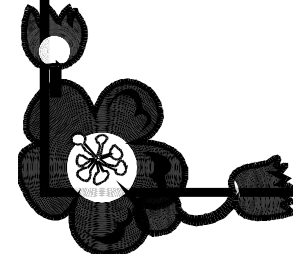
۱. انوارالمشعین، ج ۱، ص ۲۰۵؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۸۲؛ انجم فروزان، ص ۵۹.

۲. روحیه ولایت پذیری و مطیع ولایت بودن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و سایر فرزندان امام کاظم علیه السلام است، زیرا احکام و عقاید و اطاعت از ولایت در عمق جان آنها نفوذ کرده بود.

به بیان دیگر، شخصیتی مانند حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که در دامن امامت به دنیا می آید و در مکتب امامت پرورش و رشد می کند و خود مبلغ حدیث غدیر و ولایت است که اینها همه نشانه عظمت و بزرگی آن بزرگوار است، امکان ندارد خلاف وصیت پدر بزرگوارشان عمل کنند.

بخش دوم:

جاگاہ علمی و فرهنگی حضرت فاطمہ معصومہ علیہا السلام



حضرت معصومه علیها السلام نیز امام رضا علیه السلام را در این مسیر همراهی می فرمود. بانوی کرامت با برگزاری جلسات علمی متعدد، نقش بزرگی ایفا کردند؛ به گونه ای که سلسله سند و محتوای احادیث آن حضرت گویای چنین مجالسی است.

نکته مهم اینکه در خاندان عصمت و طهارت و امامت، فرزندان توسط خانواده آموزش داده می شدند و علوم الهی را از پدر، مادر و برادر فرا می گرفتند. در عصر موسوی نیز این سیره حسنه ادامه داشت و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از همان دوران کودکی به آموزش علوم دینی پرداخت. استعداد ذاتی، طهارت روح و برخورداری از استادان معصوم که به تعبیر قرآن کریم **﴿وَالرَّسُخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾**^۱ که از علوم الهی بهره وافعی دارند آن حضرت را به مرحله ای والا از کمال علمی رساند.

در سال ۱۹۹ق. سپاه جلودی برای دستگیری محمد بن جعفر بن محمد عازم مدینه شد. جلودی دستور داشت محمد را به قتل برساند و خانه های آل ابوطالب را در مدینه غارت کند. وقتی سپاه او به در خانه امام کاظم علیه السلام رسید، امام رضا علیه السلام تمام زنان را در یک اتاق جمع کرد و جلوی در خانه ایستاد. جلودی گفت: من ناچار باید داخل خانه شده، لباس های زنان را بگیرم و غارت کنم. امام علیه السلام سوگند یاد فرمود که تمامی جامه های زنان را به او بدهد. آن حضرت پیوسته اصرار می کرد و مانع داخل شدن جلودی به خانه می شد. آنگاه امام علیه السلام تمام لباس ها حتی خلخال ها و گوشواره ها و آنچه را که در خانه بود

در عصر استبداد هارون، فعالیت فرهنگی امام رضا علیه السلام آغاز گردید، زیرا هارون به سبب خوفی که از عواقب شهادت امام کاظم علیه السلام داشت، چندان متعرض امام رضا علیه السلام نمی شد و حتی سعی می کرد خودش را از این جنایت تبرئه کند.

بعد از هارون، امین در دوران حکومت خود (۱۹۳-۱۹۸ق.) گرفتار اختلافات داخلی شد و در این زمان، فرصتی برای آزار امام رضا علیه السلام پیدا نکرد، بنابراین فرصت خوبی برای فعالیت های فرهنگی امام رضا علیه السلام ایجاد شد.^۱

در زمان خلافت هارون و مأمون، ترجمه آثار علمی بیگانگان به اوج خود رسید، زیرا مأمون می خواست در برابر مکتب اهل بیت علیهم السلام عرضه اندامی داشته باشد و بدین وسیله، مشتریان مکتب اهل بیت را کم کند و از فروغ آن بکاهد.^۲

امام رضا علیه السلام در این شرایط، انقلاب فکری عمیقی ایجاد کرد و جامعه را از سقوط در گرداب خطرناک انحراف و التقاط رهایی بخشید. همچنین پرده برداشت^۳ و فضائل اهل بیت علیهم السلام را آشکار کرد.

۱. سیره پیشوایان، ص ۴۷۲.

۲. همان، ص ۴۴۹.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۶۳.

۱. سوره آل عمران، آیه ۷.

به جلودی داد.^۱

یقیناً در این حادثه دردناک یکی از حاضران و شاهدان عینی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بوده است.

این حادثه یادآور هجوم دردناک به در خانه فاطمه زهرا علیها السلام و تداعی کننده دود و آتش و مسمار و میخ و سینه و پهلوی شکسته و بازوی کبود می‌باشد.^۲

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به مرحله ای از کمال علمی رسید که روزی جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند و تعدادی پرسش در نامه‌ای نوشته، برای گرفتن پاسخ، روانه منزل امام کاظم علیه السلام شدند، اما در آن زمان، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در سفر بودند و امام رضا علیه السلام نیز در مدینه تشریف نداشتند. هنگامی که آن گروه از مدینه قصد عزیمت داشتند از اینکه خدمت امام معصوم علیه السلام نرسیده بودند و دست خالی و بدون پاسخ به سؤالات علمی و دینی خویش به وطن بر می‌گشتند بسیار اندوهگین بودند.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که در آن ایام هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند از مشاهده غم و اندوه آنان متأثر شده، پاسخ پرسش‌های آنان را نوشت و به آنها عنایت فرمود.

آنها نیز با گرفتن پاسخ سؤالات مدینه را با شادمانی ترک کردند. سپس در بیرون مدینه با امام کاظم علیه السلام مواجه شدند و واقعه را به اطلاع آن حضرت رساندند و دست خط حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را به امام علیه السلام ارائه دادند.

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۶۱.

۲. نگارش این مطالب مصادف با ایام فاطمیه ۱۴۳۵ ق. می‌باشد.

حضرت امام کاظم علیه السلام پس از مطالعه جواب سؤالات، شادی و ابتهاج و سرور و رضایت خود را با این جمله بیان فرمودند: «فداها ابوها»^۱ پدرش به فدایش.»

بر این اساس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در عصر خویش از بانوان دانشمند، محدث و پارسا به شمار می‌آمده است. با وجود ناآرامی‌ها و ناملایمات فراوان، روایاتی که از آن بانوی مکرمه به دست ما رسیده در محور اصول اعتقادی شیعه و تأکید بر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و تثبیت جایگاه رفیع غدیر در فرهنگ تشیع است.

نقل حدیث

حضرت معصومه علیها السلام در حادثین شرایط سیاسی و پرخفقان‌ترین دوره از ادوار ائمه علیهم السلام به سر می‌برده و دارای مقاماتی است که تا به امروز برای ما کشف نشده است. آنگونه که از کتب حدیثی استفاده می‌شود، ایشان دارای اجازه روایت بوده‌اند و در سلسله اسناد روایت، نام مبارکشان می‌درخشد. البته ما جز چند حدیث، چیزی از آن حضرت نمی‌یابیم یا اگر احادیثی از آن

۱. این مطلب را جناب حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر مهدی‌پور در کتاب کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۶۳ از مرحوم مستنبط از کتاب «کشف اللثالی» نقل کرده‌اند که تا به حال به چاپ نرسیده است. گفته می‌شود نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه شوشتری‌های نجف موجود است.

بزرگوار نقل شده به علت فشار سیاسی و تحریم اندیشه شیعی، در کتب روایی ثبت نشده یا از بین رفته است.

به بیان دیگر، بانوی مجلله‌ای که مقام معنوی و علمی ایشان برکسی پوشیده نیست و از جمله نادره‌های بانوان جهان اسلام به شمار می‌آیند و ائمه علیهم السلام زیارتش را تأکید کرده‌اند، چگونه ممکن است از پدر و برادر امامش نقل حدیثی نداشته باشد.

مفاهیم روایات کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بر محور ولایت است و معانی زیر از آنها القاء می‌گردد.

۱. وصایت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام.

۲. تثبیت جایگاه غدیر در فرهنگ تشیع.

۳. هشدار به جامعه از فراموشی روز غدیر خم.

۴. موقعیت علی بن ابی طالب علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله.

۵. برابری دوستی خاندان عصمت و طهارت با شهادت در راه خدا.

در ادامه بحث به ذکر احادیثی می‌پردازیم که از بانوی کرامت نقل شده است.

مدیث اول: یاد کرد غدیر خم

عن بکر بن احمد القصری، قال: حدثتنا فاطمة بنت علی بن موسی الرضا، قالت: حدثتني فاطمة، زينب، ام كلثوم، بنات موسى بن جعفر الكاظم، قلن: ... عن فاطمة بنت النبي صلی الله علیه و آله عن النبي صلی الله علیه و آله يوم غدیر خم:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ؛ اهر که من رهبر و مولای او هستم، پس علی مولای اوست.»

مدیث دوم: مماسه غدیر

قال شمس الدین ابوالخیر الجزریّ الدمشقیّ المقریّ الشافعی، فی کتابه «اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب»... .

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به نقل از حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید:

أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ» وَ قَوْلَهُ صلی الله علیه و آله «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى علیه السلام»؛^۲ آیا کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز غدیر فراموش کردید که فرمود: هر کسی که من مولا و رهبر او هستم، علی نیز مولای اوست، و آیا فراموش کردید که به علی علیه السلام فرمود: یا علی، موقعیت تو نسبت به من، مانند هارون به موسی است.

مدیث سوم: دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله

... عن فاطمة بنت موسى بن جعفر علیه السلام... عن فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله

قالت: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

۱. احقاق الحق، قاضی سید نورالله حسینی مرعشی تستری، ج ۶، ص ۲۸۲. چاپخانه

اسلامیه تهران.

۲. اسنی المطالب، ص ۴۹؛ الغدیر، علامه امینی، ج ۱، صص ۱۹۶-۱۹۷. (دارالکتاب العربی

بیروت، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ق.)

«أَلَا مَنْ مَاتَ عَلِيَّ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا» آگاه باشید هر که بر دوستی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است.»
 زمخشری مفسر اهل سنت این حدیث را در تفسیر خود ذیل آیه شریفه:
 ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^۲ آورده است.
 این روایت بلند و جامع، آذین‌بند ایوان طلای حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام است.

مدیث چهارم: فضائل شیعه

... حدثتني فاطمة و زينب و ام كلثوم بنات موسى بن جعفر عليهما السلام ... عن فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله قالت:
 فاطمه معصومه علیها السلام به سند روایت دوم از فاطمه زهرا علیها السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
 در شب معراج، داخل بهشت شدم، آنجا قصری دیدم از درّ میان خالی که دارای دری بود آراسته به درّ و یاقوت و بر آن در پرده‌ای آویخته بود، سرم را بلند کردم، دیدم بر در نوشته شده است:
 «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَوَلِيُّ اللَّهِ؛ خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد رسول خداست، و علی ولی و صاحب اختیار (رهبر) مردم است.»

۱. محمد رازی، آثار الحجّة، ج ۱، صص ۸-۹؛ عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۵۴، ح ۳.

۲. سوره شوری، آیه ۲۳.

بر پرده نوشته بود: «يَخُ بَخٌ مِّنْ مِّثْلِ شِيعَةِ عَلِيٍّ؛ به به، چه کسی مانند شیعه علی است؟»
 داخل شدم، در آنجا قصری از عقیق سرخ میان تهی دیدم که دری از نقره داشت که به زبرجد زینت شده بود و بر آن در، پرده‌ای آویخته شده بود، سرم را بلند کردم، دیدم بر در نوشته شده است:
 «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيُّ وَصِيَّ الْمُصْطَفَى؛ محمد فرستاده خداست و علی وصی مصطفی است.»
 و بر پرده نوشته شده بود: «بَشْرٌ شِيعَةٌ عَلِيٍّ بِطَيْبِ الْمَوْلِدِ...؛ بشارت بده شیعیان علی را به پاک سرشتی.»
 داخل شدم، قصری از زبرجد سبز میان خالی دیدم که بهتر از آن ندیده بودم، این قصر دری از یاقوت سرخ داشت که با مروارید زینت داده شده بود و بر آن در، پرده‌ای آویخته شده بود، سرم را بلند کردم، دیدم بر پرده نوشته شده بود: «شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ شیعیان علی، همان رستگاران اند.»
 گفتم: ای حبیبم، جبرئیل! این قصر از آن کیست؟ گفت: از آن پسر عمو و جانشین تو علی بن ابی‌طالب است و همه مردم در روز قیامت عریان و پابرنه محشور می‌شوند، جز شیعیان علی و همه مردم را به اسم مادرانشان صدا می‌زنند، مگر شیعیان علی که به اسم پدرانشان صدا زده می‌شوند.
 گفتم: ای جبرئیل! چرا چنین خواهد بود؟ گفت: چون اینها علی را دوست می‌دارند، لذا پاک سرشت هستند.^۱

۱. ابو محمد جعفر بن احمد القمی، مسلسلات، ص ۱۰۸؛ بحار، ج ۶۸، صص ۷۶-۷۷.

مدیث پنجم: طهارت امام حسین علیه السلام

... حدثني الحسن بن يزيد عن فاطمة بنت موسى عن عمر بن علي بن الحسين، عن فاطمة بنت الحسين عليها السلام عن أسماء بنت ابي بكر عن صفية بنت عبدالمطلب قالت:

لَمَّا سَقَطَ الْحُسَيْنُ عليه السلام مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَ كُنْتُ وُلَيْتُهَا قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: يَا عَمَّةُ هَلُمِّي إِلَيَّ ابْنِي، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّا لَمْ نَنْظِفْهُ بَعْدُ، فَقَالَ صلى الله عليه وآله: يَا عَمَّةُ أَنْتِ تَنْظِفِينَهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ نَظَّفَهُ وَ طَهَّرَهُ^۱

فاطمه معصومه علیها السلام از عمه پیامبر صلى الله عليه وآله صفیه نقل می فرماید:

آنگاه که امام حسین علیه السلام از مادر متولد شد، من پرستاری کودک را به عهده داشتیم، پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: عمه! فرزندم را برای من بیاور. گفتم یا رسول الله، ما او را پاک نکرده ایم. فرمود: ای عمه! تو می خواهی او را پاکیزه گردانی؟ همانا خداوند تبارک و تعالی او را پاکیزه گردانیده و مطهرش نموده است.

عظمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

توصیف مستقیم ائمه علیهم السلام نسبت به جایگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

۱. صدوق، الامالی، ص ۱۱۷؛ بحار، ج ۴۳، ص ۲۴۳. (با کمی اختلاف در سند ولی متن روایت همین است.) و آنچه که مهم است منبع اول است که نام مبارک حضرت معصومه در سند ذکر شده و دو نسخه خطی از امالی در کتابخانه حضرت به همین سند موجود است.



روشن ترین برهان برای شناسایی مقام معنوی آن حضرت است. اندکی تأمل در شرح حال آن بانوی بزرگوار، راز عظمت و جاودانگی و تفضل و عنایات پروردگار را بر ما آشکار می سازد. طهارت و پارسایی آن حضرت، فروغ هدایت و جلوه حسنایی است که زیننده ترین نقش انسانی را در نگارستان هستی با نسیم روح بخش معنویت بهشتی هویدا کرده و کویر جامعه بشری را با شمیم دلنواز عشق و معرفت ولایی عطرآگین ساخته است.

معصومه آل طه علیها السلام یاس خوشبوی گلستان ولایت و امامت است؛ بانوی عظیم الشانی که تالی تلو معصوم علیه السلام و گنجینه بی نهایت الهی است و سرزمین قم به زلال قدسی حضورش روح معرفت و حیات طیبه یافته است.

روایت شده است که قم، جای پای جبرئیل و آن جایی است که آبی جوشیده که هر کس از آن آب بنوشد از بیماری در امان باشد و از آن آب، گلی سرشته شد که با آن شکل پرنده^۱ (به دست عیسی مسیح علیه السلام) ساخته شد. همچنین آمده است که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از آن چشمه آب خورده و بدان موضع غسل فرموده اند و از همین مکان، قوچ ابراهیم علیه السلام و عصای موسی علیه السلام و انگشتری نوح علیه السلام بیرون آمده است.^۲

۱. سوره آل عمران، آیات ۴۸-۴۹ (اشاره به حکایت ساخت پرنده و پرواز دادن آن به اذن

الهی و به دست حضرت عیسی علیه السلام است).

۲. تاریخ قم، چاپ آستانه مقدسه، صص ۱۳۲-۱۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷، ح ۴۷.



شخصیت معنوی هر کسی تا حدی وابسته به ایمان و تقوای پدر و مادر و محیط پرورش اوست و روحیات و اخلاق نیک والدین آینه تمام نمای فرزندان است.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در خاندان رسالت و امامت و ولایت دیده به جهان گشود و در حریم بهشتی چنین خانواده ای غنچه وجودش شکفت و در پرتو تعلیم و تربیت معنوی پدر و مادر و برادر، مراحل رشد و تعالی ایمان را طی نمود؛ به گونه ای گفته می شود در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام با آن همه کثرتشان بعد از امام رضا علیه السلام کسی همسنگ حضرت معصومه علیها السلام نبود.^۱ به فرموده شیخ عباس قمی رحمته الله:

و اما دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل آنها سیده جلیله، معظمه فاطمه بنت موسی علیه السلام معروف به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که مزار شریفش در بلده قم است که دارای قبه عالیه و ضریح و صحن های متعدده و خدمه بسیار و موقوفات است و روشنی چشم اهل قم و ملاذ و معاذ عامه خلق است.^۲

مورخ شهیر عباسقلی خان سپهر در وصف آن حضرت، چنین بیان کرده است: ناموس خداوند عالمیان، عابده و زاهده متقیه عارفه کامله، مستوره مخدّره، معصومه فاطمه دختر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را مقامی عالی و

۱. تواریخ النبی و آل، ص ۶۵.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۳۰.



منزلتی متعالی و شأنی رفیع و مکانی منیع است که خداوندش عطا فرموده است... مزار کثیر الانوارش در مدینه المؤمنین قم است، و حرم محترمش ملجأ زائرین و تمام مسلمین و مؤمنین و محل اجابت دعوات، و بروز کرامات و خوارق عادات و درگاه عرض بنیانش مسکن عبّاد و موطن زهّاد است.^۱ از طرفی در هر عصری وجود اولاد حضرت زهرا علیها السلام در بین مردم، موجب حرکت، برکت و شکوفایی و پویایی بوده و هست. امام خمینی رحمته الله در این باره فرموده اند:

«اکنون بحمدالله اولاد فاطمه زنده اند، در قم اولاد فاطمه هستند، در مشهد اولاد فاطمه هستند... تا اولاد فاطمه زنده اند اجازه نمی دهند که دشمنان به مقدّسات اسلام تجاوز کنند.»^۲

هستند چهارصد و چهل و چار از شرف

مدفون به امر مقّ شده دژ در این صدف

اولاد مرتضی علی آن شاه «لو کشف»

فرق مدان میان قم و کعبه و نیمف

جان می دهند اهل فود در نثار قم^۳

۱. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۳۳۶.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۶۴. (سخنرانی ۱۳۴۱/۱۲/۲۹، مسجد اعظم قم).

۳. قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۲.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای دامت برکاته اهمیت شهر مقدس قم را آنقدر مهم می‌داند که از آن به عنوان ذخیره الهی و قبه الاسلام نام می‌برند.^۱

ایشان هویت شهر قم را که بر گرد مرقد دختر موسی بن جعفر بنا شده است،^۲ یادآور شده، با دقت نظر به وجود بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و عالمان و فقیهان در شهر مقدس قم و با اهمیت سنجی دقیق، ویژگی‌های شهر مقدس قم را این‌گونه تشریح می‌فرمایند:

در این شهر عزیز، سه نقطه برجسته در میان همه نقاط روشن، چشم را به خود جلب می‌کند: اول، حرم مطهر و مضجع شریف فاطمه معصومه علیها السلام است، آن بزرگواری که این سرچشمه جوشان و خروشان، نخستین بار از کنار مرقد او جوشید و برکاتش به همه عالم و به خصوص به دنیای اسلام رسید...^۳

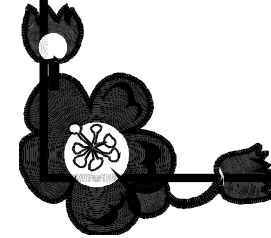
۱. حدیث ولایت، ج ۳، ص ۱۳۷.

۲. قم در اندیشه امام خمینی رهبر و مقام معظم رهبری، ص ۱۰۴، از مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم.

۳. همان، ص ۱۰۲.

بخش سوم:

مدح قم، وصف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام





در این حدیث به آیه شریفه استدلال شده و منظور از «مضجع» به صراحت روایت، همان محل اخذ تربت اولیه انسان است که بازگشت بدن نیز به همان مضجع و تربت قطعی است.

ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم:

جانم به فدایت، فشار قبر چه می‌شود؟ فرمود: هیبهات! بر مؤمن چیزی از فشار قبر نیست. به خدا سوگند! این زمین بر مؤمن افتخار می‌کند و می‌گوید: بر پشت من راه رفت و زمین می‌گوید: به درستی که من تو را دوست داشتم، آن هنگامی که بر پشت من راه می‌رفتی و اکنون به من سپرده شده‌ای، خواهی دید که چگونه با تو رفتار می‌کنم. او نگاه به اندازه دید چشم برایش گشایش می‌یابد و فرمود: وقتی مؤمن را به قبر می‌رسانند، بقعه‌های زمین به سوی او هجوم می‌آورند که همگی مثل باغ‌های سبز هستند و هر بقعه‌ای می‌گوید: خدایا! او را در دل من قرار بده. پس او را می‌آورند و در آنجایی قرار می‌دهند که قضای الهی بر آن تعلق گرفته و آن تربتی است که از همان خلق شده است.^۱

در این روایت به صراحت بیان شده که مدفن هر کسی، همان خاک و تربتی است که از آن خلق شده است. پس مدح و ثنای تربت و مدفن هر کسی در حقیقت، ستایش طینت و خاک سرشت اوست، لذا توصیف تربت مقدس قم، یعنی وصف و مدح سرشت پاک حضرت معصومه علیها السلام که جسم دنیایی‌اش از همان خاک خلق شده است.

روایات زیادی از زبان ائمه علیهم السلام به توصیف قم پرداخته و مدح بسیار بالایی از شهر قم و اهل آن را بیان داشته است. در واقع این احادیث، کاملاً با حضرت معصومه علیها السلام مرتبط می‌باشد و دلیل آن، مجموعه احادیثی است که بر خلقت انسان از خاک و بازگشت به همان خاک دلالت دارد.

در روایتی آمده است:

خداوند فرشته‌ای موکل بر هر مولودی خلق کرده است که به او «ملک الارحام» می‌گویند. وقتی بچه‌ای به دنیا می‌آید به او امر می‌شود که نقطه‌ای را که درون رحم مادر قرار دارد، با خاکی بیامیزد که مرگ او بر روی آن خواهد بود. انسان (در دنیا) هر کجا برود، آخر الامر به جایگاه برداشتن تربتش باز می‌گردد و در آنجا می‌میرد.^۱

و آیه شریفه:

﴿قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ﴾^۲

(بگو اگر در خانه هایتان هم باشید، حتماً آنهایی که کشته شدن برایشان مقرر گردیده

بیرون خواهند آمد تا به مضجع (آرامگاه و خوابگاه) خویش برسند).

۱. لئالی الاخبار، ج ۴، ص ۲۴۵.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۵۴.

۱. لئالی الاخبار، ج ۵، ص ۲۴۴.

خاک قم، آمیخته با ولایت اهل بیت علیهم السلام

خاک قم و شهر قم در روایات معصومین در حد بسیار بالایی ستوده شده است؛ از جمله صفوان بن یحیی می گوید:

روزی در محضر ابوالحسن امام هفتم علیه السلام بودم که ذکر و یادی از قم و اهل قم و میل و اشتیاق آنها نسبت به حضرت مهدی علیه السلام شد. پس حضرت به آنها درود فرستاد و فرمود: خداوند سبحان از آنها راضی باشد. سپس فرمود: همانا برای بهشت، هشت در است و یکی از آن درها برای اهل قم است و آنها شیعیان برگزیده ما از بین سایر شهرها هستند. خداوند تعالی ولایت ما را با سرشت و طینت آنها عجین کرده است «خمر الله تعالی ولایتنا فی طینتهم»^۱

بحث عجین شدن طینت اهل قم با ولایت اهل بیت علیهم السلام در این روایت بیان و تأکید شده که اهل قم از شیعیان برگزیده‌اند و یک در بهشت مخصوص آنهاست.

در فضل او بس است که فلاق عالمیان

یک دری ز بهشت فلد گشاید از این زمین

قم را نموده مدفن افیاء مؤمنین

از لطف مق شرافت این خاک را بین

۱. تاریخ قم، ص ۱۴۶؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۶، ح ۳۹؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۹.

بوی بهشت می‌وزد از مرغزار قم

هر ذره اش به چشم چه کمل الجواهر است^۱

تقدیس خاک قم و آمرزش اهل آن

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«خاک قم، مقدس است و اهل قم از ما اهل بیت علیهم السلام و ما از اهل قم هستیم. و هیچ جبار و ستم کاری قصد بدی به آنها ننماید، مگر آنکه به زودی در آتش جهنم معذب و معاقب می‌شود.»^۲

این بابویه قمی در فضیلت قم و اهل قم روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل کرده که مردی خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد:

یابن رسول الله من می‌خواهم از شما مسئله ای را بپرسم که کسی قبل از من نپرسیده و بعد از من نیز نخواهد پرسید. امام علیه السلام فرمود: شاید قصد داری از حشر و نشر بپرسی؟ عرض کردم بله، قسم به او که محمد صلی الله علیه و آله را حقاً بشیر و نذیر مبعوث کرد، سؤال من غیر از این چیزی نیست. حضرت فرمود: مکان حشر همه مردم، بیت المقدس است، مگر قطعه ای از سرزمین جبل که به آن قم می‌گویند. آنها (یعنی اهل قم) در قبرهایشان محاسبه می‌شوند و از آنجا محشور شده، به بهشت می‌روند. سپس فرمود: اهل قم آمرزیده شده‌اند.

۱. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۸، ح ۴۹؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۵۱.



راوی می‌گوید: آن مرد از جای خود برخاست و به روی دو پا ایستاد و گفت: یابن رسول الله این مخصوص و ویژه اهل قم است؟ حضرت فرمود: بله و هر کس که مثل آنان بگوید. (به ولایت علی علیه السلام و اولاد او عقیده داشته باشد).^۱

روزی که مشر و نشر و قیامت به پا شود

ایمان و کفر و نیک از هم جدا شود

بهر مساب فلق، چه میزان به پا شود

بر اهل قم مناسبی در قبرها شود

فرّ کسی که دفن شود در مزار قم^۲

قم دار المؤمنین

ابومسلم عبدی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: خاک قم مقدس است و اهل قم از ما اهل بیت هستند و ما از آنها ایم و هیچ جبار و ظالمی به آنها ظلم و بدی نکند مگر اینکه خداوند متعال در عقوبت و کیفر آنان تعجیل نماید. (این تعجیل عقوبت تا زمانی است) که اهل قم نسبت به برادران خود خیانت نکنند، و اگر چنین کنند خداوند، ظالمان را بر آنها مسلط می‌گرداند، اما اهل قم، انصار قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف و دعوت کنندگان حق ما هستند.

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۸، ح ۴۸؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۹.

۲. قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۹.



سپس حضرت علیه السلام سرش را به آسمان بلند کرد و فرمود: خدا آنها را از هر آفتی نگهدار و از هر هلاکتی نجاتشان بده.^۱

قم باب الجنه

انس بن مالک می‌گوید: روزی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشستیم بودم، وقتی که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابوالحسن به سوی من بیا، سپس وی (علی علیه السلام) را بغل گرفت و دست به گردن او انداخت و میان دو چشمش را بوسید، آنگاه حضرت فرمود: ای علی! همانا خداوند ولایت تو را به آسمان ها عرضه نمود. آسمان هفتم برای پذیرش ولایت تو سبقت گرفت، پس خداوند آن را بر عرش زینت بخشید. سپس آسمان چهارم پیشی گرفت و خداوند آن را با «بیت المعمور» زینت بخشید. سپس آسمان دنیا سبقت گرفت، خداوند آن را به ستارگان آذین کرد. سپس ولایت تو را به زمینی ها عرضه کرد، پس مکه برای پذیرش آن پیشی گرفت و خداوند آن را با کعبه زینت بخشید. بعد مدینه سبقت گرفت و خداوند آن را به واسطه من زینت بخشید، بعد از آن کوفه پیشی گرفت و خداوند آن را به واسطه تو زینت داد. بعد قم برای پذیرش ولایت تو پیش قدم شد و خداوند آن را به واسطه عرب (اشعریها) زینت بخشید و دری از درهای بهشت را به سوی آن باز کرد.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸، ح ۴۹، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۷.

۲. همان، ج ۶، ص ۲۱۲، ح ۲۱؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۴.



حجت بودن قم و اهل آن بر مردم

علی بن میمون صائغ از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند با مردم کوفه بر سایر شهرها احتجاج می‌کند و با مؤمنان اهل کوفه بر مؤمنین اهالی سایر شهرها احتجاج می‌کند و با شهر قم بر سایر شهرها و با اهل قم بر تمام اهل مشرق و مغرب از جن و انس احتجاج می‌کند. خداوند «قم» و اهل قم را مستضعف قرار نمی‌دهد (ولایت پذیر هستند) بلکه آنها را موفق داشته، تأیید می‌کند.

راوی می‌گوید: سپس امام علیه السلام فرمود: همانا دین و اهل دین خوارند، اگر چنین نبود، مردم به سوی قم هجوم می‌آوردند و در نتیجه قم خراب می‌شد. و اهل قم باطل می‌شدند و دیگر بر سایر شهرها حجت و برهان نبودند. و زمانی که چنین می‌شد (اگر این اتفاق می‌افتاد) آسمان و زمین استقرار نداشتند و حتی به اندازه یک چشم بر هم زدن مهلت داده نمی‌شدند؛ همانا بلاها و گرفتاری‌ها از قم و اهلس دفع شده است.

به زودی قم و اهل قم بر همه آفریدگان حجت خواهند شد و این در زمان غیبت قائم علیه السلام ماست تا ظهور آن حضرت علیه السلام و اگر این نبود، زمین اهلس را فرو می‌برد و به راستی ملائکه بلاها را از قم و اهلس دفع می‌کنند و هیچ جباری (ظالمی) نیت بد به قم نمی‌کند، جزء اینکه در هم شکننده‌ای از جباران (قاصم الجبارین) او را در هم می‌شکند و ظالم را با بلای سخت یا مصیبت یا دشمن، از بلا رساندن به قم باز می‌دارد و خداوند قم و اهلس را از خاطرشان



(ظالمان) می‌برد؛ چنانکه آنان خدا را از یاد برده‌اند.^۱

قم معدن علم

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمود:

به زودی کوفه از مؤمنین خالی می‌شود و علم و دانش نهان می‌گردد؛ همان‌گونه که مار در لانه خود پنهان می‌شود. سپس علم در شهری که به آن قم می‌گویند ظاهر می‌شود و آنجا معدن علم و فضیلت می‌گردد. حتی در زمین، مستضعف در دین باقی نمی‌ماند، حتی زنان پرده نشین، و این نزدیک ظهور قائم ماست. پس خداوند قم و اهلس را قائم مقام حجت قرار می‌دهد. و اگر این گونه نبود، زمین اهل خودش را فرو می‌برد و در زمین برهان و حجتی باقی نمی‌ماند و علم از قم به سایر کشورهای مشرق و مغرب منتشر و سرازیر می‌گردد، پس حجت خدا بر همه مردم تمام می‌شود تا در زمین کسی که علم و دین به او نرسد باقی نماند.

سپس حضرت قائم علیه السلام ظهور خواهد کرد، و آن حضرت سبب عذاب و عقوبت خداوند بر بندگان خواهد شد، زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی‌گیرد، مگر بعد از انکار حجت او.^۲

۱. تاریخ قم، ص ۱۳۹؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۲، ح ۲۲.

۲. تاریخ قم، ص ۱۴۰؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳، ح ۲۳؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، صص ۲۵-۲۶.

به هر حال، ورود حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم و این روایات، بیانگر آن است که قم در پیشگاه اهل بیت علیهم السلام از جایگاه مهمی برخوردار بوده، اهل بیت علیهم السلام عنایات خاص و ممتازی به قم داشته اند و می‌خواستند قم از نظر علمی و اجتماعی و فرهنگی، پایگاه مذهب تشیع شود. با تشکیل حوزه علمیه -چنانکه از همان قرن دوم و سوم شروع شد- مکتب تشیع رونق و گسترش پیدا کرد.

چنانچه از این روایت فهمیده می‌شود، امامان علیهم السلام در حقیقت بنیان‌گذار حوزه علمیه در قم توسط شاگردانشان بوده‌اند؛ همانگونه که تشویق‌های آنها و اشاراتشان به پیدایش حوزه علمیه در قم، بلکه تصریح آنها به این موضوع، گواهی صادق بر این مطلب است.

اهل قم یاران ما (اهل بیت علیهم السلام) و قم کاشانه آل محمد صلی الله علیه و آله

زراره از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت فرمود:

«اهل خراسان پرچم‌های برافراشته ما، اهل قم یاران ما، و اهل کوفه استوارکنندگان مکتب ما هستند و اهل این مناطق از ما هستند و ما نیز از آنان هستیم.»^۱

حضرت عبدالعظیم حسنی نیز با واسطه از امام کاظم علیه السلام روایت می‌کند که حضرت علیه السلام فرمود:

«قم کاشانه آل محمد صلی الله علیه و آله و مأوا (پناهگاه) شیعیان آنهاست.»^۲

۱. تاریخ قم، ص ۱۴۳؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۰.

۲. تاریخ قم، ص ۱۴۳؛ بحار الانوار، همان، ح ۳۱؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۱.

امام باقر علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می‌فرماید که آن حضرت فرمود:

هر گاه گرفتاری و سختی (بلا و رنج) به شما رسید به قم پناه برید، پس همانا قم پناهگاه فرزندان فاطمه و آسایشگاه مؤمنان است؛ «فعلیکم بقم، فانه مأوی الفاطمیین»^۱ و زمانی برسد که دوستان ما از ما فرار کنند و از ما دور شوند و این کار به صلاح آنان است، تا به دوستی ما شناخته نشوند، و با این عمل، خون و مالشان محفوظ می‌ماند و هیچ کس قصد سوء به قم و مردم قم نکند، جز آنکه خدا او را ذلیل و از رحمت خود دور کند.

هستند چهارصد و چهل و چار از شرف

مدفون به امر حق شده در این صدف

اولاد مرتضی علی آن شاه «لو کثیف»

فرق مدان میان قم و کعبه و نبف

جان می‌دهند اهل خود در نثار قم^۲

سلیمان بن صالح می‌گوید: روزی پیش امام صادق علیه السلام بودیم که از فتنه بنی عباس و از آنچه از آنها به مردم می‌رسد، یاد شد. پس گفتیم فدایت گردیم، هنگام این فتنه، پناهگاه و محل فرار کجاست؟ حضرت فرمود: به کوفه و حوالی آن و به قم و نواحی آن. سپس حضرت فرمود: در قم پیروان ما و دوستان ما می‌باشند و آبادی در آن بسیار می‌شود و مردم به طرف قم روی

۱. تاریخ قم، صص ۱۴۳-۱۴۴؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۵، ح ۳۲.

۲. قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۲.



می‌آورند و در آن اجتماع می‌نمایند تا جَمَر (رودخانه جمر) وسط شهر قرار می‌گیرد.^۱

اهل قم یاران امام زمان علیهم السلام و خواستگاه انقلاب

عغان یا عثمان بصری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

ایا می‌دانی چرا قم را قم می‌نامند؟ [عرض کردم: خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و شما آگاه‌تر هستید، فرمود: به آن قم می‌گویند: چون اهل قم، با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله اجتماع می‌کنند و با او قیام می‌کنند و بر فرمانبرداری آن حضرت استوار هستند و او را یاری می‌کنند.^۲

از امام موسی کاظم علیه السلام نیز روایت شده که فرمودند:

مردی از اهل قم به حق دعوت می‌کند [قیام می‌کند] و مردم دور او مانند براده‌های آهن، جمع می‌شوند و تندبادهای حوادث آنها را نمی‌لرزاند و از جنگ، خسته و ملول نمی‌شوند. [ترس به دل راه نمی‌دهند] و به خدا توکل می‌کنند و عاقبت از آن پرهیزکاران است.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۵، ح ۳۵.

۲. تاریخ قم، ص ۱۴۶؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۸.

۳. بحار الانوار، همان، ح ۳۷.



قم حرم اهل بیت علیهم السلام و سلام خدا بر اهل قم

روایت شده که گروهی از اهل ری خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند و گفتند: ما اهل ری هستیم، حضرت فرمودند: مرحبا (خوشا به حال) برادران ما از اهل قم، گفتند: ما اهل ری هستیم، حضرت دوباره جمله اول را تکرار فرمود. آنها چندین مرتبه کلام خود را تکرار کردند و امام علیه السلام جواب آنها را مثل بار اول دادند. سپس فرمودند:

انّ لله حرماً و هو مکّة و انّ لرسوله حرماً و هو المدينة و انّ لامیر المؤمنین علیه السلام حرماً و هو الکوفة و انّ لنا حرماً و هو بلدة قم و ستدفن فیها امرئة من اولادی تسمی فاطمة، فمن زارها و جبت له الجنة؛ همانا برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه است، برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است، و برای ما اهل بیت علیهم السلام حرمی است و آن شهر قم است. و به زودی در آنجا زنی (دختری) از اولاد من به نام فاطمه دفن می‌شود پس هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود.^۱

همچنین از ائمه علیهم السلام روایت شده است: «اگر قمی ها نبودند دین ضایع

می‌شد.»^۲

۱. همان، ص ۲۱۶، ح ۴۱.

۲. همان، ح ۴۳.



در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا فرشته‌ای با بال‌های گشوده خود بر فراز قم مسلط است، هیچ ظلم و ستم‌گری قصد بد به قم نمی‌کند، مگر آنکه خداوند او را ذوب کند مانند ذوب کردن نمک در آب. سپس اشاره فرمود به عیسی بن عبدالله و فرمود: «سلام الله علی اهل قم...؛ سلام خدا بر اهل قم.»

خدا شهر آنها را از باران رحمت سیراب می‌کند، و بر آنها برکات نازل می‌کند و گناه‌هایشان را به نیکی تبدیل می‌کند، آنها اهل رکوع و سجود، و قیام و قعودند و آنان فقیهان و عالمان و اهل فهم و درایت هستند و خوب عبادت می‌کنند.^۱

روزی که ظلم در همه جا باب می‌شود

رمه از میان فلق چه نایاب می‌شود

روی زمین چه کوره سیمان می‌شود

ظلم به دست قم چه نمک آب می‌شود

گردنکشان چه بهره ندارند از دیار قم^۲

علاوه بر صفات اسلامی، اخلاقی، اعتقادی و دینی، موضوع پذیرش ولایت امامان علیهم السلام و مذهب حقه و دفاع جدی مردم قم از ولایت و تشیع و تأسیس حوزه علمیه، بیانگر وظیفه‌شناسی آنها در گسترش مذهب و حکومت صالحان

۱. همان، ح ۴۶.

۲. قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۵.



بوده است؛ چنانکه تاریخ اهل قم و تشیع آنها از قرن دوم و سوم تا قرن حاضر، گواهی صادق بر این مطلب است.

در روایتی امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرمایند: هنگامی که به معراج می‌رفتم، نظرم بر بقعه‌ای از بقاع زمین افتاد که بسیار سبز و خرم بود و زمین و خاک آن نیکوتر از زعفران و خوش‌بوتر از مشک بود.

پس ناگاه در آن موضع پیرمردی را دیدم برنسی (کلاه‌هی) بر سر دارد. از جبرئیل سؤال کردم اسم این سرزمین چیست و منزل و مأوای کدام قوم است؟ جبرئیل گفت: این بقعه از سرزمین‌هایی است که محل زندگی شیعه وصی و پسر عمویت علی بن ابی‌طالب است. آنگاه از جبرئیل پرسیدم، این پیر ماندگار در آن کیست؟

پاسخ داد: ابلیس است و او می‌خواهد این قوم را از ولایت وصی تو برگرداند و گمراه نموده، به فسق و فجور ترغیب کند.

از جبرئیل خواستم مرا نزدیک او ببرد. او نیز به کمتر از درخشیدن برق مرا نزدیک او آورد. پس به او خطاب کردم برخیز ای ملعون! و از این موضع دور شو و در طایفه بی‌دین برو و با زنان و اموال ایشان مشارکت کن، که اهل این سرزمین، شیعه من و شیعه وصی و پسر عمویم علی بن ابی‌طالب علیهم السلام هستند. «از این رو آن مکان قم نامیده شد.»^۱

نور ممدی چه به معراج در رسید

ابلیس را به بقعه قم با سپاه دید

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸، ح ۴۸.



زد بانگ امدی که بشو دور ای پلید

این سرزمین بهشت نه جای تو و مرید

افرح تو ای لعین و پلید و تباکار^۱

بر این اساس، قدمت سرزمین قم به قدمت معراج رسول الله صلی الله علیه و آله است. در روایت فوق اشاره شده که آن شب بود که سرزمین قم، حیات یافت و در کلام رسول الله صلی الله علیه و آله بود که وجودش به تحقق پیوست. پس از آن بود که افتخار یافت نامش بر زبان ائمه علیهم السلام جاری شود و مردمانش مورد مدح و ثنای آل رسول قرار گیرند.

این سرزمین گرم و خشک که نیمی از آب آن املاح و نمک است، این طراوت و فضائل از کجا به او بخشیده شده است؟ بی شک، هویت مذهب شیعی خودش را پس از ورود گوهر تابناکی از آسمان ولایت آغاز نمود. به بیان دیگر، پایان عمر مبارک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام آغازی برای حیات معنوی این شهر بافضیلت شد و پس از آن بود که بر قبر مبارکش گنبد و بارگاه نشانند و عاشقان ولایت و امامت به گرد وجودش حلقه زدند و به یمن وجودش حوزه علمیه ای تأسیس شد که هزار عالم در دامن خود پرورش داد و مکتب توحیدی را با آنان پاسداری نمود.

قم، امروزه میزبان هزاران بلکه میلیون ها عاشقی است که رنج سفر بر جان خریده، خود را بر دریای کرم و شفاعت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می رسانند تا جرعه ای از آن بنوشند و قلوب خود را از انوار معنوی اش روشن نمایند.

۱. ر. ک: حضرت معصومه فاطمه دوم، ص ۳۸.



در واقع نام قم، با نام حضرت معصومه علیها السلام عجین شده است و هویت قم، یعنی حضرت معصومه علیها السلام، بنت موسی بن جعفر علیه السلام و اخت الرضا علیه السلام یعنی مدینه اهل بیت علیهم السلام.

به راستی در عصر حاضر، انقلاب اسلامی از اینجا شکل گرفت و ۱۵ خرداد و ۱۹ دی از اینجا بود که آن شب های ظلمانی را به نور انقلاب منور ساخت و دل های خفته و چشمان خواب آلود را بیدار کرد و خلاصه از اینجا بود که انقلاب، آب حیات یافت؛ همان گونه که در حدیث آمده است:

«رجل من اهل قم يدعو الناس الى الحق، يجتمع معه قوم كزبر الحديد لا تزلهم الرياح العواصف، و لا يملون من الحرب، و لا يجبنون و على الله يتوكلون و العاقبة للمتقين»^۱.

حتی نوجوانی که اهل اینجا بود در دفاع از وطن، نارنجک به کمر بست و به زیر تانک رفت.

از اینجا است که علوم و معارف اسلامی به سرتاسر جهان منتشر می شود و فرهنگ غنی و دینی احیا می گردد؛ چرا که فرمود: «لو لا القمیون لضاع الدین»^۲.

سرزمینی که به واسطه نامساعد بودن آب و هوا، سکونت در آن مشکل بود، اکنون موطن عاشقان امامت و تشنگان علوم و معارف اسلامی است که از سرتاسر جهان به آن روی آورده، در آن سکنا گزیده اند.

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۶، ح ۳۷.

۲. همان، ج ۶۰، ص ۲۱۷، ح ۴۳.

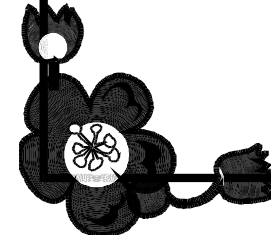
بدین ترتیب، قم «عش آل محمد و مأوی فاطمیون»^۱ گشته است و کلام امام صادق علیه السلام به تحقق پیوست؛ آنگاه که فرمود:

به زودی کوفه از مؤمنان خالی می‌شود و علم از آن جمع می‌گردد؛ همانند ماری که در لانه اش جمع می‌شود، پس علم و دانش در شهری که به آن «قم» می‌گویند ظاهر می‌شود و آنجا مرکز علم و فضیلت می‌شود.^۲

۱. همان، ص ۲۱۴، ح ۳۱.

۲. همان، ص ۲۱۳، ح ۲۳.

بخش چهارم:
عصمت، شفاعت و کرامت
حضرت فاطمه معصومه علیها السلام



معصومه علیها السلام

مقام عصمت، خاص چهارده معصوم پاک علیهم السلام است، ولی آیا عصمت عام محقق است و برای غیر معصوم ممکن است یا خیر؟ در جواب این پرسش باید گفت بله، عصمت برای عموم، امری ممکن است و برای اثبات آن دلائلی وجود دارد:

۱. امکان ذاتی: بحث امکان ذاتی این است که هیچ دلیلی برای محال بودن و امتناع آن برای انسان وجود ندارد.

۲. عموم قرآن: در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که عموم افراد را به کسب عصمت و عالی‌ترین درجه تقوا تشویق می‌کند؛ از جمله این آیات:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾^۱

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خدا ترس و پرهیزگار شوید خدا به شما فرقان می‌بخشد).

این آیه از یک سو، مردم را امر به تقوا می‌کند و از سوی دیگر پاداش تقوا را کسب فرقان برمی‌شمارد.

اگر تقوا امری غیر ممکن بود خداوند به آن امر نمی‌کرد و اگر کسب فرقان ممکن نبود خدا به آن وعده نمی‌داد؛ لذا می‌توان گفت کسب تقوا و فرقان که با تلاش در راه فرمانبرداری از امر خدا و اطاعت از عترت حاصل می‌شود، همان عصمت عملی است و راهش برای همه باز است و اگر کسب آن ممکن نبود خداوند به آن امر نمی‌کرد.

۱. سوره انفال، آیه ۲۹.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام پرورش یافته دامن عصمت و طهارت است. آن حضرت از سرچشمه نور سیراب شده و بی‌شک، کلام و سیره‌اش ما را به چشمه نور خواهد رساند.

آن حضرت یک الگوست؛ الگویی که به کمال رسید و اگرچه معصوم نبود، اما به عصمت رسید؛ آنچنان که معصوم علیهم السلام به ما آموخت در دامانش پناه گیریم و از او شفاعت بطلبیم: «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة»^۱.

فاطمه معصومه علیها السلام بعد از فاطمه زهرا علیها السلام دومین زنی است که به نصّ اهل بیت علیهم السلام به مقام شفاعت نائل می‌شود. الگوی زن مسلمانی که عصمت خدادادی ندارد، حضرت معصومه علیها السلام است؛ بانوی کرامت و شفاعتی که امام صادق علیه السلام حریمش را حرم خود می‌داند.^۲

زن مسلمان باید هویت خود را در سیره کسانی چون این بانوی بزرگوار بجوید که نه تنها در پستوی خانه منزوی نبود، بلکه در بیرون خانه و در جامعه‌ای غیر از جامعه حجاز حرکتی کرد که برای همیشه در تاریخ زنده ماند.

۱. فرازی از زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام؛ بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵، ح ۴.

۲. همان، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۴۱.



(ب) ﴿فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱

(پس کسی که از راهنمایی من پیروی کند هرگز (در دنیا و آخرت) بیمناک و

اندوهگین نخواهد شد).

این آیه با کلمه «من» شروع شده و همه مردم را شامل می‌شود، پس هر کسی با اطاعت از قرآن و راهنمایان الهی می‌تواند به مرحله عالی تقوا و عصمت عملی برسد و در مقابل، خداوند برای اطاعت، پاداش آرامش و رفع غم و خوف را وعده می‌دهد که مربوط به آخرت است.

حالا می‌پرسیم چه کسی از غم و خوف آخرت در امان است؟ پاسخ این است که مسلماً کسانی که از هادیان الهی اطاعت محض کنند به آرامش می‌رسند، پس وعده خدا بر عدم خوف و غم در آخرت شامل آنها می‌شود و این، همان عصمت عملی است پس کسب تقوای عالیه یا عصمت عملی ممکن است.

(ج) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۲

(و آنان که در راه ما (با خلوص نیت) به جان و مال، جهد و کوشش می‌کنند محققاً آنها

را به راه خویش هدایت می‌کنیم و خدا همیشه یار نیکوکاران است).

در این آیه تعبیر ﴿جَاهَدُوا فِينَا﴾ وسیع و مطلق است و هرگونه جهاد و تلاشی را که در راه خدا و برای او صورت گیرد، شامل می‌شود؛ خواه از طریق

۱. سوره بقره، آیه ۳۸.

۲. سوره عنکبوت، آیه ۶۹.



کسب معرفت باشد یا جهاد با نفس یا مبارزه با دشمن یا صبر بر طاعت یا شکیبایی در برابر وسوسه معصیت یا در مسیر کمک به افراد مستضعف یا انجام هر کار نیک دیگری.

در واقع، کسانی که در این راه‌ها به هر شکل و به هر صورت برای خدا مجاهده کنند، مشمول حمایت و هدایت الهی هستند و خداوند به مجاهدان راهش وعده پیروزی و موفقیت را در برابر جهاد و اخلاص داده است.

کلمه «الذین» در این آیه، همه انسان‌ها را شامل می‌شود و راه رسیدن به شاهراه هدایت و عصمت را جهاد و تلاش پیگیر با نیت خالص معرفی می‌کند. پس کسی که به راه خدا متصل شد از گناهان دوری می‌کند، چون هدایت الهی همیشه شامل حال اوست و در نهایت به تقوای عالیه و عصمت عملی می‌رسد.

۳. عصمت دارای ابعاد مختلف و مراتبی متفاوت است و بالاترین مرتبه آن را انحصاراً چهارده معصوم علیهم السلام دارند و مراتب پایین‌تر را دیگران مثل پیامبران، فرشتگان و امامزادگان دارا هستند. از جمله کسانی که در این راه قدم برداشته و بدان دست یافته‌اند، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دختر موسی بن جعفر علیه السلام است که به دلیل طاعت و بندگی مخلصانه خداوند و اطاعت و پیروی کامل از رهروان راه هدایت و وراستگی به درجه ای والا از تقوا و طهارت روحی رسید و از گناهان و ردایل اخلاقی دور ماند و جان خویش را به ذلال کوثر طراوت بخشید.

او پرورش یافته مکتب ائمه اطهار علیهم السلام است که عام و خاص، او را به عنوان معصومه شناخته‌اند.



در زیارت نامه دوم آن حضرت چنین آمده است: «السَّلامُ عَلَیکَ اَیَّتِهَا الطَّاهِرَةُ الْحَمِیدَةُ الْبَرَّةُ الرَّشِیدَةُ التَّقِیَّةُ النَّقِیَّةُ»^۱ سلام بر تو ای بانوی پاک و ستایش شده و نیکوکار و هدایت شده و پرهیزکار هدایت شده.»

با توجه به اینکه نام آن حضرت، فاطمه است و امام علیه السلام هرگز در مورد وصف شخصی مبالغه نمی کند می توان مقام عصمت را برای حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ثابت کرد.

از طرفی مقام شفاعت برای حضرت، نشانگر این است که وی معصوم است، زیرا کسی که در اثر گناه و عصیان، نیازمند به شفیع است نمی تواند دیگران را شفاعت کند. از زبان امام رئوف ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام در زیارت نامه خواهرش آمده است:

«یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة»^۲.

همچنین در ادامه زیارت نامه آمده:

«فان لك عندالله شأناً من الشأن»^۳ یعنی حضرت فاطمه معصومه در درگاه الهی مقام ویژه و بزرگی دارد و او واسطه و طریق بهشت است.

از آنجا که حضرت معصومه علیها السلام به عالی ترین مراحل قرب الهی دست یافته، امام معصوم علیه السلام مقام او را ارج گذاشته، از ایشان به بزرگی و عظمت یاد می نماید.

۱. انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۸۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۷.

۳. همان.



به راستی که صفت «الرشیده»^۱ برارنده وجود نورانی آن بانوی عظیم الشان می باشد که سرای قلبش را به نور ایمان زیور بخشیده و از آرایش به تیرگی غفلت و گمراهی مبرا شده و به گونه ای رشد معنوی پیدا کرده که مصداق بارز این آیه شریفه:

﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّشِدُونَ﴾^۲

(و لکن خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل هایتان زینت بخشیده، و کفر و فسق و گناه را منفور شما قرار داده است. اینها هدایت یافته و دارای رشد می باشند.)

به همین سبب، منتسب است که امام رضا علیه السلام به ایشان لقب معصومه را داد و فرمود:

«مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمٍّ كَمَنْ زَارَنِي»^۳ هر کسی حضرت معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند همانند کسی است که مرا زیارت کرده است.»
درباره لقب معصومه که برای آن حضرت به کار رفته، رؤیای صادقه ای نیز در کتاب دارالسلام نقل شده است:

در بغداد، مردی نصرانی به نام یعقوب زندگی می کرد که به بیماری استسقاء

۱. از القاب حضرت در زیارت نامه دوم (انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۸۵).

۲. سوره حجرات، آیه ۷.

۳. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۳۳۷.



دچار شده بود. او هر قدر به پزشکان مراجعه می‌کرد نتیجه نمی‌گرفت تا اینکه مرضش کاملاً شدت پیدا کرد و او را از پا انداخت.

مرد نصرانی می‌گفت: در آن روزها همه‌اش از خدا می‌خواستیم یا شفایم بدهد یا با مرگ از مرض رهایی ام ببخشد. او می‌گوید: شبی روی تخت خوابیده بودم، در عالم رؤیا آقای بلند قد و بسیار نورانی را دیدم که در کنار بسترم حاضر است و تخت مرا حرکت داد و فرمود: «اگر می‌خواهی از این بیماری شفا پیدا کنی، راهش این است که به شهر کاظمین رفته کاظمین را زیارت کنی.»

مرد نصرانی می‌گوید: وقتی از خواب بیدار شدم، رؤیای خود را برای مادرم که در کنارم بود نقل کردم. مادرم گفت: این خواب، شیطانی است، سپس رفت و صلیب و کمر بند آورد و به گردنم آویخت.

من دوباره به خواب رفتم و در عالم رؤیا بانوی مجلله‌ای را دیدم که سرتاسر بدنش پوشیده بود، تخت مرا حرکت داد و فرمود: برخیز که صبح صادق طلوع کرده است، مگر پدرم به تو نگفت به زیارتش مشرف بشوی و شفا پیدا کنی؟

پرسیدم: پدر شما کیست؟ فرمود: امام موسی بن جعفر علیه السلام است. پرسیدم: شما کیستید؟ فرمود: «أنا المعصومة اخت الرضا؛ من معصومه خواهر امام رضا علیه السلام هستم.»^۱

۱. وسیلة المعصومیه، ص ۳۶، به نقل از دارالسلام، ج ۲، ص ۱۶۹.



مقدمه‌ای بر بحث شفاعت

در عرصه قیامت، کسی نیست جز اینکه نیازمند شفاعت است یا برای ترفیع درجه یا ورود به بهشت، یا تعجیل حساب، یا از میان رفتن ترس و هول صحنه محشر، یا تخفیف و برداشتن عذاب، یا خروج از آتش پس از آنکه مدتی در آن قرار داشت.

گروهی پندارهای غلطی از شفاعت دارند و آن را بی‌شباهت به رابطه بازی‌های دنیا نمی‌دانند؛ در حالی که شفاعت از ارکان عقاید همه فرق اسلامی از اهل سنت و شیعه می‌باشد و از نظر منطبق اسلام، یک کلاس عالی تربیتی است.

شفاعت، نور امید برای کسانی است که راه حق را با تلاش و کوشش می‌پیمایند، ولی گاهی گرفتار کمبودها و لغزش‌هایی می‌شوند و این لغزش‌ها ممکن است گرد و غبار ناامیدی بر دل‌هایشان بیفتد. در اینجاست که شفاعت، همچون نیرویی محرک به سراغ آنها می‌آید و می‌گوید: مایوس نشوید و راه حق را همچنان ادامه دهید و دست از تلاش و کوشش در این راه برندارید. اگر لغزشی از شما سرزده شفیعیانی وجود دارند که به اجازه خداوند رحمان که رحمت عامش همگان را فرا گرفته، از شما شفاعت می‌کنند.

شفاعت، دعوت به تنبلی یا فرار از زیر بار مسئولیت یا چراغ سبز در برابر ارتکاب گناه نیست؛ بلکه حقیقت شفاعت، دعوت به استقامت در راه حق و کاستن از گناه تا حد امکان است.

مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه در این باره چنین فرموده‌اند:

اگر انسان بخواهد به کمال یا خیر مادی یا معنوی برسد، که از نظر معیارهای اجتماعی آمادگی و ابزار آن را ندارد و جامعه، وی را لایق آن خیر و



کمال نمی داند، یا بخواهد از خود شری را دفع کند؛ آن هم شری که بر اثر مخالفت، متوجه او می شود و از سوی دیگر قادر بر امتثال تکلیف و ادای وظیفه نیست، در اینجا به شفاعت متوسل می شود.

به دیگر سخن، اگر بخواهد به پاداشی برسد که اسباب آن را فراهم نکرده یا از کیفر مخالفت تکلیف خلاص شود بدون اینکه تکلیف را انجام بدهد، در اینجا متوسل به شفاعت می شود.^۱

از سوی دیگر، شفاعت، مایه امید نجات و بازگشت به کارهای شایسته و روزنه ای برای دگرگون سازی سرنوشت زندگانی دنیوی و اخروی است. چه بسا تبهکارانی که به امید شفاعت به راه راست بازگردند و رابطه خود را با معبود خویش بیش از پیش استحکام بخشند؛ البته در صورتی که رابطه مزبور را به طور کلی قطع نکرده باشند.

گفتنی است آیات و روایات متعددی بر ثبوت شفاعت دلالت دارند. علاوه بر آنها عقل نیز امکان آن را اثبات می کند تا جایی که دانشمندان اسلامی امکان شفاعت را از اصول مسلم اسلام به شمار آورده اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

برای بهشت هشت دروازه است که از یک دروازه پیامبران و راست گویان وارد می شوند، و در دیگری ویژه شهیدان و صالحان است و پنج در دیگر بهشت، مخصوص شیعیان و دوستان ماست، و خودم همواره بر صراط ایستاده دعا می کنم و عرضه می دارم: پروردگارا

۱. المیزان، ج ۱، ص ۱۵۸.



پیروان و دوستان و یاران مرا و هر کس در دنیا با من دوستی داشته، به سلامت بدار و از سقوط در جهنم حفظ کن، که ناگهان از درون عرش ندایی می رسد: دعایت مستجاب و شفاعتت پذیرفته شد و آن روز هر مردی از شیعیان و دوستان و یاران من، و آنان که با عمل و زبان با دشمنان من پیکار کرده اند، تا هفتاد هزار نفر از همسایگان و خویشاوندان خود را شفاعت می کنند. یک در دیگر بهشت، مخصوص سایر مسلمانان است؛ آنان که اعتراف به شهادت «لا اله الا الله» داشته و در دل، ذره ای بغض و دشمنی ما اهل بیت علیهم السلام را نداشته اند.^۱

در حدیث دیگری درباره شفاعت حضرت زهرا علیها السلام چنین آمده است:

وقتی نزدیک جهنم می رسد، فاطمه علیها السلام میان دو چشم او را می خواند که نوشته شده است: «دوست دار اهل بیت علیهم السلام». پس عرض می کند: «الهی و سیدی» مرا فاطمه و بازدارنده نامیده ای و به وسیله من، هر کس مرا و فرزندان مرا دوست بدارد از آتش جهنم ممنوع کرده ای. وعده تو حق است و خلاف وعده نمی کنی. خدای سبحان پاسخ می دهد: راست گفתי ای فاطمه، من تو را فاطمه نامیدم و به واسطه تو کسی را که به تو و فرزندان محبت کند از آتش جهنم منع می کنم. وعده من حق است و خلاف آن نمی کنم و همانا من به این عبد گنهگار فرمان دادم به جهنم برود تا تو درباره او شفاعت کنی و من شفاعت تو را پذیرا شوم بدین جهت که قدر و منزلت و جایگاه تو

۱. خصال شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۶، چاپ بیروت.



بر فرشتگان و پیامبران و همه اهل قیامت روشن و آشکار گردد، تا هر کس میان دو چشمش مؤمن نوشته شده آن را بخوانی و دست او را گرفته، وارد بهشت نمایی.^۱

بنابراین شفاعت در بیان آیات و روایات و معارف اهل بیت علیهم السلام به این معنا نیست که انسانی گناه بکند و دیگری توصیه کند تا مجازات و عقابی متوجه او نشود یا برای او تخفیفی را در نظر بگیرند؛ بلکه به معنای این است که رسیدن به درجات قرب جز با سرپرستی و ولایت اولیای خدا ممکن نیست. شفاعت به معنای عام، وساطت در فیض برای همه موجودات و مخلوقات و اعم از شفاعت تکوینی و تشریحی است.

شفاعت تکوینی، وساطت موجودی نسبت به موجود دیگر است، مانند: شفاعت مادر در تبدیل غذا به شیر برای برطرف شدن نیاز فرزند. شفاعت تشریحی، نسبت به خطاها و گناهان بندگان خدا صورت می‌گیرد و همان وساطت برای مرتفع ساختن نواقص و سستی‌هایی است که بندگان خدا داشته‌اند. البته بنا به صریح آیات و روایات، بدون اذن خدای تعالی کسی نمی‌تواند خیری به کسی برساند، مگر به اذن خداوند سبحان.

مقام شفاعت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

شفاعت انسان‌های والایی مانند حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که در پرتو ولایت ولی خدا درجاتی از ولایت را درک و تحمل کرده‌اند و به مقام و

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۱، ح ۵۸.



مرتبه ای یا به شأن و موقعیتی دست پیدا کرده‌اند و صاحب مقام ولایت و مقام شفاعت شده‌اند شأنی از شأن ولایت و شفاعت نبی مکرم صلی الله علیه و آله است. در واقع، حریم مبارک قلب آن حضرت پیوسته در معرض تابش انوار الهیه قرار داشته است.

بی‌تردید حضرت معصومه علیها السلام از جمله شخصیت‌های بی‌نظیر جهان اسلام است که به دلیل زندگی و پرورش در جوار امام معصوم علیه السلام خیلی زود توانست قلب پاک خویش را تجلی‌گاه انوار وجودی ولی خدا کند و با آنان ارتباطی خاص برقرار سازد. آن حضرت، خود را به درک ولایت و نورانیت اولیای معصوم رساند و تمام وجودش را لبریز پرتویی از شعاع وجودی اولیای خدا گرداند.

این بانوی عظیم‌الشأن از معدود امامزادگانی است که در مورد زیارت و شفاعت ایشان، ائمه علیهم السلام مستقیم تأکید فرموده‌اند و از احادیث گهرباری که درباره ایشان وارد شده می‌توان به مقام و منزلت علمی و معنوی وی پی برد. پدر بزرگوار آن حضرت، درباره ایشان جمله معروف «فداها ابوها» را به کار بردند؛ جمله ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شأن صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام فرموده بودند.

مرحوم علامه مجلسی از صاحب کتاب مجالس المؤمنین از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

خداوند حرمی دارد و آن مکه است، رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی دارد و آن مدینه است، امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی دارد و آن کوفه است بدانید و آگاه باشید که قم، کوفه صغیره است. در قم بانویی از فرزندان من که نام او فاطمه بنت موسی

است از دنیا می‌رود و تمام شیعیان من، همگی به شفاعت او داخل بهشت می‌شوند.^۱

امام صادق علیه السلام چهل و پنج سال قبل از ولادت ایشان، حتی قبل از تولد پدر بزرگوارش، با تجلیل، از تولد و رحلت و محل دفن او خبر داده و ثواب زیارت با معرفتش را بهشت و شفاعتش را شامل حال تمام شیعیان دانسته‌اند.

در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بعد از امام رضا علیه السلام از نظر علمی و اخلاقی و از جهت شخصیت فردی و کمالات معنوی و روحانی برترین آنان است. این حقیقت از اسامی، القاب، توصیف و تعاریفی که از ناحیه ائمه اطهار علیهم السلام رسیده به خوبی نمایان است.

مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله درباره ایشان می‌گوید:

«بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل دختران موسی بن جعفر علیه السلام معروف به حضرت معصومه علیها السلام است که مزار شریفش در بلده قم است.»^۲

همچنین مرحوم شیخ فضل علی آقای قزوینی رحمته الله از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی رحمته الله در این باره چنین می‌نویسد:

فضایل و مزایا و مراتب کمال و جلال ظاهری و باطنی، و صوری و معنوی آن برگزیده ذوالجلال، خارج از حدّ وهم و خیال و بیرون از باطن و مقال است به رنگ و بو و خط و خال چه حاجت روی زیبا را.

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۵۹.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۳۰. انتشارات هجرت.



در خانواده رسالت و طهارت بعد از بی بی عالم حضرت زهرا علیها السلام و حضرت صدیقه صغری زینب کبری علیها السلام زنی به این جمال و کمال و علو مکان و رفعت شأن و بنالت و بزرگی مقام، ثلثة الثلثة و ثانیة الاثنین است و بعضی خصوصیتی است که مخصوص به خصوص همین بی بی است مثل نصّ بر زیارت و امثال آن...^۱

این همه منزلت و عظمتی که برای شهر قم در روایات آمده به دلیل کمال و منزلت فاطمه معصومه دختر موسی بن جعفر علیه السلام است که در اینجا مدفون است و اگر قم، حرم اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌شود سرّ آن به جهت وجود گوهری است که در روایت امام صادق علیه السلام به آن اشاره شده است: «تقبض فیها امرأة من ولدی».

بیان امام رضا علیه السلام در متن زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، یعنی «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة فان لك عندالله شأناً من الشان»^۲ نشانگر وجود مقامی ارجمند در درگاه خداوند برای حضرت معصومه علیها السلام است؛ مقامی که درک آن، تنها برای آنان که به حریم «عنداللهی» راه یافته اند، ممکن است، از این رو آنها توان آن را دارند که آن مقام را بشناسند و با الفاظ و واژه‌ها آن را برای دیگران به تصویر کشند.

۱. رواق عصمت، سید علی حسینی، ص ۵۹. از مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت

فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم. به نقل از نسخه خطی الهدایة المرضیة الی

الخصرة الرضویة.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵.



مرحوم قزوینی چنین می‌فرماید:

تنوین «شأناً» [در زیارت نامه آن حضرت] برای تعظیم است و الف و لام «من الشأن» برای عهد و این... مقام کمال و افضل مراتب جلال است که عقول در ادراک آن قاصر و افهام در فهم آن عاجز است، هرچه گفته شود عبارت؛ بلکه یک معنایی است که لفظ و عبارت ندارد؛ بلکه مقامی است که تصور آن نتوان کرد مگر کسانی که دارای آن مقام باشند یا قریب به آن مقام به اندازه حوصله و استعداد.^۱

بدون تردید عظمت و جلالت و منزلت و بزرگی حضرت معصومه علیها السلام به مرتبه معصومین علیهم السلام نمی‌رسد، ولی مقایسه و تطبیق جمله «فان لك عندالله شأناً من الشأن» با جمله‌های مشابهی که درباره ائمه علیهم السلام آمده است، نشان می‌دهد، حضرت در شأن و مقامی نزدیک به مراتب ائمه علیهم السلام قرار دارد. به تعبیر دیگر، شأن ایشان از همان سنخ است گرچه محدودتر و رتبه اش پایین‌تر از آنهاست، ولی آنچه اهمیت دارد همان تعبیر امامان علیهم السلام درباره وی است که خداوند به حضرتش به دلیل داشتن چنین مقام و مرتبه‌ای اذن شفاعت داده است.

شفاعت شافعان، شامل کسانی است که در زمره رهروان طریق اهل بیت علیهم السلام باشند. در واقع، حبّ اهل بیت علیهم السلام در بسیاری از مواقف قبر و قیامت، نجات بخش انسان است.

۱. رواق عصمت، ص ۶۲.



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده‌اند:

حبّ اهل بیتی نافع فی سبعة مواطن اهلهنّ عظیمه، عندالوفاة، و فی القبر، و عندالنشور، و عندالکتاب، و عندالحساب، و عندالمیزان، و عندالصراط؛^۱
 محبّت اهل بیت علیهم السلام من در هفت محل که ترس و هراسشان بزرگ است نفع می‌رساند: هنگام مرگ، در قبر، موقع حشر و نشر، هنگام کتاب، هنگام دادن نامه عمل، هنگام میزان (وزن کردن اعمال)، هنگام عبور از پل صراط.

درخصوص شفاعت حضرت معصومه علیها السلام و حشر و نشر و اینکه مرگ با محبت به اهل بیت علیهم السلام دارای ثواب و اجر شهید است روایاتی به دست ما رسیده که نشان از آن موهبت الهی است که روح حضرت به جلوه قدس مزین گردیده و همه شیعیان را در دایره شفاعت خود قرار خواهد داد.
 در روایت شریفی امام صادق علیه السلام فرمود:

«ان زیارتها تعادل الجنة؛^۲ زیارت فاطمه معصومه علیها السلام برابر با بهشت است.»

«الف و لام» در «الجنة» استغراق یا جنس است و معنی اش این است که زیارت آن حضرت موجب می‌شود که زیارت کننده مستحق تمام بهشت باشد.

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۶.

۲. همان، ج ۶۰، ص ۲۲۸.



مقصود از این جمله آن است که زیارت آن حضرت با دخول در بهشت برابری می‌کند.

بی‌شک، شفاعت فاطمه معصومه علیها السلام به جهت اتصال به ولایت اهل بیت به قدری گسترده است که امام رضا علیه السلام آن را در ردیف شفاعت و کرامت معصومین علیهم السلام ذکر می‌فرماید:

السلام عليك عرف الله بيننا و بينكم في الجنة و حشرنا في زمركم و اوردنا حوض بيتكم و سقانا بكأس جدكم من يد علي بن ابي طالب عليه السلام...؛^۱ سلام بر تو باد، خداوند متعال در بهشت ما را به شما شناساند و ما را در گروه شما محشور گرداند و ما را در کنار حوض پیغمبر شما درآورد و ما را با جام جد شما از دست علی بن ابی طالب علیه السلام سیراب نماید.

از تحلیل دقیق شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در می‌یابیم که آن حضرت در افقی متصل به امامت و بالاتر از همه شیعیان و واسطه جریان بزرگ فیض رحمت و علم قرار دارد و شفاعت گسترده اش محبین اهل بیت علیهم السلام را در بر می‌گیرد.

خلاصه اینکه دختر بزرگوار امام موسی بن جعفر علیه السلام از جمله بانوانی است که در وادی عصمت و طهارت قرار دارد و تالی تلو معصوم است. ایشان به جهت صفای معنوی و عفاف و طهارت مادرش، نجمه خاتون و به واسطه برخورداری از تعالیم هدایت بخش دین و قرآن در حریم امن پدرش امام

۱. همان، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵؛ بخشی از زیارت‌نامه حضرت.



کاظم علیه السلام و سپس مأمّن ایمان برادرش، امام رضا علیه السلام و به سبب بهره مندی از طاعت و بندگی خالصانه به درگاه رب العالمین به آن درجه از کمال معنوی و صفای باطنی رسید که در حقیقت آمده:

«من زارها فله الجنة؛ هر کس او را بشناسد و زیارت کند سزاوار بهشت است».

آری، حرف دل و زمزمه زبان هر زائر عارف و عارف عالم و غیر عالم، شهری و روستایی، ایرانی و غیرایرانی، مرد و زن و خردسال و بزرگسال این است که: «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة».^۲

کریمه اهل البيت علیهم السلام

آراستگی و وارستگی انسان، جز آنکه پاداش عظیم اخروی به همراه دارد آثار و نمودهای عینی از خود به جای می‌گذارد که در چهره صالحان و سیمای فرزندان و زندگی روزمره ایشان به روشنی مشاهده می‌شود:

﴿سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾^۳

در واقع سجده‌های طولانی و خضوع و خشوع بندگان صالح بر درگاه حضرت حق، چهره‌ای نورانی از ایشان به جای گذاشته است.

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.

۲. همان.

۳. سوره فتح، آیه ۲۹.

وقتی که معصوم علیها السلام فرمود: «الوضوء علی الوضوء نور علی نور»^۱ یعنی اینکه وضو بر وضو (تجدید وضو) باعث روشنایی دو چندان درون و برون تقوایندگان است. همچنین آثار برکات اعمال صالحی چون نماز شب، صله رحم و صدقه که در زندگی عادی انسان‌ها ملموس و محسوس‌اند. این تقوا و وارستگی و پاکی و آراستگی به صفات جمیل الهی است که انسان را یکپارچه نور می‌نماید و راه حق و ثواب را به روشنی درمی‌یابد؛ همان‌گونه که فرمود:

﴿يَأْتِيهَا الْبُرُكُءُ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾^۲

پس هر آنکه تقوایشه باشد، ره گم نکند، بلکه همیشه به راه حق باشد و بدین سبب، رهرو راه دیگران می‌گردد و دریای نور و کرم خویش را بر ره گم‌کردگان و به بن بست رسیدگان ارزانی می‌دارد چرا که او مصداق ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَّقَكُمْ﴾^۳ است.

به بیان دیگر، هر کرامت‌جویی باید ره به کوی او بسپارد و آنگاه که انسانی، جامع چنین ویژگی‌های نورآفرین و برکت‌زای و کرامت‌ساز باشد وجودش سرچشمه فیض الهی و منبع خیر و برکت و مظهر لطف و کرامت ربوبی خواهد بود. این اولیای خداوند که به فرموده امام هادی علیها السلام:

«عادتکم الاحسان و سجتکم الکریم...»^۴ خلق و خوی جدا ناپذیرتان،

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۱.

۲. سوره انفال، آیه ۲۹.

۳. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۴. البلد الامین، ج ۱، ص ۳۰۲؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه، ص ۵۴۹.



کرامت الهی و عادت و سیره و روش خدایی شما نیکی و احسان به خلق اوست».

تنها این حضرات هستند که این حقایق را عینیت بخشیده‌اند و در مکتب سراسر لطف و کرامت خویش، انسان‌هایی پرورش داده‌اند که هم در زمان حیات و بعد از آن، منشأ برکات و کرامات بی‌شمار الهی گردیده‌اند.

بر این اساس، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یکی از نمونه‌های عالی و بارز این واقعیت است و به حق ضریح و رواق و بارگاه ملکوتی‌اش چشمه فیاض کرامت و لطف پروردگاری است که بر دل‌های سوخته و دست‌های به آسمان برداشته شده و چشم‌های اشکبار و وجود غمبار گرفتاران جاری است. به راستی که روز و شبی نگذرد که در این درگاه سرشار از کرم و خیر و نور، کرامتی بروز نکند. اینجا منبع کرم و شفاخانه دردمندان و نقطه امید آرزومندان و مشکل‌گشای گرفتاران وامانده از همه جا و پناهنده به این آسمان ملک پاسبان است.

آری، به حق حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را می‌توان «کریمه آل علی» نامید و بارگاه ملکوتی‌اش را تجلی‌گاه بیت الکریم فاطمی در مدینه دانست، چرا که او عصاره فضائل آن بانو و میراث بر کرامت و بزرگواری آن مادر است.

لقب کریمه اهل بیت علیهم السلام در رؤیایی صادقانه یکی از بزرگان از طرف معصوم علیها السلام به این بانو اطلاق شده است. مرحوم آیت الله سید محمود مرعشی نجفی (متوفای ۱۳۳۸ق.) پدر مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفای ۱۴۱۱ق.) بسیار علاقه‌مند بود که به هر طریقی شده، محل قبر مبارک حضرت صدیقه اطهر فاطمه زهرا علیها السلام را به دست آورد. به همین منظور، ختم مجربی را انتخاب و چهل شب به آن ختم مداومت نمود تا شاید خداوند به طریقی او را از محل قبر شریف حضرت صدیقه طاهره علیها السلام آگاه نماید.



شب چهلم بعد از انجام ختم و توسل فراوان استراحت کرد. در عالم رؤیا به محضر مقدس حضرت امام باقر یا حضرت امام صادق علیهما السلام^۱ مشرف شد و امام علیه السلام به ایشان فرمود:

«عَلَيْكَ بِكَرِيمَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ؛ بِرِئَاسَةِ بَدَنِكَ بِرِئَاسَةِ بَيْتِ آلِ مُحَمَّدٍ».

ایشان به تصور اینکه منظور امام علیه السلام از «کریمه اهل بیت علیهما السلام» حضرت زهرا علیها السلام است عرضه داشت:

قربانت گردم، من این ختم را برای همین گرفتم که محل قبر شریف آن حضرت را به صورت دقیق تر بدانم و به زیارتش مشرف شوم.

امام علیه السلام فرمودند: «منظور من قبر حضرت معصومه علیها السلام در قم است» سپس اضافه فرمودند:

به جهت مصالحی که خداوند اراده فرموده که محل قبر شریف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برای همیشه از همگان مخفی باشد، لذا قبر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را تجلی گاه قبر مادرش فاطمه زهرا علیها السلام قرار داده است.

مرحوم آیت الله مرعشی هنگامی که از خواب برخاست تصمیم گرفت نجف اشرف را به قصد زیارت حضرت معصومه علیها السلام ترک نماید، از این رو به همراه همه اعضای خانواده رهسپار ایران گردید.^۲

۱. این تردید از مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی است.

۲. علی اکبر مهدی پور، کریمه اهل بیت، صص ۴۳-۴۴.



صاحب وسیلة المعصومیه می نویسد:

«آن حضرت مستغرق عبادت، و از آرایش معاصی معصوم بوده، هیبت عصمت مادرش زهرا علیها السلام در او تجلی کرده بود.»^۱

کرامت آن حضرت اثبات می کند که آن بزرگوار دارای قدرت روحی خاص و نورانیت بیشتری نسبت به دیگران است.

به عبارت دیگر، هر قدر قدرت روحی و حیطة تسلط روح و نوع اعمال، قوی تر باشد به همان میزان مؤثر را محکم که معرفی و اثبات می کند و از سوی دیگر سیره و آیین، حقانیت راه و طریق آنان را اثبات می کند و کرامت نیز مهری به صداقت ادعای او می زند.

وقتی می بینم که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دختر و خواهر و عمه حجت خداوند است و به سیره آنها عمل می کند به راحتی به میزان تقرّب او و به عظمت روحش پی می بریم. از طرفی کرامات و شفابخشی های ظاهر شده از محضر مبارک آن حضرت هیچ فرقی با کرامات ائمه اطهار علیهم السلام ندارد.

یعنی با مقایسه این کرامات می توان به قدرت روحی والای این بانوی عظیم الشان پی برد. مواردی همچون بینایی بخشی به کور مادرزاد، شفای مریض سرطانی و شفای فلج مادرزاد نشان از قداست و حرمت وی در درگاه خداوند و ائمه اطهار علیهم السلام دارد.

۱. وسیلة المعصومیه، ص ۶۸.



مصادیقی از کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

۱. کرامات حضرت معصومه در تفسیر آیه تطهیر

مرحوم حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته الله در این باره چنین نقل فرموده‌اند:

صدرالمতألهین که هم‌اکنون نیز خانه‌اش در کهک محفوظ است، قسمتی از اسفار را در همین جا نوشته است. در حالات صدرالمتألهین است که می‌گویند در حاشیه کتابی چنین نوشته:

«هر وقت یک مطلب فلسفی برایم مشکل می‌شد و راه حلی پیدا نمی‌کردم و هر چه فکر می‌کردم به جایی نمی‌رسیدم، از کهک به قم می‌رفتم و حضرت معصومه علیها السلام را زیارت می‌کردم و از ایشان می‌خواستم که آن مشکل برای من حل بشود و حل می‌شد.» این بیان صدرالمتألهین نشان از لطف آن حضرت نسبت به یک عالم بزرگ است.

یکی از کرامت‌های حضرت معصومه علیها السلام نسبت به خودم این است که زمانی می‌خواستم کتابی درباره آیه تطهیر بنویسم و اشکالات اهل سنت را به آن پاسخ دهم. یکی از این اشکالات که برخی از بزرگان را نیز متحیر نموده، اشکال وحدت سیاق است.

اشکال این است که آیه تطهیر،^۱ آیه نیست، بلکه نصف آیه است و آیات قبلی و بعدی آن در رابطه با زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله و خطاب به ایشان است. سؤالی

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.



که مطرح می‌شود، این است که به چه مناسبت آیه‌ای که در شأن اهل بیت علیهم السلام است در ردیف آیاتی که راجع به زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده ذکر شده است. من هر وقت که قرآن می‌خواندم؛ خصوصاً ماه‌های رمضان که مقید بودم حداقل یک ختم قرآن داشته باشم، وقتی به آیه تطهیر می‌رسیدم، به خودم مراجعه می‌کردم و می‌دیدم که این مسئله برای من حل نشده است. شاید در دلم گله‌ای هم می‌کردم که چرا خدا آیه تطهیر را اینجا قرار داده و به چه مناسبت در جایی آمده که قبل و بعد آن راجع به زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله است؟ آیا جای دیگری در قرآن نبود که این آیه مطرح شود؟

با اینکه این مسئله برای من حل نشده بود، با مرحوم آقای اشراقی، (داماد حضرت امام رحمته الله) بنا گذاشتیم که تحلیلی درباره آیه تطهیر داشته باشیم. به حسب ظاهر، آیه تطهیر برای خودمان هم روشن نبود. حتی بعضی از بزرگان هم، برای حل این مشکل در آیه تطهیر، دچار اشتباهاتی شده‌اند. البته، انسان هر چه بزرگتر باشد، اشتباهش هم بزرگتر است؛ مثلاً مرحوم سیدشرف‌الدین عاملی با آن قداستش، با آن اهل بیته بودنش، با آن کتاب‌هایی که در رد اهل تسنن دارد و انصافاً هم کتاب‌هایش جالب است. کتاب المراجعات ایشان در رد اهل تسنن، جداً از کتاب‌های خواندنی است. ایشان در ذیل یکی از کتاب‌هایش، رساله مختصری در مورد حضرت زهرا علیها السلام به نام «الکلمة الغراء فی تفضیل الزهراء علیها السلام» نوشته که در ذیل یکی از همین کتاب‌ها چاپ شده است.

وقتی به کتاب ایشان مراجعه کردم، دیدم چون موضوع راجع به حضرت زهرا علیها السلام است، آیه تطهیر را عنوان کرده است.



ایشان برای حل مشکل، می‌گوید جای آیه تطهیر اینجا نبوده، بلکه در جای دیگر قرآن بوده است؛ در حالی که اگر انسان باب این حرف را مفتوح بکند، در قرآن خیلی اشکال پیدا می‌شود. البته ما معتقدیم که قرآن، سر سوزنی نه کم شده نه زیاد شده و نه جایش تغییر کرده است.

ما فکر کردیم می‌خواهیم شروع به نوشتن تحلیل آیه تطهیر کنیم و دستمان هم خالی است. در واقع آیه تطهیر برای خودمان هم حل نشده است. پس چیزی که برای خودمان حل نشده، چطور درباره‌اش کتاب بنویسیم! با خود گفتیم به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف می‌شویم و از ایشان استمداد می‌کنیم که ایشان برای رسیدن به واقعیت آیه تطهیر به ما کمک کند. وضو گرفتیم و خیلی ساده به حرم مشرف شدم. حضرت معصومه علیها السلام عمه حضرت جواد علیه السلام است و این امام جد مادری ماست. پس حضرت معصومه علیها السلام، عمه مادری ما هم می‌شوند و به من محرم‌اند.

آن روز که مشرف شدیم با اینکه وضع مالی ما خوب نبود و جنبه‌های مختلف زندگی هم دچار اشکال بود، به حضرت معصومه علیها السلام عرض کردم: عمه جان! امروز فقط برای فهم یک مطلب به اینجا آمده‌ام؛ از شما نه خانه می‌خواهم، نه پول، نه زندگی، نه ماشین و نه تشکیلات. شما فقط در نوشتن این کتاب و درباره آیه تطهیر به ما کمک معنوی بکنید. من از شما غیر از این چیزی نمی‌خواهم. این را گفتیم و بیرون آمدیم.

از فردای آن روز، وقتی آقای اشراقی به منزل ما آمد و شروع به نوشتن کردیم، دیدیم که راه‌هایی برای ما باز شد و مطالبی برای ما روشن گردید که اصلاً این مطالب را به خواب هم نمی‌دیدیم.



نتیجه تحلیل‌های ما این شد که آیه تطهیر باید در همین جای قرآن باشد و اگر از اینجا تغییر می‌دادند و در جای دیگر می‌گذاشتند آن هدف اصلی خداوند تأمین نمی‌شد. هدف اصلی این بود که خداوند می‌خواست مسائلی راجع به زن‌های پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح کند؛ از جمله اینکه اگر شما کار خیر انجام بدهید، دو برابر ثواب دارید و اگر کار بد انجام بدهید، دو برابر عقاب دارید. شما باید عفاف داشته باشید، و نباید تظاهر بکنید:

﴿وَلَا تَبْرَحْ تَرْتَجِ الْجَاهِلِيَّةَ الْأُولَى﴾^۱

در واقع خداوند دستورهای تند و تیزی به زن‌های پیغمبر داد. شاید این اشکال پیش می‌آمد که این دستورها که خداوند به زن‌های پیامبر داده، مردم خیال کنند که اهل بیت علیهم السلام هم مشمول این سخنان هستند؛ مثلاً حضرت زهرا علیها السلام نیز مشمول این خطاب است.

به بیان دیگر، خداوند برای اینکه جلوی چنین توهم و چنین احتمالی را بگیرد، به صورت پراکنده، آیه تطهیر را در اینجا آورد و فرمود: حساب اهل بیت علیهم السلام از شما زن‌های پیامبر جداست. خیال نکنید خطاب به شما، خطاب به اهل بیت علیهم السلام هم هست؛ نه، آنها حساب جدایی دارند. خدا خواسته که آنها را از پلیدی‌ها و زشتی‌ها دور بکند.

در ادامه نیز بحث کردیم که مقصود از اراده و تطهیر چیست.

در واقع اراده‌ای که در این آیه آمده تشریحی است یا تکوینی؟ بعضی از اهل سنت تأکید فراوانی دارند که این اراده، اراده تشریحی است؛ در حالی که اگر

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.



اراده، تشریحی باشد، اراده تشریحی خداوند از همین احکامش است و دلش می‌خواهد احکام را همه عمل بکنند و اختصاصی به اهل بیت علیهم السلام که ندارد. واقعاً به برکت حضرت معصومه علیها السلام که برای هزارمین بار از ایشان تشکر می‌کنم و کم هم تشکر کرده‌ام راه‌هایی برای ما باز شد و توانستیم آیه تطهیر را خیلی روشن و پاکیزه، بدون هیچ تأویلی و بدون هیچ خلاف ظاهری، تحلیل کنیم. شما اهل علم می‌دانید که خلاف ظاهر یعنی چه و در کجا انسان مجبور است که مرتکب خلاف ظاهر بشود. ما با قرآن و شواهد روایی، این معنا را ثابت کردیم که آیه تطهیر منحصر به اهل بیت علیهم السلام است و جای آن هم همین جاست و اگر از اینجا بردارند و به جای دیگری بگذارند، آن هدف اصلی صد درصد تأمین نمی‌شود.^۱

۲. کرامتی درباره تعویض گنبد مطهر

حضرت آیت الله مسعودی خمینی تولیت سابق آستان مقدس کرامت طرح تعویض گنبد مطهر آن حضرت را چنین بیان فرمودند:

آیت الله بهجت هر روز صبح حدود ساعت ۷ الی ۸ به حرم مشرف می‌شوند شما اگر بروید می‌بینید که اگر دور و بر ایشان صدها نفر هم باشند به هیچ کس توجه ندارند.

یک روز بالای پشت بام رفته نگاهم که به گنبد افتاد دیدم این مس‌های طلایی به قول خودمان وا داده و طبله کرده است.

۱. ر.ک: همگام با زائران عارف، ص ۸۷.



وقتی پایین آمدم به آقای فقیه میرزایی^۱ گفتم: من بالای پشت بام رفتم و دیدم وضع گنبد خیلی خراب است؛ بعید نیست که اگر یک وقت زلزله کوچکی هم بیاید، پایین نریزد. شما بررسی کنید و ببینید که آیا اینجا را می‌شود درست کرد یا نه؟ ایشان گفت: من قبلاً دیده‌ام، حدود سه الی چهار میلیارد تومان پول و حدود سه تا چهار سال هم کار می‌خواهد. چند روزی گذشت، رفتم خدمت آقای بهجت. ایشان، بدون مقدمه فرمود: «این گنبد دارد خشت‌هایش می‌ریزد، خراب شده، چرا درستش نمی‌کنید؟» گفتم: چشم، ان شاءالله خدا توفیق بدهد، درستش می‌کنیم. ایشان گفت: «خراب است، باید درستش بکنید. خداوند پولش را می‌رساند.»

چند روز گذشت، آفازاده ایشان زنگ زد که آقا می‌فرمایند: بیا اینجا! من رفتم آنجا. فرمودند: چرا شروع نمی‌کنید؟ گنبد خراب می‌شود. عرض کردم: «آقا، پول می‌خواهد. ما الآن نداریم. خیلی پول لازم دارد.» ایشان فرمود: «پولش را خدا می‌رساند. شما این مطالب را با مقام معظم رهبری در میان بگذارید.» بعد به علی آقا گفتند: ۱۵ میلیون تومان بدهد. فرمودند: «این هم مقدمه کار. این ۱۵ میلیون تومان. شما شروع کن.» گفتم: «آقا! ۱۵ میلیون تومان با ۴ میلیارد تومان چه تناسبی دارد!» پول را گرفتم و گفتم: «مثل اینکه خدا می‌خواهد این کار بشود.»

خدمت حضرت آیت الله خامنه ای، مقام معظم رهبری - حفظه الله تعالی - رفتم. عرض کردم جریان این طوری است، ایشان فرمودند: «هر چه آقای

۱. معاون اداری مالی وقت.

بهجت بگوید، من چشم بسته قبول می‌کنم؛ اما پول ندارم بدهم.» گفتم: آقا! پول نمی‌خواهیم، حمایت شما را می‌خواهیم.

آدم به آقای فقیه میرزایی گفتم: فکری بکن، ببینیم چه کاری می‌شود کرد؟ پول را از کجا تهیه کنیم؟ ما حدود پنج شش سال قبل، با وزارت مسکن در یک مشارکت، قرارداد بسته بودیم که ساختمانی نیمه‌ساز را تکمیل بکنیم. کسی زنگ زد و گفت: آقا! شنیده‌ام شما ساختمان نیمه تمامی دارید فلان جا و این را می‌فروشید، من خریدارش هستم. گفتم: دو سه روز صبر کنید.

مهندسان آمدند و برآورد کردند که تعمیر گنبد ۲۴۰ کیلو طلا می‌خواهد و حدود ۵۰۰ میلیون تومان هم دستمزد کار می‌شود. دو سه روزی گذشت، دیدیم آن آقا زنگ زد. گفتیم: پول نقد می‌خواهیم. گفت: پول نقد می‌دهم. ما رفتیم پیش آقای نوربخش، رئیس بانک مرکزی. گفتیم: آقا! ما ۲۴۰ کیلو طلا با قیمت مناسب می‌خواهیم. گفت: باید با آقای رئیس جمهور صحبت بکنید. با آقای رئیس جمهور صحبت کردیم و ایشان بلافاصله دستور داد که ۲۴۰ کیلو طلا ظاهراً با نصف قیمت به آستانه مقدسه بدهند. من خودم رفتم تهران، به خزانه و گفتم: چقدر پولش می‌شود. گفتند ۶۰۰ میلیون تومان. یکی دو روز نگذشت که سهم آستانه از آن ساختمان نیمه تمام را ۶۰۰ میلیون تومان فروختیم و پولش را به خزانه دادیم و ۲۴۰ کیلو طلا را آوردیم و گفتیم: یا الله، شروع کنید.

بحمدالله همه کارها جور شد؛ حتی مهندس طلاکاری آستان مقدس رضوی که گفته بود من اینجا استخدام شده‌ام و نمی‌توانم بیایم، چند روزی که گذشت به من زنگ زد که آقا من بازنشسته شدم و می‌توانم بیایم. بازنشستگی ایشان هم درست شد. در ظرف یک ماه آمدند و در اینجا مشغول شدند و با

دقت و جدیت، کار کردند. اکنون بحمدالله، کار به نصف رسیده و امیدواریم کمتر از چهار سال، این را تحویل بدهیم.^۱ این مصاحبه در سال ۱۳۸۳ انجام شده و گنبد در حال مرمت بود. در اردیبهشت ۱۳۸۴ مصادف با ۱۷ ربیع الاول کار به اتمام رسید و توسط مرحوم آیت الله العظمی بهجت رحمته الله از آن پرده برداری شد.

۳. برکت قم به واسطه کرامت حضرت معصومه علیها السلام

حضرت آیت الله صابری همدانی می‌فرمایند:

بنده خاطره‌ای از مرحوم میرزا محمد تقی اشراقی، پدر مرحوم اشراقی داماد امام رحمته الله دارم. ائمه علیهم السلام عنایت خاصی به قم و به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام داشته‌اند. از برکات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و عنایت ائمه اطهار علیهم السلام در قم، ویژگی‌هایی وجود دارد که حاکی از قداست این مکان و این شهر و عظمت علمی و دینی شهر قم است.

یک روز از منزلم به مدرسه فیضیه آمدم تا در مجلس ختمی که در آنجا برپا بود شرکت کنم. مرحوم اشراقی، یعنی پدر اشراقی داماد، بالای منبر بود و صحبت می‌کرد و ما هم آمدیم و پای منبرش نشستیم. ایشان داستانی نقل کرد که من آن را یادداشت کردم و برای خیلی‌ها هم گفتم.

ایشان فرمودند: من یک شب در عالم خواب دیدم که به مدرسه فیضیه آمدم. دیدم همه طلاب در طرف دارالشفای اجتماع کرده‌اند، ولی همه وحشت و

۱. ر.ک: همگام با زائران عارف، ص ۱۵۷.



ترس دارند. از آنان پرسیدم چه خبر است؟ چه کسی اینجاست؟ گفتند: حضرت علی علیه السلام در آن طرف پرده فیضیه است.

ایشان (میرزا محمدتقی) خیلی شجاع بود و می گفت: من آستین عبایم را پوشاندم و به طرف غرب مدرسه فیضیه آمدم. خودم هم از قبل دیدم که سه نفر آنجا هستند. گفتند: یکی حضرت علی علیه السلام است، دو تا هم کارگر است. آمدم خدمت حضرت و سلام عرض کردم، عرض کردم یا امیرالمؤمنین علیه السلام در اینجا، چه می کنید؟ حضرت فرمود: تخم گل‌هایی را در این مکان و در این باغچه می کارم. آن حضرت به آن دو نفر کارگر هم دستور می داد کار کنند و تخم گل‌ها را کاشتند. سپس با هم آمدیم و به سمت یک حجره ای در طرف کتابخانه رفتیم و آنجا نشستیم.

حضرت علی علیه السلام مقداری عسل میل فرمودند و به من هم از آن عسل دادند و بعد فرمودند که این حجره، مربوط به یکی از آذربایجانی‌ها بود که الان در مشهد است، اما اسمش را نفرمود.

وقتی از خواب بیدار شدم، خدمت مرحوم شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه رفتم و گفتم: آقا من چنین خوابی دیده ام. آقا خیلی متأثر شدند و اشک از چشمشان جاری شد. آنگاه فرمود: امیدواریم که ما این گل‌ها را شکوفا کنیم و تربیت کنیم تا این تخم گل‌هایی که امام علی علیه السلام کاشته‌اند یک روزی رشد نمایند و برای مردم عطرافشانی کنند.

واقعاً باید گفت یکی از آن تخم گل‌ها امام علیه السلام بود که از این حوزه به عمل آمده و همچنین مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله، مرحوم آیت الله العظمی سید احمد خوانساری، مرحوم اراکی رحمته الله و دیگر علمایی که از برکات همان تأسیس حوزه علمیه، رشد کردند.



امید است که ان شاءالله این تخم گل‌ها هیچ وقت پژمرده نشود و مواقعی که دشمن به قم حمله و قصد سوئی کرده، مطابق روایات، هر ظالمی که بخواهد قم را از بین ببرد، خدا او را ذلیل و خوار کند که همین طور هم بوده است.

از زمان‌های دور، بسیاری از علما و بزرگان وقتی در حل مسائل علمی عاجز می‌ماندند و هیچ راهی برای حل مشکلات خود نداشتند همین زیارت حضرت معصومه علیها السلام بهترین راه حل مشکل آنها بود. امام علیه السلام در صحن بزرگ خیارات مکاسب تدریس می‌فرمودند و بعد از درس، هر روز به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مشرف می‌شدند و زیارت می‌کردند و سپس برمی‌گشتند. در واقع توجه علما و فقها و بزرگان به زیارت حضرت معصومه علیها السلام نشان‌دهنده این است که ارتباط دینی و قلبی محکمی بین فقها و علما و بزرگان با حضرت معصومه علیها السلام بوده است. خود ما هم همین ایام طلبگی از حضرت معصومه علیها السلام خیلی استفاده کردیم و در مشکلاتی که داشتیم و حل نمی‌شد، به آن حضرت متوسل می‌شدیم. در دوران جوانی، قلب‌هایمان خیلی صاف بود و چون متوسل می‌شدیم، به حرم مشرف می‌شدیم، دعا می‌خواندیم و مشکلات ما حل می‌شد. علمایی مثل مرحوم شیخ محمد تقی بافقی یزدی دور حرم حضرت معصومه علیها السلام می‌گشتند و علاقه شان به مسجد جمکران نیز زیاد بوده است لذا توسلات بزرگان و فقها به حضرت معصومه علیها السلام چیزی است که در همه دوران وجود داشته و ثابت و مسلم بوده است.

عبارت «الأسماء تنزل من السماء» روایت باشد یا نباشد، اما بین همه آقایان معروف است. فیضیه در قم، خودش برای مسلمین، منبع فیض است. در کتابی که گمان می‌کنم از مرحوم فیض کاشانی است، دیدم که ایشان یک



شب به قم می‌آید و در آنجا می‌ماند. همان شب خوابی می‌بیند و به واسطه آن مدرسه فیضیه را می‌سازد؛ یعنی بنای مدرسه فیضیه را آن عالم بزرگ می‌گذارد.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یا مرحوم میرزای قمی و دیگر علما متوجه این مطلب بودند که قم محلّ فیض است و آن روایتی را که می‌فرماید: «لولا القمّیون لضاع الدین»^۱ علمای ما نوشته و نقل کرده‌اند. در حقیقت این گونه روایت‌ها باعث می‌شده که فقها و بزرگان توجه بیشتری به قم داشته باشند.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم هم علاوه بر آن معنویاتی که داشت، از این اوضاع اطلاع داشته و شاید بشود گفت که آن روایتی که از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که مردی از قم قیام می‌کند و مردم را دعوت به حق می‌کند و یک عده او را اجابت می‌کنند که: «کُزِبَ الحديد؛ مانند تکه‌های آهن سفت محکم‌اند»، همه اینها را دیده‌اند.

همچنین روایتی که تأکید فرموده روزی می‌آید که دین از قم به جاهای دیگر، منتشر می‌شود، همه اینها را یک مژده‌ای می‌دانستند، لذا همه بزرگان و علما به اینجا توجه داشته‌اند. الان هم ما می‌بینیم که بحمدالله و النعمه از قم است که برکات علمی و دینی نصیب مردم شده است و دارد نصیب دنیا می‌شود، ان شاءالله.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷.

۲. ر. ک: همگام با زائران عارف، ص ۲۴۰.



۴. پرداخت شهریه به واسطه حضرت معصومه علیها السلام

حضرت آیت الله رضائی فردوسی از کرامات فاطمه معصومه علیها السلام چنین نقل می‌کنند:

مرحوم آیه الله صدر رحمته الله علیه مشغول نوشتن کتاب «لواء الحمد» بود. ایشان می‌خواست تمام روایاتی را که از طریق غیر شیعه، از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل شده، جمع آوری کند و در مقابلش، روایات خودمان را هم بیاورد، ولی موفق نشد آن را تمام کند. ایشان دستش رعشه داشت و نمی‌توانست بنویسد، از این رو به من فرموده بود تا خدمتش بروم و مطالب را بنویسم. من هم خدمت ایشان می‌رفتم و روایاتی را که ایشان می‌خواند، می‌نوشتم.

روزی خدمت ایشان رفتم و مقداری از روایات را که ایشان خواند، نوشتیم. ایشان فرمود: آقای رضائی! بس است خسته شدی. بنشین تا قدری صحبت کنیم و رفع خستگی بشود. این مرد بسیار بزرگ، اخلاق خیلی زیبایی داشت. ایشان برایم نقل کرد:

بعد از رحلت آیت الله العظمی حائری رحمته الله علیه رژیم پهلوی بر علما خیلی سخت گرفت تا جایی که حتی نگذاشتند برای ایشان دو ساعت مجلس ترحیم گرفته شود. در آن زمان در مسجد امام مجلس گرفتیم، رئیس شهربانی آمد و گفت که آلا و لا بد باید مجلس را جمع کنید.

مرحوم صدر در ادامه فرمود: مریضی من همه اش به خاطر همان پهلوی اول بود. من متصدی شدم تا به طلبه‌ها شهریه بدهم و متصدی حوزه شدم و رسیدگی می‌کردم. ماهی سه تومان به طلبه‌ها شهریه می‌دادم. یک وقت وجوهات نرسید، پیشکارم ملّا ابراهیم می‌رفت و از بازاریان پول قرض می‌کرد و



می آورد و شهریه را می دادم. چند ماه به همین منوال، پول قرض می کردم و شهریه را دادم تا یک وقت دیدم ۱۲ هزار تومان مقروض شدم. گفتم این ماه دیگر شهریه نمی دهم، دیگر نمی توانم قرض کنم. قرض نکردم و شهریه را هم ندادم.

وقتی طلبه ها به خانه ام آمدند، من پهلوی درگاه نشسته بودم. طلبه ها که داخل حیاط بودند، گفتند: آقا جان! چرا شهریه نمی دهید؟ گفتم: پول ندارم. اصرار کردند. یک مرتبه صدای گریه طلباب بلند شد. گفتند: آقا! به قول معروف، نه در غربت دلم شاد و نه رویی در وطن دارم. ما در اینجا که شب ها باید بیاییم در حجره هایمان، روزها نیز باید برویم باغ ها و بیابان ها. آنجا که اگر بیایند ما را می گیرند یا آزار و اذیتمان می کنند یا لباس هایمان را پاره می کنند که باید این لباس متحد الشکل باشد. بعد هم که بخواهیم به طرف وطنمان برویم، ماشین ها ما را نمی برند و می گویند: ماشین هایمان پنجر می شود و سوارمان نمی کنند. با این شهریه شما امورات ما هر طوری بود، سر می شد. این را هم که شما تعطیل کردید، پس ما چه کنیم؟

همان طور که گریه می کردند، من هم گریه ام گرفت و قدری گریه کردم، بعد گفتم: آقایان خواهش می کنم تشریف ببرید! برای فردا یک کاری خواهم کرد، درست می کنم ان شاءالله و به زبان خوش، آنها را روانه کردم.

بعد از رفتن طلاب تا شام اصلاً فکرم به هیچ جایی نمی رسید، سحر پا شدم و به حرم حضرت معصومه علیها السلام رفتم، نماز خواندم تا اذان صبح شد. نماز صبح را هم خواندم. خلوت بود و هیچ کس در حرم حضرت معصومه علیها السلام نبود. فقط چند تا از این خدمه ها آنجا خوابیده بودند. پای ضریح آدمم و با حالت عصبانیت بسیار، گفتم: عمه جان! این رسمش شد؛ یک عده کسانی که می خواهند حامل



علوم اهل بیت علیهم السلام باشند، حامل علوم آبا و اجداداتان باشند، اینجا کنار شما، از گرسنگی بمیرند! آیا قبول می کنی؟ اگر نمی توانید، دست بر دامن امیر المؤمنین علیه السلام یا برادرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بشوید. اگر می توانید چرا نمی رسانی؟ اگر این طور باشد، من هم دیگر به زیارت شما نمی آیم.

آنگاه با حالت عصبانیت از حرم بیرون رفتم؛ ولی پشیمان شدم که چرا این صحبت ها را کردم. هنوز هوا تاریک بود که به خانه رفتم و به اتاقی آمدم که بین بیرونی و اندرونی است. آنجا روی تخت نشستم، هنوز هوا تاریک بود و نمی دانستم چه بکنم. با خود گفتم یکی دو ساعت دیگر طلبه ها که بیایند، من چه کار کنم؟ ناگهان دیدم کربلایی محمد در می زند. گفتم: بیا تو، آمد، گفت: آقا! یک نفر آمده که یک شاپو سرش است و کراوات هم دارد و چمدانی هم دستش است. می گوید: الان می خواهم خدمت آقا برسم. من ترسیدم که مبادا به شما آسیبی برساند، گفتم که آقا حرم رفته بود، نمی دانم آمده است یا نه. بروم سؤال کنم. گفتم: بگو بیاید و راحتم کند. آمد، شاپو را از سرش برداشت و چمدان را هم گذاشت روی زمین و آمد دست من را بوسید و سلام و علیک و خیلی عذرخواهی کرد که آقا ببخشید، معذرت می خواهم، من بی موقع خدمتتان رسیدم. موقعی که آمدم جلوی تپه سلام، نزدیک شاه جمال که رسیدم یک مرتبه نگاهم به گنبد حرم حضرت معصومه علیها السلام افتاد، یک مرتبه به فکر افتادم - همان موقعی بوده است که داشتم با حضرت معصومه علیها السلام جر و بحث می کردم - که ما داریم مسافرت می کنیم، اگر آمد و پیشامدی شد، پس ما چه کار کنیم؟ اموال همراه من باشد، مال از بین برود و دین خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام هم در ذمه ام بماند. وارد شهر شدیم و من از راننده درخواست کردم نیم ساعتی صبر کند تا من خدمت آقا بروم و برگردم. اکنون هم خیلی



عذرخواهی می‌کنم که بی‌موقع خدمتتان رسیدم. حساب هایش را کرد و پول‌ها را از چمدانش درآورد و تقدیم کرد؛ به اندازه‌ای که یک سال تمام شهریه را دادم، بیشتر هم دادم و قرض‌ها را نیز ادا کردم.

آنگاه رفتم پای ضریح حضرت معصومه علیها السلام و عرض کردم: عمه جان! خیلی بزرگوار و کریم هستی.

از این مطلب که بگذریم درباره مرحوم میرزای قمی هم نقل شده که پای ضریح حضرت معصومه علیها السلام می‌رفته و استفاده‌هایی می‌کرده است. ملاصدرا هم همین‌طور و نیز سایر علما که همگی متوسل می‌شدند و کراماتی که از حضرت معصومه علیها السلام وارد شده، خیلی زیاد است.^۱

۵. موزه علمیه مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام

حضرت حجت الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری مدیر حوزه علمیه بیان نموده‌اند:

اما خاطره جالبی که بعد از آن احساس کردم مورد عنایت این بزرگواران هستم، این است که در ماه رجب سال ۱۳۸۱ ه.ش. به ناراحتی قلبی مبتلا شدم و این ناراحتی در ایام اعتکاف رخ داد؛ هنگامی که در مسجد جمکران سخنرانیم تمام شد و به سوی منزل بر می‌گشتم، به راننده گفتم: حال مساعد نیست، در ناحیه قفسه سینه احساس ناراحتی می‌کنم. ایشان گفت: شاید سرما

۱. ر.ک: همگام با زائران عارف، ص ۲۸۷.



خورده‌اید. درد قفسه سینه شدیدتر می‌شد. سرانجام به پزشک مراجعه کردم و تحت معالجه قرار گرفتم. پزشکان گفتند: باید مراقبت کنید تا - ان شاء الله - مداوا بشوید. در یکی از شب‌هایی که به شدت درد می‌کشیدم، حدود ۱۰ یا ۱۰/۳۰ شب مشرف شدم به حرم کریمه اهل بیت علیهم السلام. سرم را به ضریح مطهر گذاشتم. هم عوامانه گریه کردم و هم عوامانه گلایه کردم. تعبیراتی که آن موقع یادم هست به کار بردم این بود که ما دلمان خوش است که خدمت گزار حوزه شما اهل بیت علیهم السلام هستیم، ولی شما سراغی از ما نمی‌گیرید و ما اگر این مشکلات و ناراحتی‌هایمان را به شما نگوییم، پس به چه کسی بگوییم؟ از این سری تعبیراتی که آدم گاهی خلاصه پیش عزیزانش مطرح می‌کند، مطرح کردم و با چشم‌گریبان از حرم بیرون آمدم و به منزل برگشتم.

در آن ایام نقاهت، روزی یک ساعت به مدیریت حوزه برای رفع مشکلات طلاب سر می‌زدم. ۳ یا ۴ روز این قضیه گذشته بود که یک آقای روحانی آمد و گفت یک کار بسیار ضروری و فوری با شما دارم، به شرط اینکه کسی نباشد، گفتم: الان مهمان دارم، چند تا از ائمه محترم جمعه کشور آنجا آمده بودند. جلسه‌ای داشتیم. ایشان گفت: من صبر می‌کنم. آقایان نزدیک ظهر رفتند. من گفتم: زمینه مساعد است، مطلبی که می‌خواستید، به من بگویید. دیدم ایشان یک نگاهی به من کرد و گفت: شما سه - چهار روز قبل یا سه - چهار شب قبل از حضرت معصومه علیها السلام گلایه کرده‌اید؟ من ناباورانه، با تأمل مختصری گفتم: بله! من از حضرت به خاطر این بیماری که پیدا کردم، گلایه کرده‌ام! حالا چه شده است؟ ایشان در پاسخ گفتند که از من نپرس؛ حالا چه کسی به

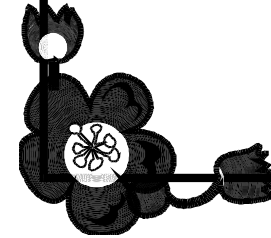
شما گفته؟ همین را بدان که به من گفته‌اند به شما یک پیام بدهم و آن پیام این است که گفتند: به سید هاشم بگویید که از ما گلایه نکند. ایشان خیال می‌کند حوزه را خودش به تنهایی اداره می‌کند، منهای کمک و مساعدت و همراهی ما، ایشان مطمئن باشد که ما در مشکلات به ایشان کمک می‌کنیم و اینکه حوزه را ایشان اداره می‌کند مورد عنایت ماست. یک باره اشکم جاری شد. با خودم گفتم که ما کجا ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام کجا و این همه لطف و توجه آنها کجا! خلاصه از این بنده خدا تشکر کردم و کمی اصرار کردم که این مطلب در خواب به شما گفته شده یا در بیداری؟ ایشان به من گفتند: شما اصرار نکنید پرسید این مطلبی را که گفتم واقعیت داشته یا نداشته؟ گفتم: داشته، گفت: همین بس است. این پیام آنهاست. چه کار دارید که من چگونه فهمیده‌ام!

بالافاصله به حرم مشرف شدم و از محضر حضرت عذر خواهی کردم. گفتم: گلایه و گریه من عوامانه بوده، ولی شما زود پاسخ دادید! همین که قلبم مطمئن شد که مورد توجه شما هستیم، برای ما کافی است. خوشبختانه بیماری ما هم مرتفع شده است و الآن هم توفیق داریم که در خدمت طلاب و حوزه باشیم. این کرامت از چه جنبه مهم بوده است: ۱- حوزه مورد عنایت معصومین علیهم السلام است؛ ۲- خدمت گزاران حوزه مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام هستند؛ ۳- اهل بیت علیهم السلام با تمام وجود مواظبانند؛ هم شکایت‌ها و هم گلایه‌ها را می‌شنوند و هم به موقع پاسخ می‌دهند.^۱

۱. همگام با زائران عارف، ص ۳۶۰.

بخش پنجم:

زیارت، سنتی اسلامی





به زیارت او خواهیم رفت و از هراس‌ها و وحشت‌ها نجاتش خواهیم داد.

زیارت، شرفیابی به محضر اهل بیت علیهم‌السلام و کسب فیوضات و برکات معنوی از ساحت قدسی آنان است.

زیارت، حضوری عارفانه و مشتاقانه در بارگاه پاکان و تشریف به حرم‌های مقدس و نورانی آنان است.

زیارت، دانشگاه انسان‌سازی و معنویت و مکتب خودسازی و معرفت و فرصتی طلایی برای طهارت و پاکی اخلاق و پاکسازی درون است.

از این گذشته، سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم بر زیارت بوده است. چنانچه روایت شده آن حضرت قبر مادرش را زیارت کردند و اشخاص همراه خود را گریاند و آنان را به زیارت قبور سفارش کرد:

زَارَ النَّبِيُّ قَبْرَ أُمِّهِ فَبَكَى وَ أَبْكَى مِنْ حَوْلِهِ... إِسْتَأْذَنْتُ رَبِّي فِى أَنْ أَرْوَرَ قَبْرَهَا، فَأَذِنَ لِي، فَزُورُوا الْقُبُورَ فَانْهَاهَا تَذَكُّرُكُمْ الْمَوْتِ؛^۱ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قبر مادر خود را زیارت نمود و در کنار قبر او گریست و کسانی را که در اطراف او جمع شده بودند گریاند و... فرمود: از خدایم اجازه گرفته‌ام که قبر مادرم را زیارت کنم، شما نیز قبرها را زیارت کنید، چون که زیارت آنان، مرگ را به یاد می‌آورد.

از عایشه هم نقل شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره کیفیت زیارت قبور فرمود: پروردگارم دستور داد که به بقیع بیایم و بر خفتگان در آن، طلب آمرزش کنم.

زیارت، رسمی دیرین و سنتی مطلوب است که از دیرباز میان اغلب اقوام متمدن و همه پیروان ادیان الهی متداول بوده است.

در اسلام نیز همه فرق اسلامی، زیارت را موجب تعالی و عروج انسان می‌دانند؛ چنانکه زیارت قبر حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را از برترین مستحبات می‌دانند. زیارت، نوعی دیدار و یک پیوند روحی است؛ توجه قلبی، اظهار احترام و سلام کردن است.

زیارت، تقرب به خداست. از طرفی رفتن به زیارت، بهره‌های معنوی فراوانی دارد و انسان را در رسیدن به سعادت دنیا و آخرت یاری می‌دهد. دیدار مرقد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام و بزرگان دین و خواندن دعا و زیارت پیش مزارشان، موجب زنده ماندن یاد، اهداف، فرهنگ و تعالیم آن بزرگواران است. زیارت، سفری پر از شور و شوق و سرشار از اخلاق و کشش به سوی برگزیدگان الهی و فرزندان و یادگاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، چرا که فرمودند:

مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي، زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا؛^۱ کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب الحج، ص ۳۳۲، ح ۲۳.

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۵؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۹۵.



عایشه می‌گوید: پرسیدم: ای رسول خدا! چگونه بگویم؟ آن حضرت فرمود: بگو سلام بر اهل این دیار، از مؤمنان و مسلمانان، خداوند، پیشینیان و متأخرین ما را رحمت کند، ما به همین زودی به شما ملحق می‌شویم.^۱

دیدار پیغمبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام و بزرگان علما، چه در حیات و چه در ممات آنها، با رفتن بر سر تربت آنها و نحوه زیارت و برخورد با قبور و تربت آن ذوات مقدس به نام «زیارت‌نامه» مشهور است.

این سخنان (زیارت‌نامه) در کتب محدثین، متکلمین، فقها، علما و بزرگان با عنوان «کتب زیارت» یا «مزار» تدوین شده است تا جایی که مرحوم آقابزرگ تهرانی رحمته‌الله در کتاب «الذریعه» اسامی ۲۷ کتاب «زیارات» و ۵۲ کتاب «مزار» را ثبت کرده است.

بدون شک، اهمیت زیارت از همان زمان حیات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مورد عمل و توجه بوده و از خود آن وجود مقدس احادیثی درباره زیارت خود ایشان و ائمه معصومین علیهم‌السلام و قبور مسلمین رسیده است. پس از آن حضرت نیز امیر المؤمنین علیه‌السلام و ائمه هدی علیهم‌السلام توجه خاصی به زیارت داشته اند و سخنان گرانقدری از آن بزرگواران درباره اهل بیت علیهم‌السلام و جایگاه زیارت آنان به ما رسیده است.

بحث زیارت و احترام به بزرگان و رهبران دین و قبور صالحان و اولیای الهی چنانچه اشاره شد از صدر اسلام مورد توجه بوده و تا قرن یازدهم در این مسئله هیچ اختلافی بین شیعه و اهل سنت وجود نداشته و اعتقاد به این مسئله

۱. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۴؛ سنن نسائی، ج ۳، ص ۷۶.



اختصاصی به شیعه نداشته است، بلکه فریقین کتاب‌ها و رساله‌هایی در این موضوع نگاشته‌اند.

برخی از این آثار به جنبه‌های نقلی مسئله پرداخته و آداب زیارت و کیفیت آن را با استناد به احادیث و آثار بیان کرده اند و برخی هم به بحث‌های عقلی آن پرداخته و فیلسوفانه آن را تجزیه و تحلیل کرده‌اند.

زیارت در منابع و نگاه اهل سنت

اهل سنت در منابع روایی و تاریخی، موارد زیادی از زیارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اصحاب و علما را ذکر کرده‌اند؛ از جمله ترمذی نقل می‌کند: وقتی برادر عایشه (عبدالرحمن بن ابی بکر) درگذشت، جنازه او را به مکه برده، در آنجا به خاک سپردند. وقتی خواهر وی عایشه از مدینه به مکه آمد، به زیارت قبر برادر رفت و در کنار خاکش دو بیت شعر در سوگ او سرود و سخنانی گفت.^۱

روایات متعددی آمده که دختر گرامی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام هر جمعه به زیارت قبر عموی خود حمزه می‌رفت و در آنجا اقامه نماز می‌کرد و گریه می‌نمود.

«کانت فاطمة - رضی الله عنها - تزور قبر عمها حمزة كل جمعة
فصلى و تبكى عنده».^۲

۱. صحیح ترمذی، ج ۴، ص ۲۷۵.

۲. سنن ابوداود، ج ۲، ص ۱۹۶؛ نیشابوری، مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۷؛ سنن بیهقی، ج ۴، ص ۷۸۸.

این روایت به صورتی دیگر هم نقل شده است:

«كانت فاطمة بنت رسول الله ﷺ تزور قبر حمزة بن عبدالمطلب كلَّ جمعة و علمته بصخرة؛^۱ فاطمه دختر رسول خدا ﷺ در هر جمعه ای قبر حمزه را زیارت می نمود و آن را با سنگی علامت نهاده بود.»

متقی هندی هم روایت کرده که شخصی نزد رسول خدا ﷺ آمد و از قساوت دل شکایت کرد، حضرت فرمود: «به قبرستان برو و از قیامت عبرت بگیر.»^۲

همچنین غزالی از پیامبر اکرم ﷺ نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«مَنْ زارني بعد وفاتي فكأنما زارني في حياتي؛^۳ هر کس بعد از وفاتم مرا زیارت کند گویا در زمان حیاتم مرا زیارت کرده است.»
غزالی در ادامه می گوید:

یکی از آداب حج آن است که به مدینه و زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ برود و این زیارت نامه را بخواند. (منظور از زیارت نامه پیامبر ﷺ این عبارات است: السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا نبي الله، السلام عليك يا امين الله،...)^۴

۱. الجامع لاحكام القرآن، ج ۱۰، ص ۳۸۱.
۲. كنز العمال، ج ۱۰، ص ۷۶۲، ح ۴۲۹۹۹.
۳. احياء العلوم، ج ۱، ص ۸۱.
۴. همان، صص ۸۲-۸۴.

زحیلی هم می گوید:

«مسلمانان و پادشاه آنان تصمیم گرفتند که بر در غار اصحاب کهف مسجدی ساخته تا آنکه مسلمانان در آن نماز خوانده، به آن مکان تبرک جویند.»^۱

و نیز می گوید:

«ينتفع الانسان بصحبة الاخير و مخالطة الصلحاء و الاولياء؛^۲ انسان از همراهی نیکان و معاشرت با افراد صالح و اولیای خدا بهره می گیرد.»
فخر رازی امام المشککین در فصل چهارم رساله «زيارة القبور» می گوید:^۳

فایده‌های زیارت قبور

اول، هرگاه انسان قبری را ببیند به یاد احوال میت افتاده، می فهمد که آن شخص قبلاً در غرور دنیا بوده، سپس مرده است و سعادت او باقی مانده و لذت‌هایش از بین رفته است و می داند که حال او نیز چنین خواهد شد و همین مانع از محبت و گرایش به دنیا می گردد.

دوم، همانا انسان می بیند هر که عالم و زاهد بوده، مردم به زیارت او رغبت دارند، گویی که اصلاً نمرده است، اما کسی که مالک تمام دنیا بوده هرگاه

۱. التفسیر المنیر، ج ۱۵، ص ۲۲۶.
۲. همان.
۳. ابوالفضل محمد بن عمر فخرالدین رازی (۵۴۳-۶۰۶) حدود ۲۰۰ جلد کتاب تألیف کرده و رساله مذکور را به تقاضای سلطان محمد غیاث‌الدین بن سام نوشته است.



بمیرد کسی او را زیارت نمی‌کند، به طوری که گویا اصلاً در دنیا نبوده است. پس می‌فهمد که رغبت در دین، موجب قرب حتی در زندگی دنیاست تا چه رسد به آخرت! و نیز وقتی کار دنیا موجب دوری در زندگی دنیاست، پس در آخرت چگونه خواهد بود؟

به همین جهت، انسان در طلب دین و روی گردانی از دنیا رغبت پیدا می‌کند و عمل کنندگان بر مثل چنین چیزی عمل کنند.^۱ احترام به تربت و ضریح و مراقد انبیا و امامان علیهم‌السلام و اولیا، امری فطری است و هر کس آن را انکار کند، مکایره با عقل کرده است.

مورخ ارجمند و دانشمند معاصر حجت الاسلام و المسلمین مرحوم علی دوانی رحمته‌الله فرمود: ملاقات با شیخ عبدالعزیز داغستانی، امام الحرم مدینه منوره را فراموش نمی‌کنم که آیت الله مکارم شیرازی به وی گفت: ما در تاریخ دیده‌ایم که وقتی ابوهریره بعد از وفات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد مدینه شد، رفت و دو گنبد کوچک روی دسته‌های منبر پیغمبر را بوسید. اگر این درست است، پس چرا شرطه‌های (امروزی) این قدر مردم را که می‌خواهند ضریح پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ببوسند اذیت می‌کنند؟ شیخ عبدالعزیز گفت: «هوؤلاء جهال؛ اینها نادان هستند.»^۲

۱. فلسفه زیارت (شرح و تحقیق زیارت القبور فخر رازی)، احمد عابدی، ص ۲۸.

۲. ر.ک: همگام با زائران عارف، ص ۳۸۷.



زیارت در نظم شعرای اهل سنت

عبدالرحمن جامی، شاعر بزرگ و عارف معروف اهل سنت و حنفی مذهب است. وی متوفای ۸۹۸ هجری قمری است و قبل یا بعد از سفر حج چون به یاد زیارت مرقد منور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌افتد، شور و شوقش را به آستان ملک پاسبان آن حضرت، ضمن قصیده‌ای ابراز می‌دارد که مطلع و مختتم آن بدین گونه است:

لی حییب عربی مدنی قرشی

که بود درد غمش مایه شادی و خوشی

گر چه صد مرحله دور است ز پیش نظرم

وجهه فی نظری کلّ غداة و عشی

و چون بعد از سفر حج به زیارت مولای متقیان علی علیه‌السلام مشرف می‌شود، این قصیده نغز را در همان نجف اشرف می‌سراید:

اصبحت زائراً لک یا شحنة النجف

بهر نثار مرقد تو نقد جان به کف

تو قبله دعایی و اهل نیاز را

روی امید سوی تو باشد ز هر طرف

می‌بوسم آستانه قصیر جلال تو

در دیده اشک عذر ز تقصیر ما سلف

گر پرده‌های چشم مُرّصع به گوهرم

فرش حریم قبر تو گردد زهی شرف



خوشحالم از تلاقی خدّام روضه‌ات
 باشد کنم تلافی عمری که شد تلف
 رو کرده‌ام ز جمله اکناف سوی تو
 تا گریم ز حادثه دهر در کنف؟
 دارم توقع اینکه مثال رجای من
 یابد ز کلک فضل تو توقع لا تخف
 مه بی کلف ندیده کسی وین عجب که هست
 خورشیدوار ماه جمال تو بی کلف
 بر روی عارفان ز تو مفتوح گشته است
 ابواب کنت کنز به مفتاح من عَرَف
 جز گوهر ولای تو را پرورش نداد
 هر کس که با صفای درون زاد چون صدف
 خصم تو سوخت در تب تبّت چو بولهب
 نادیده از زبانه قهرت هنوز تف؟
 نسبت کنندگان کف جود تو را به بحر
 از بحر جود تو شناسد غیر کف
 رفت از جهان کسی که نه پی بر پی تو رفت
 لب بر نفیر یا اسفا، دل پر از اسف
 اوصاف آدمی نبود در مخالفت
 سرّ پدر که یافت ز فرزند ناخلف



زان پایه برتری تو که کنه کمال تو
 داند شدن سهام خیالات را هدف
 ناجنس را چه حد که زند لاف حبّ تو
 او را بود به جانب موهوم خود شعف
 جنسیت است عشق و موالات را سبب
 حاشا که جنس گوهر رخشان بود خَرْف
 مشکل بود ز خوان نوالت نواله یاب
 خر سیرتی که دیده بر آبست یا علف
 بر کشف سرّ لو کُشِف آن را کجاست دست
 کز پوست پا برون نهاده‌ست چون کشف
 جامی ز آستان تو کانجا پی سجود
 هر صبح و شام اهل صفا می کشند صف
 گردی به دیده رُفت و به جیب صفا نهفت
 اهدی الی احبّة اشرف التّحرف؟

جامی چون در همان سفر حج به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شد، چنین سرود:

کردم ز دیده پای سوی مشهد حسین	هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین
خدّام مرقدش به سرم گر نهند پای	حقا که بگذرد سرم از فرق فرقدین
کعبه به گرد روضه او می کند طواف	رکبُ الحجج این تر و خون این آئین
از قاف تا به قاف پرست از کرامتش	آن به که حيله جوی کند ترک شید و شین



آن را که بر عذار بود جعد مشکبار
 از موی مستعار چه حاجت به زین
 جامی گدای حضرت او باش تا شود
 با راحت وصال مبدل عذاب بین
 میران ز دیده سیل که در مشرب کریم
 باشد قضای حاجت سایل ادای دین

جامی که در شهر خود هرات می‌زیسته، وقتی به زیارت حضرت امام
 رضا علیه السلام می‌آید، چون به روضه حضرت می‌رسد، امام بر حق و روضه منور او
 را این چنین وصف می‌کند:

سلام علی آل طه و یاسین
 سلام علی روضه حل فیها
 امام به حق شاه مطلق که آمد
 امام به حق شاه مطلق که آمد
 شه کاخ عرفان، گل شاخ احسان
 گل شاخ احسان
 علی بن موسی الرضا کز خدایش
 علی بن موسی الرضا کز خدایش
 ز فضل و شرف بینی او را جهانی
 ز فضل و شرف بینی او را جهانی
 پی عطر رو بند حوران جنت
 پی عطر رو بند حوران جنت
 اگر خواهی آری به کف دامن او
 اگر خواهی آری به کف دامن او
 چو جامی چشد لذت تیغ مهرش
 چو جامی چشد لذت تیغ مهرش

خالد نقشبندی

خالد نقشبندی از دانشمندان شافعی کُرد و اهل سلیمانیه عراق و از مشایخ
 بزرگ صوفیه نقشبندی است که در سال ۱۲۴۲ ق در دمشق وفات یافت. وی



هنگامی که به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف می‌شود، بر اثر شور و شوقی که از
 آن زیارت داشته، قصیده‌ای نغز می‌گوید که آن را در اینجا می‌آوریم:

این بارگاه کیست که از عرش برتر است

وز نور گنبدش همه عالم منور است
 از شرم شمه‌های زرش کعبتین شمس

در تخته نرد چرخ چهارم بششدر است
 وز انعکاس صورت گل آتشین او

بر سنگ جای لغزش پای سمندر است
 بهر نگاهبانی کفش مسافران

بر درگهش هزار چو خاقان و قیصر است
 این بارگاه قافله سالار اولیاست

این خوابگاه نور دو چشم پیمبر است
 این جای حضرتی است که از شرق تا به غرب

وز قاف تا به قاف جهان سایه گستر است
 این روضه (رضاست) که فرزند کاظم است

سیراب نوگلی ز گلستان جعفر است
 سرو سهی ز گلشن سلطان اولیاست

نویاوه حدیقه زهرا و حیدر است
 مرغ خرد به کاخ کمالش نمی‌پرد

بر کعبه کی مجال عبور کبوتر است



تا همچو جان زمین تن پاکش به بر گرفت

او را هزار فخر بر این چرخ اخضر است

خورشید کسب نور کند از جمال او

آری جزا موافق احسان مقرر است

بتوان شنید بوی محمد ﷺ ز تربتش

مشتق بلی دلیل به معنای مصدر است

زوار بر حریم وی آهسته پا نهند

کز خیل قدسیان همه فرشش ز شهپر است

شاهها ستایش تو به عقل و زبان من

کی می توان که فضل تو از عقل برتر است

اوصاف چون تو پادشهی از من گدا

صیقل زدن بر آینه مهر انور است

جانا به شاه مسند لولا و کز شرف

بر تارک شهان اولوالعزم افسر است

و آن گه به حق آنکه بر اوراق روزگار

بابی ز دفتر هنرش باب خیبر است

دیگر به نور عصمت آن کس که نام او

قفل زبان و حیرت عقل هنرور است

دیگر به سوز سینه آن زهر داده‌ای

کز ماتمش هنوز دو چشم جهان تر است



دیگر به خون ناحق سلطان کربلا

کز وی کنار چرخ به خونابه احمر است

وانگه به حق آنکه ز بحر مناقبش

انشاء بوفراس ز یک قطره کمتر است

دیگر به روح اقدس باقر که قلب او

مر مخزن جواهر اسرار را در است

وانگه به نور باطن جعفر که سینه‌اش

بحر لباب از در عرفان داور است

دیگر به حق موسی کاظم که بعد از او

بر زمره اعظام و اشراف سرور است

آن گه به قرص طلعت تو کز اشعه‌اش

شرمنده ماه چهارده و شمس خاور است

دیگر به نیکی تقی و پاکی نقی

آن گه به عسکری که همه جسم و جوهر است

دیگر به عدل پادشهی کز عدالتش

با بره شیر شربه بسی به ز مادر است

بر «خالد» آر رحم که پیوسته همچو بید

لرزان ز بیم زمزمه روز محشر است

تو پادشاه دادگری این گدای زار

مغلوب دیو سرکش و نفس ستمگر است



نا اهلّم و سزای نوازش نیام ولی

نا اهل و اهل پیش کریان برابر است

جلال الدین محمد دوانی

جلال الدین محمد دوانی فیلسوف و متکلم نامی سده نهم هجری، متوفای ۹۰۸ هجری است که نسبش به محمد بن ابی بکر می‌رسد، و به همین جهت، لقبش «صدیقی» و تا اواخر عمر سنی شافعی بوده و مذهب اشعری داشته است. او در سفری که به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شرفیاب می‌شود، از کثرت شوقی که به آن زیارت داشته، در حرم مطهر حضرت ایستاد و رساله «زوراء» را که متنی مختصر و فلسفی - کلامی است، نوشت. همچنین خطاب به آن باب مدینه علم پیغمبر قصاید و رباعیاتی می‌سراید که از جمله آنهاست:

روی بنما که جهان ظلمت انکار گرفت

صیقلی زن که مرا آینه زنگار گرفت

تویی آن شاه که از کوژه حسنّت خیلی

ملک جان و دل و دین جمله به یکبار گرفت

آفتاب ازل از مشرق رویت چو دمید

همه ذرات جهان لمعه انوار گرفت

صدق دعوی تو از نور جبینت پیدا است

منکر از کور دلی شیوه انکار گرفت

چون دوانی نخورد دُرد غم از کاسه چرخ

هر که جامی ز کف ساقی ابرار گرفت



رو رخت طلب به ساقی کوثر کش وز کوثر کثرت می وحدت در کش

لا یضمّاً اصلاً ابداً شارها رمزی است در این می ار توانی درکش

در ملک حقیقت است آن شاه مدار دست طلب از دامن آن شاه مدار!

او باب مدینه علوم است درای زان در که رسی زود به مسندگه یار!

ای قبله ارباب وفا برویت وی نور دو چشم عاشقان از رویت

هر سو دل گمراه به پهلو گردد تا آخر کار آورد دل سویت

قاضی میر حسین مبدی

او شاگرد جلال الدین دوانی بود و در سال ۹۰۹ هجری از دنیا رفت. وی در اشتیاق به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قصیده نابی دارد که چند بیت آن چنین است:

بس که تابد مهر حیدر هر دم از سیهای من

آسمان را سرفرازی باشد از بالای من

چون سخن گویم ز معراجش که آن دوش نبی است

پای در دامن کشد فکر فلک پیهای من

خاک راهش در دو چشم من به جای سر مه است

نیک دیدم، آفرین بر دیده بینای من

ای صبا در گردنت خاکم به سر سوی نجف

بعد مردن چون فرو ریزد به هم اعضای من^۱

در یک کلام، زیارت و توسل نشانه معرفت و عشق به کسی است که او را زیارت می‌کنیم. شخص زائر و حاجتمند برای کسی که به زیارتش می‌رود و به وسیله او از خدا حاجت طلب می‌کند، این را می‌داند که در هر اوضاع و شرایطی به زیارت او می‌رود و همواره از وی التماس دعا دارد. اینها همه نشانه عشق و اخلاص و ارادت است و اختصاص به ما مسلمانان و شیعیان ندارد. غیر از فرقه افراطی وهابی، همه پیروان ادیان و مذاهب و کیش‌هایی که حتی جنبه الهی ندارند، به این مسئله معتقدند و به آن دل می‌بندند.

نوشته‌اند که وقتی مرقد منور امام حسین علیه السلام را بارها به امر متوکل عباسی خراب کردند، مرد عربی به زیارت آمد و چون دید که مرقد منور را خراب کرده‌اند، از هر نقطه بیابان کفی خاک برداشت و بو کرد تا اینکه به موضع تربت پاک آن وجود مقدس رسید و پس از بوییدن آن، گفت: به خدا بوی عطر می‌دهد و مرقد مطهر همین جاست. همین امر نیز باعث شد که دیگر متعرض آن تربت پاک نشدند، و بار دیگر قبه و بارگاه سالار شهیدان را تجدید بنا کردند.^۲

۱. کلیه اشعار را ر.ک به همگام با زائران عارف، صص ۳۸۹-۳۹۷.

۲. همگام با زائران عارف، ص ۳۹۷.

زیارت، ابتغای وسیله نزد خداوند متعال

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید).

در این آیه شریفه برای رستگاری سه دستور بیان شده است:

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا و پرهیزکاری پیشه کنید.

۲. وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید.

۳. در راه خدا جهاد کنید.

آنچه از آیه شریفه محل بحث ماست دستور دوم است؛ یعنی:

﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾

«وسيله» در اصل به معنای تقرب جستن یا چیزی است که موجب تقرب به دیگری از روی رغبت و علاقه گردد.

دستور دوم، ذکر خاص بعد از عام است، و تقوا عام است و جامع همه اقسام اعمال از واجب و مستحب و ترک حرام و مکروه است و گرفتن وسیله، یعنی رسیدن به هدف والا و اتخاذ وسیله، یعنی اتخاذ چیزی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند.

۱. سوره مائده، آیه ۳۵.



پس وسیله به معنای تقرب جستن برای وصول به تقواست و کسی که درصدد ابتغای وسیله باشد، در پی تحصیل تقواست.

واژه وسیله در آیه شریفه، دارای معنای وسیعی است و مصادیق مختلفی دارد و هر کار و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به پیشگاه ذات اقدس الهی می شود شامل است که مهم ترین آنها ایمان به خدا، اظهار به عبودیت و اقرار به گناه و ایمان به پیامبر ﷺ، جهاد در راه خدا، اقامه نماز، روزه، حج، صله رحم، صدقه آشکار و پنهان است.

علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

إِنَّ أَفْضَلَ مَا تُوَسَّلُ بِهِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ، وَبِرَسُولِهِ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ فَانَّهُ ذُرْوَةُ الْإِسْلَامِ وَكَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَانَّهَا الْفِطْرَةُ...^۱ بهترین چیزی که به وسیله آن می توان به خدا نزدیک شد ایمان به خدا و پیامبر او و جهاد در راه خداست که قله کوهسار اسلام است، و همچنین نماز که آیین اسلام و زکات که فریضه واجب است، و روزه ماه رمضان که سپری در برابر گناه و کیفرهای الهی است، و حج و عمره که فقر و پریشانی را دور می کند و گناهان را می شوید، و صله رحم که ثروت را زیاد و عمر را طولانی می کند؛ انفاق های پنهانی که جبران گناهان می نماید و انفاق آشکار که مرگ های ناگوار و بد را دور می سازد و کارهای نیک که انسان را از سقوط نجات می دهد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.



نکته مهم اینکه من الله بودن وسیله، یک اصل قرآنی است که تصور اثر گذاری غیر خدا را رد می کند:

﴿ وَمَا يَكُم مِّنْ يَّعْمَرَ فَمِنَ اللَّهِ ﴾^۱؛

(آنچه از نعمت‌ها دارید، همه از سوی خداست).

حضرت آیت الله جوادی آملی دام عزه می فرماید:

بر این اساس می توان گفت ابتغای وسیله آنگاه ثمر دارد که همه مواردی که وسیله نامیده شده‌اند، از خدا دانسته شوند؛ یعنی سالک باید بداند مرکب و توشه و راه را خدا بهره او کرده است تا به لقای حق برسد و نباید غیر خدا اعم از خود و دیگری را در فراهم ساختن این امور مؤثر بداند.^۲

به عبارت ساده تر منظور از توسل این نیست که کسی حاجت را از پیامبر ﷺ یا امامان بخواهد، بلکه منظور این است که او در پیشگاه خداوند به مرتبه و مقامی رسیده که به مقام و مرتبه او در پیشگاه خدا می توان توسل جست و این در حقیقت توجه به خداست، نه غیر خدا و طبق دستور صریح قرآن توسل ممکن است و دستور صادر شده است، ولی باید وسیله حقیقی را شناخت تا انحرافی پیش نیاید.

۱. سوره نحل، آیه ۵۳.

۲. تفسیر تسنیم، ج ۲۲، ص ۴۰۶.

ائمه علیهم السلام وسیله خدا

پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

الائمة من ولد الحسين عليه السلام من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصى الله (عزوجل) هم العروة الوثقى و هم الوسيلة الى الله (عزوجل)؛^۱ ائمه از فرزندان (نسل) حسین عليه السلام می باشند، هر که آنها را اطاعت کند یقیناً خدا را اطاعت کرده و هر کسی از فرمان آنان سرکشی کند از خدا سرکشی کرده است و آنها ریسمان محکم (دستگیره مستحکم) و وسیله به سوی خدا می باشند.

پیامبر که امین وحی خداست، ائمه بعد از خود را به ما معرفی می کند و اطاعتشان را اطاعت خدا می داند. بر این اساس هر عقل سلیمی می داند که آن بزرگواران پیش خدا مقام و منزلتی دارند که با تمسک به آنها می توان به خدا نزدیک شد؛ یعنی آنها می توانند وسیله تقرب باشند. از طرفی روشن است که هیچ مسلمانی با زیارت و بوسیدن مضاجع و مقابر و ضرایح شریف، قصدش این نیست که به صاحبان آنها نسبت خدایی بدهد و آنان را عبادت کند تا شرک لازم بیاید، بلکه زیارت، در واقع همان برقرار کردن ارتباط روحی و به وجود آوردن پیوند قلبی و عاطفی با اولیای خداست و این ارتباط، تأثیر فوق العاده سازنده‌ای بر تربیت نفوس انسان‌های با ایمان دارد.

۱. سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۲۳؛ الحویزی، نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۶۳؛ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۴۴.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الزيارة تنبت المودة»؛ زیارت (دیدار) رویاننده محبت و دوستی است. وقتی زیارت می تواند پرورش دهنده دوستی و محبت باشد، یقیناً همان زیارت، انسان را به راه سعادت و کمال معنوی و سرنوشت اخروی رهنمون می کند؛ بلکه انسان به وسیله زیارت، هدایت‌ها و ارشادهای حضوری پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را دریافت می کند؛ چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر کس قبرم را زیارت کند، گویا مرا در زمان حیاتم زیارت کرده و هر کس قبرم را زیارت نکند به من جفا کرده است.»^۲

بر این اساس، مقصود از زیارت، تقرب به پیشگاه باری تعالی و لقاء الله است. فرد زائر با این کار، خود را در حوزه روحانیت و فیض بخشی مزور (معصوم عليه السلام) قرار می دهد تا به این واسطه به توشه معنوی و اخلاقی و تربیتی بر خویش بربندد و حداقل تأثیر آن، یاد مرگ (معاد) و رفتن و عدم بقای آدمی است.

انسان هایی که دارای روح و جانی باصفا و زلال به حکم **﴿سُلْطٰنِ مُّبٰیْنٍ﴾** هستند می توانند از اقطار آسمان‌ها و راه‌های آن گذر کرده، به بصیرت و رشد برسند و از فیض مزور (معصوم عليه السلام) که از طرف خداوند فیاض، نشئت می گیرد بهره‌مند شوند.

محل زیارت معصوم عليه السلام حضور بی کسان با «کس بی کسان» است و

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۵.

۲. علامه امینی، الغدير، ج ۵، ص ۱۰۴.



محلّی است که راه آسمان از اینجا نزدیک تر است و به عرش رسیدن ساده تر. اینجا سوخته دلانی می آیند تا شفاعتی نزد خالق پیدا کنند.

از این گذشته، زیارت به عنوان دیدار محبت آمیز فرزندان پیامبر خدا ﷺ نیز سفارش شده، چون همه ما وظیفه داریم که پیامبر ﷺ و خاندان او را به دستور خداوند سبحان ﴿لَا أَسْأَلُكَ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^۱ تکریم و تعظیم کنیم و زیارت فرزندان و ذریه او را به جا آوریم.

حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی ﷺ می فرماید:

من زارنی أو زار احداً من ذرّیتی، زُرْتُهُ یوم القیامة فانتدّته من اهلها؛^۲ کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به زیارت او خواهیم رفت و او را از هراس های قیامت نجات خواهیم داد.

در این روایت، پیامبر خدا ﷺ زیارت ذریه اش را از ما خواستار شده و نتیجه و پاداش آن را دیدار خودش در قیامت و رهایی از سختی های قیامت بیان فرموده است.

امامزادگان و سادات، یادگاران و نشانه هایی از آن حضرت و اهل بیتش می باشند. پس همان طور که می توان به خود آن حضرت و امامان معصوم ﷺ توسل پیدا کرد، می توان به ذریه و پاره های تن آنان نیز توسل جست.

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۱.



یکی از ذریه های عظیم الشان رسول الله ﷺ، حضرت فاطمه معصومه ﷺ است که به تصریح امام رضا علیه السلام از ذراری پیامبر خدا ﷺ می باشند که در زیارت نامه ایشان می خوانیم: «السلام علیک یا بنت رسول الله»^۱.

حضرت فاطمه معصومه، شفیعه شیعیان، عالمه و محدّثه خاندان وحی و امامت و ولایت، معصومه و مبراً از گناه، طاهره، حمیده، تقیه و نقیه^۲ است و معصومین علیه السلام توجه ویژه و عنایت خاصی به ایشان دارند و جایگاه ممتاز و برتری در بین اهل بیت علیه السلام دارد. عظمت و تعالی روح آن حضرت، آنقدر متعالی است که در بضاعت امثال نگارنده نیست، از این رو برای درک مقام حضرتش دست به دامان روایاتی می شویم که ثواب و پاداش زیارت آن بانوی کریمه را برای ما بیان کرده اند.

روایاتی درباره زیارت حضرت معصومه ﷺ

۱. سعد بن سعد اشعری از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«یا سعد من زارها فله الجنة؛^۳ ای سعد! کسی که او (فاطمه معصومه) را زیارت کند، بهشت برایش خواهد بود.»

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶، زیارت نامه حضرت فاطمه معصومه ﷺ.

۲. انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۸۵، زیارت نامه دوم حضرت.

۳. ثواب الاعمال، ص ۹۸؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۷؛ کامل الزیارات، ص

۳۲۴؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۸، ح ۶۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۶.



۲. روى عن عدّة من اهل الرّی انهم دخلوا على ابى عبدالله عليه السلام و قالوا: نحن اهل الرّی، فقال عليه السلام: مرحبا باخواننا من اهل قم، فقالوا: نحن من اهل الرّی، فاعاد عليه السلام الكلام، قالوا ذلك مراراً، و اجابهم عليه السلام بمثل ما اجاب به اولاً، ثم قال عليه السلام: «إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةُ، وَ اَنْ لِرَسُولِهِ حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ، وَ اِنْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرَمًا وَ هُوَ الْكَوْفَةُ، وَ اِنْ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بَلَدَةُ قَمٍ، وَ سَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ اَوْلَادِي تَسْمَى فَاطِمَةَ، فَمَنْ زَارَهَا وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ!»^۱

روایت شده که گروهی از اهل ری خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند (وارد شدند) و گفتند: ما اهل ری هستیم. حضرت فرمودند: مرحبا (خوشا به حال) برادران ما از اهل قم، گفتند: ما اهل ری هستیم، حضرت دوباره جمله اول را تکرار فرمود. آنها چندین مرتبه کلام خود را تکرار کردند و امام علیه السلام جواب آنها را مثل بار اول دادند. سپس فرمود: همانا برای خدا حرمی است و آن مکه است، و برای رسول خدا ﷺ حرمی است و آن مدینه است، و برای امیر المؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است، و برای ما (اهل بیت علیهم السلام) حرمی است و آن شهر قم است. به زودی در آنجا زنی (دختری) از اولاد من به نام فاطمه دفن می‌شود. پس هر کس او (فاطمه) را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود. (یعنی اینکه سزاوار بهشت است).

۱. بحار الانوار، ج ۶، صص ۲۱۶-۲۱۷، ح ۴۱.



۳. عن ابن الرضا عليه السلام قال: «مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقَمٍ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۱؛ امام جواد عليه السلام فرمود: کسی که قبر عمه ام (فاطمه معصومه علیها السلام) را در قم زیارت کند، بهشت برای اوست.

۴. عن علی بن موسی الرضا عليه السلام قال: «نعم من زارها عارفاً بحقها فله الجنة»^۲؛ سعد اشعری قمی می‌گوید: در محضر امام رضا علیه السلام بودم، امام علیه السلام به من فرمود: ای سعد برای ما در نزد شما (در قم) قبری وجود دارد. سعد می‌گوید عرض کردم فدایت گردم، آیا مقصود شما قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهما السلام است؟ امام رضا علیه السلام فرمود: بله، کسی که با معرفت به او، وی را زیارت کند، بهشت برای اوست.

۵. عن ابی عبدالله عليه السلام قال: «اَنَّ زِيَارَتَهَا تَعْدِلُ الْجَنَّةَ»^۳؛ از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: همانا زیارت قبر (فاطمه معصومه علیها السلام) معادل و برابر بهشت است.

جناب عباسقلی خان سپهر، مورخ شهیر در ضمن بیان دوران زندگانی امام موسی کاظم علیه السلام وقتی به بیان شرح حال دختران آن حضرت می‌رسد در بحث فضائل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و قم مطالبی را بیان می‌کند و روایتی را نقل می‌کند که در هیچ یک از منابع حدیثی شیعه، بلکه در دیگر منابع نیز نقل

۱. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.

۳. تاریخ قم (چاپ آستان مقدس)، ص ۳۱۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۷.



نشده است. ایشان سند و مدرکی را نیز بیان نکرده‌اند و آن را به امام رضا علیه السلام نسبت داده که حضرت فرمودند:

«من زار المعصومة بقم کمن زارنی؛^۱ هر کس معصومه را در قم زیارت کند مانند این است که مرا زیارت کرده است.»

نگاهی به مضمون احادیث

در بعضی از احادیث آمده است که زائر باید مزور را بشناسد و جایگاه او را در نزد خدا بداند، در این صورت، خدای متعال هم در مقابل زحمت او، بهشت را برایش تضمین می‌کند یا اینکه زیارتش معادل بهشتی شدن می‌گردد.

نکته بسیار مهم در زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام درک مقام و عظمت آن حضرت و علم به شأن و بزرگی اوست. جمله «عارفاً بحقها» یعنی اینکه مقام ایشان از مقام معصوم علیه السلام پایین‌تر و از دیگران بالاتر است.

علاوه بر این، جمله «عارفاً بحقها» جمله حالیه است؛ یعنی زیارت‌کننده، در این حال با این وصف، یعنی با صفت عرفان به حضرت و عارف و آشنای به حق او، ایشان را زیارت کند. در این صورت، عبارت «وجبت له الجنة» جزای جمله شرطیه «من زارها عارفاً بحقها» خواهد بود، پس جزا مترتب است بر زیارت با عرفان؛ آن هم عرفان به شأن، جایگاه، مقام، عظمت، معرفت، عبودیت و ولایت‌پذیری.

۱. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۳۳۷.



آن بانوی کریمه، دختر امام، خواهر امام و عمه امام علیه السلام است. او دارای سیمای بلندی است که عقل ما انسان‌ها به سادگی به افق آسمانی و بلند او نمی‌رسد و به همین جهت است که حرمش حرم اهل بیت علیهم السلام است؛ یعنی مرکز پخش علوم قرآنی و علوم اسلامی است و علم از اینجا به سایر جاه‌ها منتشر می‌گردد. حرمش حرم اهل بیت علیهم السلام است، یعنی محیط مقدسی است که ورود اغیار ممنوع است و به این جهت، قداست خاصی دارد. زیرا ناموس خدا و ناموس ائمه اطهار علیهم السلام در اینجا جای گرفته است. آن حضرت قدیسه عالم و سر تا پای او قداست است و از اینجاست که جایگاهش حرم خوانده می‌شود. حضرت معصومه علیها السلام مبلغ فرهنگ اصیل اهل بیت است که جد بزرگوارش امام صادق علیه السلام فرمود:

خدا حرمی دارد و آن مکه است، و رسول خدا حرمی دارد و آن مدینه است، و امیرالمؤمنین حرمی دارد و آن کوفه است، و این لنا حرمماً و هو بلدة قم؛ ما خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله (بازده امام) حرمی داریم و آن شهر قم است.

و همچنین می‌فرمایند:

و ستدفن فیها امرأة من اولادی تسمى فاطمه فمن زارها وجبت له الجنة؛ بانویی از دختران من به نام فاطمه در آنجا دفن می‌شود و کسی که او را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.



از این روایت کاملاً استفاده می‌شود که حرم بودن این مکان مقدس و این شهر پرقداست به برکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که به اینجا آمده‌اند. نشستن در حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یکی از نعمت‌های بهشتی است که خداوند به ما عنایت فرموده و خدمت در آن نیز افتخار و عنایت الهی است و همیشه باید شکرگزار خداوند باشیم و از او بخواهیم:

«اللهم انی استلک ان تختم لی بالسعادة فلا تسلب منی ما انا فیه؛ خدایا این نعمت بهشتی و خدمت جاودانگی را از ما سلب نگردان»

در حین زیارت صاحب‌خانه‌مان که محل شست‌وشوی جان در «زلزال محبت» و «غبارروبی دل با نسیم ولایت» است باید نشان «معرفت» را کسب کرد. باید بدانیم آنچه مایه کمال زیارت می‌گردد، معرفت و شناخت مقام و موقعیت مزور است، نه اعمالی بی‌روح و همراه با غفلت، همانند بوسیدن صرف و ناآگاهانه ضریح و شبکه‌های فولاد یا در و دیوار، گردش کورکورانه در اطراف ضریح و تماشای آثار هنری، چرا که این اعمال به سیاحت، بیشتر شباهت دارد تا زیارت.

در واقع اجر و پاداش و ثواب اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترتب است؛ زیارتی که منشأ تحول در زائر باشد و او را به یقین برساند که فرقی بین حیات و ممات این ذوات مقدس وجود ندارد. آری، این است معنای حقیقی «فلا تسلب منی ما انا فیه».

آداب سفر زیارت

کسی که می‌خواهد به دیدار حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برود، باید خویشتن را مهیا کند و آداب ظاهری و باطنی را مراعات نماید؛ از جمله اینکه



لباس نظیف و پاک بپوشد، خود را خوشبو کند و قدم‌ها را کوچک بردارد؛ وقتی بر در حرم ملکوتی رسید، بایستد و از خداوند سبحان، ملائکه الهی، انبیا و اولیا و فاطمه معصومه علیها السلام اذن دخول بگیرد؛ آنگاه با تواضع، ادب و حضور قلب به داخل حرم مشرف شود. اینها آداب ظاهری زیارت است، ولی برای به جا آوردن یک زیارت بامعرفت و مقبول و دارای اثر معنوی چه باید کرد؟ در جواب این سؤال باید گفت که برای تحقق زیارت به معنای واقعی و حقیقی، باید آدابی را جست و آنها را مراعات کرد.

بخشی از این آداب، قبل از زیارت آغاز می‌شود و تا پس از زیارت نیز ادامه دارد. برخی از آداب، ظاهری و مربوط به اعمال زائر است و برخی هم باطنی و مربوط به باطن زائر و انسان است.

۱. آداب ظاهری زیارت

الف) اعلام مسافرت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

حَقُّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ وَ...^۱ بر مسلمان لازم است هنگامی که می‌خواهد به سفر برود برادران مسلمانش را آگاه سازد، و بر برادران دینی او وظیفه است که به هنگام برگشتن برادر دینی‌شان به استقبال او بروند.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۴.

ب) داشتن همسفر خوب

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

«الرَّفِيقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ»^۱ همسفر خوب (مناسب) انتخاب کن آنگاه اقدام به سفر نما.»

در روایت دیگری نیز می‌فرمایند:

«به تنهایی (بدون رفیق و همسفر) سفر نکن که شرّ و خطر شیطان، تنها سفر رفته را همراهی کند (یعنی در کمین او باشد) در حالی که چنین شرّ و خطری از دو مسافر همراه هم، بسیار دور است»^۲.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

«قبل از انتخاب راه و مسیر، از خوب بودن رفیق و همسفر خود تحقیق و پرس و جو کن»^۳.

ج) غسل و خواندن برخی ادعیه

از جمله می‌توان این دعا را قرائت کرد:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ الصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ بِهِ

۱. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۶۷.

۲. همان، ص ۲۲۸.

۳. همان، ص ۲۲۹.

صَدْرِي وَ نَوَّرَ بِهِ قَبْرِي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهُورًا وَ حِرْزًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ سُوءٍ مِمَّا أَخَافُ وَ أَخْذَرُ وَ طَهَّرْ قَلْبِي وَ جَوَارِحِي وَ عِظَامِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ مَخِي وَ عَصْبِي وَ مَا أَقْلَتِ الْأَرْضُ مِنِّْي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شَاهِدًا يَوْمَ حَاجَتِي وَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱

با نام خدا و مدد خدا، و هیچ نیروی و قدرتی جز به مدد الهی وجود ندارد، و بر آیین رسول خدا ﷺ و سخنگویان و راستگویان خدا، درود خداوند بر تمامی آنها باد، خدایا با این غسل دلم را پاک و سینه‌ام را گشاده ساز و قلبم را نورانی کن. خداوندا، این غسل را مایه نورانیت و پاکی و محفوظ ماندن و سبب شفای من از هر درد و بیماری و آفت و بدیی که از آن هراس دارم و می‌پرهیزم قرار ده، و قلب و اعضا و استخوان‌ها و خون و مو و پوست و مغز و اعصابم و آنچه را که زمین از من می‌کاهد با این غسل پاک گردان. خدایا در روز نیازمندی و تهیدستی و بی‌چیزی‌ام در پیشگاه تو، این غسل را شاهدهی به سود من قرار ده، ای پروردگار جهانیان که تو بر هر چیز توانایی.

د) همراه داشتن تربت امام حسین علیه السلام

مقداری از تربت امام حسین علیه السلام را با خود بردارد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ طِينَةٌ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَ لِيَّكَ وَ ابْنِ لِيَّكَ أَخَذْتُهَا حِرْزًا لِمَا

۱. همان، ج ۹۸، ص ۲۵۸؛ الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۳۳.



أَخَافُ وَمَا لَأَخَافُ! خدایا این خاک قبر حسین است که ولی و فرزند ولی توست، آن را برگرفتم تا از آنچه می ترسم و نمی ترسم پناهم باشد».

هـ) آغاز نمودن سفر با صدقه

در روایتی آمده است:

«أَفْتَحْ سَفْرَكَ بِالصَّدَقَةِ وَ أَخْرِجْ إِذَا بَدَأَ لَكَ فَإِنَّكَ تَشْتَرِي سَلَامَةً»^۲ سفر خود را با صدقه آغاز کن، آنگاه هر زمان که خواستی سفر کن، چون با صدقه سلامتی خود را تضمین نموده‌ای».

و این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَ سَلَامَةَ سَفَرِي وَ مَا مَعِيَ فَسَلِّمْهُنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ»^۳ بارالها من با این صدقه، سلامتی سفرم و هر چه را با خود دارم خریدم، خدایا مرا و آنچه را به همراه دارم حفظ کن و مرا و آنچه را به همراه دارم به سلامت بدار و مرا و آنچه را همراه دارم به زیبایی خودت به مقصد برسان».

و) دعا و ذکر هنگام سوار شدن به وسیله نقلیه

امام صادق علیه السلام همیشه هنگام سوار شدن به مرکب می فرمود:

۱. کامل الزیارات، ص ۲۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰۳.

۳. همان، ج ۹۷، ص ۱۰۷.



«منزه است خدایی که این مرکب را مسخر ما قرار داد. نمی توانستیم به آن نزدیک شویم. بعد از آن، حضرت هفت مرتبه «سبحان الله» و هفت مرتبه «الحمد لله» و هفت مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می گفت.»^۱ همچنین خواندن این آیه شریفه سفارش شده است:

«سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ»^۲

(پاک و منزه است کسی که این را مسخر ما ساخت، و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم).

ز) آداب دیگر

انگشتر عقیق، خصوصاً با نگین زرد رنگ یا فیروزه بر دست کردن. خواندن یازده مرتبه سوره توحید و سوره قدر و آیت الکرسی و سوره های فلق و ناس و دست کشیدن بر تمامی بدن پس از آن.

۲. آداب معنوی زیارت

الف) قصد قربت و اخلاص

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید:

زُورُوا فِي اللَّهِ وَ جَالِسُوا فِي اللَّهِ وَ اعطُوا فِي اللَّهِ وَ اَمْنَعُوا فِي اللَّهِ، زایلوا

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. سوره زخرف، آیه ۱۳.



اعداء الله و واصلوا اولياء الله؛^۱ برای خدا زیارت کنید، برای خدا همشینی کنید، برای خدا ببخشید و برای خدا منع کنید، از دشمنان خدا بپسندید و با دوستان خدا پیوند زنید.

صادق آل محمد علیهم السلام نیز می‌فرماید:

تزاوروا فان فی زیارتکم احیاء لقلوبکم، و ذکراً لاحادیثنا و...^۲ به زیارت یکدیگر بروید همانا به خاطر زیارت (و دیدار) دل‌هایتان زنده می‌شود و احادیث ما یاد می‌شود و احادیث ما شما را به هم مهربان می‌کند. اگر به آنها عمل کنید کمال و نجات می‌یابید، و اگر رهایشان کنید، گمراه و هلاک می‌شوید. پس به احادیث ما عمل کنید که در این صورت من ضامن نجات شما هستم.

در واقع زیارت، برای کنار گذاشتن ریا و شرک است. زیارت، برای معرفت است و احساس نیاز، نه برای عنوان حاجی، کربلایی و مشهدی و نه بازار خودفروشی و عجب و سوءاستفاده، بلکه در این بازار باید تأمل کرد و آن تحفه را از هرگونه ریا و تکبر و خودنمایی، خودپرستی، علم کردن و قصد غیر، خالص نمود و برای جلب رضای حق حضور پیدا کرد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در باب اخلاص احادیث فراوانی دارند؛ از جمله می‌فرمایند:

۱. «الإخلاصَ غَايَةَ الدِّينِ؛^۳ اخلاص، غایت و هدف دین است.»

۱. غررالحکم، ص ۲۷۵، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم، ج ۴، ص ۱۱۳.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۶، ح ۲.

۳. غررالحکم، ص ۱۹.



۲. اخلاص، عبادت مقربان است.^۱

۳. اخلاص، اساس و ملاک عبادت است.^۲

۴. اخلاص، اوج ایمان است.^۳

۵. خالص گردانیدن عمل، سخت تر از خود عمل است و پاک کردن نیت از

فساد و ناخالصی برای عمل کنندگان، از جهاد طولانی، دشوارتر است.^۴

اگر زیارت با اخلاص باشد، اگرچه کم و اندک، ولی بسیار ارزشمند خواهد بود؛ همچنان که در کتاب شریف کافی در خطاب خداوند تبارک و تعالی با حضرت موسی آمده:

«ای موسی هر کاری که برای من انجام شود، اندکش زیاد است و آنچه برای غیر من انجام شود، زیادش هم اندک است.»^۵

از طرفی زیارت اگر با نیت ناخالص همراه باشد، ما را از رسیدن به ثواب و آرزوها و گرفتن برکت‌ها محروم می‌کند. اگر خدا به بنده‌ای خیر دنیا و آخرت بدهد، به او دو چیز می‌دهد: یکی اخلاص و دیگری نیت پاک.

پس اگر کسی خالصانه، با دلی پاک و بی غل و غش به سوی حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قدم بگذارد، زائر و میهمان دلدار اوست. البته انتخاب

۱. همان، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۵۱.

۴. اصول کافی، ج ۸، ص ۲۴.

۵. اصول کافی، ج ۸، ص ۴۶؛ تحف العقول، ص ۴۹۳.

حاجت خاص، مانند حل مشکلات دنیوی و جسمی و گرفتن حاجات، منافاتی با اخلاص ندارد.

ب) صداقت

امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«به هر کس چهار چیز داده شود، به او خیر دنیا و آخرت داده شده است: راستگویی در کلام، امانتداری، عفت شکم (از حرام خواری) و خوش اخلاقی.»^۱
در زیارت باید صداقت داشته باشیم و راستگویی را سرلوحه گفتار و عمل خودمان قرار بدهیم و از دروغ پرهیز کنیم. چنانچه معروف است که می گویند نجات انسان در صداقت او و هلاکت و بدبختی اش در دروغ گویی اوست.
یعنی هرگاه که برای زیارت وارد شدیم سخنان و راز و نیازمان، زیارت واقعی باشد و با خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و امامزادگان صادق باشیم. به بیان دیگر خود را بهتر از آنچه که هستیم نشان ندهیم، زیرا آنها از همه چیز آگاه هستند، پس اگر به خطای خود اعتراف کنیم، برای آنان زیباتر از عمل است.

امام المتقین امیر المؤمنین علی علیه السلام این گونه ما را به رعایت صدق دعوت فرموده است:

«علیک بالصدق فانه خیر مبنی؛^۲ بر تو باد صداقت، چرا که آن بهترین زیربناست.»

۱. شرح غرر آقا جمال خوانساری، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲. غرر الحکم، ص ۴۴۳.

ج) تشنگی معنوی

تشنگی معنوی از مهم ترین ارکان استفاده بیشتر از نعمت های الهی است. هر مقدار تشنگی و احساس نیاز بیشتر و عمیق تر باشد، به همان میزان، لذت استفاده بالاتر خواهد بود.

خداوند سبحان می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً عَذْقًا﴾^۱

(و اینکه اگر آنها (جن و انس) در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم).

خدای متعال در این آیه تأکید می فرماید که ایمان و تقوا نه تنها سرچشمه برکات معنوی است، بلکه موجب فزونی ارزاق مادی، وفور نعمت، آبادانی و عمران و برکت مادی نیز هست. پس آنچه مایه وفور نعمت می شود، استقامت بر ایمان است، نه اصل ایمان، چرا که پای بسیاری در این راه، لنگ و لرزان است.

در بحث زیارت نیز باید گفت که احساس نیاز و تشنگی، یکی از شروط اصلی استفاده کافی است و این حاصل نمی شود مگر با شناخت نعمت و نعمت دهنده؛ یعنی اینکه امام معصوم یا امام زاده، به اذن الهی توانایی برآورده کردن حاجت ما را دارد، پس زائر باید به ارزش گوهر وجودی آنان پی ببرد. علاوه بر شناخت نعمت و نعمت دهنده، باید در درون زائر، احساس نیاز و

۱. سوره جن، آیه ۱۶.



درد هم به وجود آمده باشد و با درد دل و با زبان دل نه زبان ظاهری، ناله کند؛ گویی به طیبی پناه آورده و از او دوا می‌طلبید.

(د) حلال بودن مخارج زیارت

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾^۱

(ای پیامبران، از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید).

غذا و مال حلال، کلید قبولی اعمال و توفیقات و نورانیت انسان است، ولی غذا و مال حرام، مانع استجاب دعا و قبولی اعمال است. با غذا و مال حرام نمی‌توان زیارت مقبول به جا آورد و امید جواب سلام از زیارت شونده را داشت. شخصی خدمت پیامبر اکرم ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله، دوست دارم دعایم مستجاب شود. حضرت فرمود: «غذای خود را پاک کن و از هرگونه غذای حرام بپرهیز.»^۲

حلیت غذا و لباس و مخارج در سفر عاشقانه زیارت، کلید بزرگ و سِرِّ اعظم قبولی و کمال است.

به بیان دیگر، حلال بودن مال و غذا و مخارج، آثار فراوانی از قبیل استجاب دعا و نماز و عبادت دارد و نیت و قلب زائر را صاف و چشم را از خشیت خدا اشک‌ریزان می‌کند، ولی اگر مال حلال نباشد، آثار عکس می‌گذارد.

۱. سوره مؤمنون، آیه ۵۱.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۵۵.



(ه) طهارت ظاهری و باطنی

از صفات تمام پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام و اولیای خدا از جمله حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام، طاهر، زکی، نقی، تقی، مطهر، طهر، صفی، خالص، راضی و مرضی بودن است که همگی بر پاکی و طهارت روح و اعمال آن بزرگواران دلالت دارد.

زائر نیز لازم است پاک باشد تا بتواند با پاکان برتر و برگزیدگان عالم ارتباط برقرار کند. این پاکی هم باید در مال باشد هم در عمل. پس عمل ما باید از حرام و ظلم پاک شود. اگر در گذشته مرتکب حرام شده ایم قبل از زیارت توبه و استغفار نماییم و اگر حقی از مردم بر گردن ما وجود دارد، ادا نموده یا حلالیت طلب کنیم. اگر زائر با نیت پاک از هر قصد و غرض گناه آلود و انحرافی به حرم های اهل بیت برود و با قلب پاک و بدون کینه و حقد و حسد و حقه و دشمنی در این اماکن مقدس حضور یابد و جان را در معرض تابش نور ولایت قرار دهد و صادقانه توبه کند، یاری آن حضرات را بسیار نزدیک و کارگشا و کارساز خواهد دید.

(و) نیت صحیح

لطف امامان به زائران در گرو نیت زائر است، اگر زائر در پی رفع گرفتاری های دنیوی خویش باشد، به همان اندازه از فیض بهره مند خواهد شد و اگر در پی کسب معارف والا باشد به مراحل عالی معنوی خواهد رسید. قلب زائر باید متوجه باشد که در حرم چه کسی وارد شده و جایگاه رفیع صاحب حرم را نزد خدای متعال بداند. زائر باید پیوسته ذکر خدا را بر دل و زبانش جاری سازد و بداند که تنها در این صورت است که جایگاه مؤمن عارف به حق اهل



بیت علیه السلام نزد خداوند متعال والا خواهد بود و فیض الهی به واسطه زیارت آن بارگاه ملکوتی نثار او خواهد شد.

آداب حین تشرف

برخی از آداب تشرف به حرم اهل بیت علیهم السلام عبارتند از:

۱. نزد در حرم ایستادن و اذن دخول خواندن و سعی در خضوع و خشوع و رقت قلب داشتن.
۲. بر عتبه بوسه زدن و سر به سجده شکر گذاشتن.
۳. پای راست را به هنگام ورود و پای چپ را در وقت خروج مقدم داشتن.
۴. در صورت عدم ازدحام جمعیت به گونه‌ای که موجب مزاحمت و اذیت دیگر زائران نباشد، به ضریح نزدیک شدن و بوسه بر آن زدن.
۵. به هنگام زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بالای سر حضرت رو به قبله ایستادن و زیارت‌نامه خواندن، ولی برای معصوم علیه السلام پشت به قبله و رو به ضریح ایستادن و زیارت‌نامه حضرت را خواندن.
۶. تا حد امکان به حال ایستاده زیارت خواندن.
۷. گونه راست را به ضریح گذاشتن و دعا کردن به حق مزور و شفاعت وی را از خدا خواستن.
۸. خواندن دو رکعت نماز زیارت.
۹. به رسم ادب هنگام خروج بدون رو برگرداندن از ضریح، عقب عقب رفتن.
۱۰. چنانچه زمان اقامه نماز جماعت فرا برسد، شرکت در جماعت را برآغاز یا ادامه زیارت مقدم داشتن.



۱۱. هنگام خواندن زیارت‌نامه یا عرض حال یا راز و نیاز صدا را بلند نکردن.
۱۲. هنگام تشرف، با زائران و خادمان با صدای بلند صحبت نکردن.
۱۳. تلاوت قرآن کریم و هدیه ثواب آن به روح مقدس ائمه علیهم السلام.

آموزه‌هایی از زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

- محور دیگری که خبر از مقام و عظمت آن حضرت دارد زیارت‌نامه ایشان است که برادر بزرگوارش امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به سعد بن سعد اشعری تعلیم داده‌اند. این زیارت‌نامه دارای رازها و رمزها و تصریحات و اشاراتی ظریف است. البته در این نوشتار به دنبال وثاقت و اعتبار زیارت‌نامه نیستیم، گرچه در وثاقت و اعتبار آن اصلاً جای شکی وجود ندارد.
- برخی از نکته‌ها و آموزه‌های تربیتی و معرفتی که می‌توان از زیارت‌نامه استخراج کرد عبارتند از:
۱. ذکر تسیب‌جات حضرت زهرا علیها السلام قبل از خواندن زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قرینه‌ای بر شباهت بانوی این بارگاه به حضرت زهرا علیها السلام است.
 ۲. آموزش آداب زیارت، از قبیل: ایستادن نزدیک سر مبارک و رو به قبله بودن.
 ۳. سلام بر پیامبران اولوالعزم و چهارده معصوم علیهم السلام به صورت خطاب (جز امام زمان علیه السلام) مصداق روایت امام صادق علیه السلام است که فرمود: «ان لنا حرماً و هی بلدة قم» که باعث ایجاد فضایی معنوی و ملکوتی و عطرآگین، به واسطه نام مبارک ائمه علیهم السلام گردیده است.

۴. بیان عقاید مذهب حقّه جعفری به صورت فشرده، مانند: اعتقاد به نبوت، امامت، معاد و رجعت.
۵. بیان مهم‌ترین و بارزترین صفات ائمه علیهم‌السلام و انبیای اولوالعزم علیهم‌السلام و سلامی خاص به آخرین پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بیان ختم نبوت.
۶. توجه به غیبت امام زمان علیه‌السلام و بیان القاب و اوصاف آن حضرت با ضمایر غایب.
۷. بیان ارتباط نسبی حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام علی علیه‌السلام، حضرت خدیجه علیها‌السلام، فاطمه زهرا علیها‌السلام و فرزندان حضرت زهرا علیها‌السلام.
۸. درخواست از خدا برای همنشینی در بهشت با اهل بیت علیهم‌السلام و معارفه در بهشت (عرف الله بیننا و بینهم فی الجنة).
۹. درخواست توفیق انجام تولی و تبرّی.
۱۰. دعا برای همراهی اهل بیت علیهم‌السلام و دستیابی به شفاعت آنها.
۱۱. بیان شأن و منزلت حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام (فان لك شأنًا من الشأن).
۱۲. توجه به اهمیت آخرت (حشر و نشر با ائمه علیهم‌السلام).
۱۳. درخواست فرجام نیک و عاقبت به خیری از درگاه الهی.
۱۴. درخواست از خداوند برای خشنودی و رضایت اهل بیت علیهم‌السلام.

۱۳. حاج بیوک آقا واعظ تبریزی، **وسيله المعصومیه**، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۷۱ق.
۱۴. حسن بن محمد بن حسن قمی (قرن چهارم)، **تاریخ قم**، مترجم، حسن بن محمد بن حسن بن عبدالملک قمی (قرن نهم)، انتشارات زائر، چاپ اول، بهار ۱۳۸۵.
۱۵. سید رضی، **نهج البلاغه**.
۱۶. سید علی حسینی، **رواق عصمت**، انتشارات زائر، چاپ اول، بهار ۱۳۸۵ش.
۱۷. سید علیرضا کباری، **جغرافیای تاریخی هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام**، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۱۸. سید محمد حسین طباطبائی، **تفسیر المیزان**، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۹۲ق.
۱۹. سید محمد حسینی، زیارت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
۲۰. سید هاشم بحرانی، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران، بی‌تا.
۲۱. شیخ حر عاملی، **وسائل الشیعة**، قم، مؤسسه آل‌البتیت، ۱۴۰۹ق.
۲۲. شیخ صدوق، **امالی**، مؤسسه اعلمی، چاپ پنجم، بیروت، بی‌تا.
۲۳. -----، **خصال**، قم، بی‌نا، ۱۳۶۲ش.
۲۴. -----، **عیون اخبار الرضا علیه السلام**، دارالمرتضی، لبنان، ۱۴۲۹ق.
۲۵. -----، **من لا یحضره الفقیه**، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۲۶. شیخ عباس قمی، **سفینه البحار**، قم، دارالاسوه، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
۲۷. -----، **منتهی الآمال**، انتشارات هجرت، چاپ سیزدهم، زمستان ۱۳۸۷ش.
۲۸. شیخ عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، **نور الفقلین**، نشر العلمیه، چاپ نهم، بی‌تا.
۲۹. شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی، **عوالم العلوم**، انتشارات امیر، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن قولویه، **کامل الزیارات**، نجف، ۱۳۵۶ق.
۲. ابو حامد غزالی، **احیاء العلوم**، دارالکتاب العربی، بیروت، بی‌تا.
۳. ابو محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکلبینی رازی**، **اصول کافی**، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۸۷ش.
۴. **آثار اسلامی مکه و مدینه**، رسول جعفریان.
۵. احمد بن حسین، **سنن بیهقی**، دارالمعرفة، بیروت، بی‌تا.
۶. احمد بن علی بن شعیب نسائی، **سنن نسائی**، دارالفکر - بیروت ۱۴۲۶ قمری.
۷. احمد عابدی، **فلسفه زیارت**، شرح و تحقیق زیارت القبور (فخر رازی)، انتشارات زائر، چاپ اول ۱۳۷۶ش.
۸. اسماعیل محمدی، علی کاظمی، **قم در اندیشه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری مدظله العالی**، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۹. امام خمینی علیه السلام، **صحیفه نور**، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۱۰. **تاریخ یعقوبی**، ترجمه آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی‌تا.
۱۱. تحقیق الیاس محمد بیگی، **برگی از تاریخ قم**، پژوهشکده علامه طباطبائی آستانه مقدسه، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۲. جعفر مرتضی عالمی، **الحیة السیاسیة للامام الرضا علیه السلام**، ۱۴۱۶ق.



۳۰. شیخ علی نمازی شاهرودی، **مستدرک سفینه البحار**، مؤسسه بعثت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۳۱. شیخ محمد شریف رازی، **قم، آثار الحجة**، ۱۳۳۲ ش.
۳۲. شیخ محمد علی بن حسین نائینی اردستانی **کچوئی قمی**، **انوارالمشعشعین**، ناشر: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.
۳۳. شیخ مفید، **ارشاد**، قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۴. الصواعق المحرقة، **ابن حجر هیثمی**، احمد، ط ۲ قاهره، مکتبه علی یوسف سلیمان، ۱۳۸۵ قمری.
۳۵. عباس فیض، **گنجینه آثار قم**، چاپ اول، ۱۳۴۹ شمسی، چاپخانه مهر استوار قم.
۳۶. عباس فیض، **گنجینه آثار قم**، چاپخانه مهر استوار قم، چاپ اول، ۱۳۴۹ ش.
۳۷. عباسقلی خان سپهر، **ناسخ التواریخ**، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۳ ش.
۳۸. عبدالله جوادی آملی، **تسنیم تفسیر قرآن کریم**، نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۳۹. عبدالله جوادی آملی، **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، معاد در قرآن، مرکز نشر اسراء، چاپ ششم، زمستان ۱۳۹۰.
۴۰. عبدالواحد آمدی، **غرر الحکم و درر الکلم**.
۴۱. علامه امینی، **الغدیر**، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ق.
۴۲. علی اشرف عبدی، **قم از منظر اهل بیت علیهم السلام**، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۴۳. علی اشرف عبدی، **همگام با زائران عارف**، آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، انتشارات زائر، چاپ دوم ۱۳۸۴ ش.
۴۴. علی اصغر فقیهی، **تاریخ مذهبی قم**، انتشارات زائر، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۴۵. علی بن عیسی اربلی، **کشف الغمه**، چاپ بیروت، بی تا.
۴۶. علی متقی هندی، **کنز العمال**، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ ق.



۴۷. قاضی سید نور الله حسینی مرعشی، **احقاق الحق**، چاپخانه اسلامی، بی تا.
۴۸. **کریمه اهل بیت علیهم السلام**، چاپ نهضت، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۴۹. **مجموعه مقالات**، جلد اول تا چهارم، کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم، انتشارات زائر، چاپ اول.
۵۰. محمد باقر مجلسی رحمته، **بهار الانوار**، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۵۱. محمد بن احمد انصاری قرطبی، **الجامع لاحکام القرآن**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۵۲. محمد بن عبدالله، **مستدرک حاکم**، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۵۳. محمد بن عیسی، **صحیح ترمذی**، مصر، مطبع مصطفی، ۱۳۸۲ ق.
۵۴. محمد هادی امینی، **فاطمه بنت الامام موسی الکاظم علیه السلام**، چاپ مهدیه، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
۵۵. مدرسی طباطبایی، **تربیت پاکان**، چاپ اول، ۱۳۳۵ شمسی، چاپخانه مهر قم.
۵۶. -----، **تربیت پاکان**، چاپخانه مهر قم، ۱۳۳۵ ش.
۵۷. مسلم بن حجاج قشیری، **صحیح مسلم**، دارالفکر، بیروت.
۵۸. ملک الکتاب شیرازی، **بجر الانساب**، تهران، نشر بیهقی، ۱۳۳۵ ق.
۵۹. مهدی پیشوایی، **سیره پیشوایان**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۵ ش.
۶۰. مهدی طیب، **ره توشه دیدار**، نشر سفینه، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۶۱. مهدی منصوری، **حیة السّت**، انتشارات کتابفروشی صحفی، بی تا.
۶۲. میرزا حسین نوری طبرسی، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل البيت لإحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۶۳. ناصر مکارم شیرازی، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۶۳ ش.
۶۴. الیاس محمدیگی، **فروغی از کوثر**، انتشارات زائر، چاپ یازدهم، پاییز ۱۳۹۰ ش.